روزه عاشورا

سنتی نبوی

یا

بدعتی اموی



بسم الله الرحمن الرحیم

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی

نویسنده:

نجم الدین طبسی

ناشر چاپی:

دلیل ما

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی

مشخصات کتاب

سرشناسه : طبسی، نجم‌الدین، ۱۳۳۴ -

عنوان و نام پدیدآور : دراسات فقهیة فی مسائل خلافیة صوم عاشورا بین‌السنةالنبویة والبدعةالامویة: دراسة فقهیة حول حکم صوم یوم عاشورا علی ضوآ...‏/ لمولفه نجم‌الدین الطبسی.

مترجم: داداش زاده، مصطفی

مشخصات نشر : قم : دلیل ما، ۱۴۲۷ق= ۱۳۸۴.

مشخصات ظاهری : ۱۷۶ص.

شابک : ۱۱۰۰۰ ریال: ۹۶۴-۳۹۷-۱۷۸-۳

وضعیت فهرست نویسی : برون‌سپاری.

یادداشت : عربی.

یادداشت : چاپ قبلی: عهد،[۱۴۲۲]ق.=[۱۳۸۰].

یادداشت : کتابنامه: ص [۱۵۱] - ۱۶۴؛ همچنین به‌صورت زیرنویس.

موضوع : عاشورا

موضوع : روزه در عاشورا (فقه)

موضوع : فقه تطبیقی

رده بندی کنگره : BP۱۸۸/۲۵/ط۲د۴ ۱۳۸۴

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۵۴

شماره کتابشناسی ملی : م۸۴-۴۲۲۱۵

مقدّمه مترجم

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ

: الحمد للّه و الصلاة و السلام علی رسول اللّه، و علی آله آل اللّه، لا سیّما علی المهدی بقیّة اللّه.

وَ إِذْ قُلْنا لَکَ إِنَّ رَبَّکَ أَحاطَ بِالنّاسِ وَ ما جَعَلْنَا الرُّؤْیَا الَّتِی أَرَیْناکَ إِلّا فِتْنَةً لِلنّاسِ وَ الشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِی الْقُرْآنِ وَ نُخَوِّفُهُمْ فَما یَزِیدُهُمْ إِلّا طُغْیاناً کَبِیراً- ۶۰ اسراء- به یادآور زمانی را که به تو گفتیم: پروردگارت احاطه کامل به مردم دارد و ما آن رویایی را که به تو نشان دادیم، فقط برای آزمایش مردم بود. همچنین شجره ملعونه را که در قرآن ذکر کرده‌ایم ما آنها را بیم داده‌ایم اما جز طغیان عظیم چیزی بر آنها نمی‌افزاید.

در این آیه شریفه، خداوند تبارک و تعالی، جریان فکری خطرناک را هشدار می‌دهد که این جریان فکری، در تضاد کامل با تعالیم پیامبر- صلی اللّه علیه و اله و سلّم و ائمه علیهم السلام قرار دارد، که بر طبق آیه، این جریان خطرناک وسیله‌ای برای آزمایش مردم قرار داده شد. مردمانی که عصر رسالت نبیّ مکرّم را درک کرده و اسلام ناب که شائبهٔ هیچگونه التقاطی در آن نیست، دریافت نمودند. و پیامبر در آخرین روزهای عمر شریف خود تمام آنچه را که می‌بایست به مردم ابلاغ نماید، انجام داد، و مردم کاملا می‌دانستند که بعد از رحلت آن حضرت معالم دین خود را از چه کسی اخذ کنند، در آیه شریفه فوق، خداوند رویا را بیان نکرده

که چه بود. و نیز آیه بیان نکرده که مراد از شجره ملعونه در قرآن چیست که خدا آن را آزمایش مردم قرار داده است و از طرفی در قرآن شجره‌ای نیامد. که خداوند اسمش را برده و بعد آن را لعنت کرده باشد. امّا آنچه که با دقت در فقره دوّم آیه بدست می‌آید،

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، مقدمه، ص: ۲

این است که شجره‌ای که در قرآن معنی شده، هم‌اکنون در میان لعن شدگان قرار دارد چرا که فرموده: و الشجرة الملعونة فی القرآن و ظاهر آن فعلیت را می‌رساند. حال چه چیزهائی در قرآن مورد لعن قرار گرفتند: ۱- ابلیس ۲- یهود ۳- مشرکان ۴- منافقان و مردمان دیگر که مثلا با کفر از دنیا می‌روند و یا آیات خدا را کتمان و یا خدا و رسول او را آزار می‌کنند.

و نیز وقتی به کلمه شجره توجه کنیم متوجه می‌شویم که شجره علاوه بر درخت‌هایی که ساقه دارند به ریشه‌هائی که از آنها شاخه‌های فرعی جوانه می‌زند نیز اطلاق می‌شود. (مانند ریشه‌های مذهبی و اعتقادی. در لسان العرب آمده که وقتی می‌گویید: فلانی از شجره مبارکه است معنایش این است که ریشه دودمان مبارکی دارد پیامبر صلّی اللّه علیه و آله و سلّم در بسیاری از موارد فرموده است: من و علی از شجره واحد هستیم. حال وقتی در آیات خداوند تبارک و تعالی خوب تفکر کنیم، روشن خواهد شد که منظور از شجره ملعونه، یکی از اقوام ملعونه‌ای هستند که یک ریشه منشعب شده و نشو و نما کرده‌اند و مانند یک درخت شاخه زده و امت اسلام به وسیله آن آزمایش شده و می‌شوند. این صفات که شجره باشند به یکی از سه گروه تطبیق می‌شود ۱- مشرکان ۲- منافقان ۳- اهل کتاب از شواهد به دست می‌آید که آنها ریشه دارند و دارای شاخه هستند با تناسل و زاد

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، مقدمه، ص: ۳

و ولد در میان مسلمین زندگی میکنند و دین و دنیای مردم را فاسد نموده و آنها را دچار فتنه می‌کنند و با زاد و ولد در میان مسلمین زندگی می‌کنند. حال کدام یک از سه گروه مصداق آیه هستند؟ آیا می‌تواند مراد آیه مشرکان و اهل کتاب باشد؟ خیر. چون چنین صفاتی برای مشرکان و اهل کتاب، نه قبل از هجرت و نه بعد از آن، ظهور نکرده است زیرا خداوند می‌فرماید: ما مسلمانان را از شرّ آنها ایمن کرده‌ایم- مائده آیه ۳- در این میان فقط می‌ماند منافقان که در ظاهر مسلمان بوده‌اند و با ازدیاد نسل و زاد و ولد و یا جریان فکری خاص، اسلام را به خطر انداختند با در نظر گرفتن این جهات، معلوم می‌شود که خدای سبحان، شجره ملعونه را در عالم خواب به رسول گرامی خود نشان داده است، آن‌گاه در قرآن بیان کرد که، آن شجره که در خواب به تو نشان دادیم، فتنه اسلام است.

از روایات اهل سنّت و امامیه که در ذیل آیه مورد بحث آمده، مراد از رؤیا، خوابی است که پیامبر صلی اللّه علیه و آله و سلّم درباره بنی امیه- لعنهم اللّه تعالی- دید و شجره ملعونه این دودمان می‌باشد. البته الان نسل آنان در میان مردم نیست، ولی فکر انحرافی آنها وجود دارد و خواسته و ناخواسته عده‌ای از مسلمین تحت تأثیر چنین تفکرات الحادی قرار گرفته‌اند.

در درّ المنثور سیوطی از ابن حاتم و وی از ابن عمر روایت کرده که رسول خدا- صلّی اللّه علیه و آله و سلّم-

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، مقدمه، ص: ۴

فرمود: من فرزندان حکم بن العاص را در خواب دیدم که بر فراز منبرها بر آمده و به شکل میمون بودند و خداوند این آیه سوره اسراء را نازل کرد که منظور از آن شجره، دودمان حکم بن ابن العاص- بزرگ بنی امیه- است. و نیز در همین کتاب سیوطی آمده است، ابن مردویه از عایشه نقل می‌کند که روزی به مروان حکم گفت: من خود از رسول خدا شنیدم که به پدرت و جدّت می‌فرمود: شمایید آن شجره ملعونه در قرآن./ امین الاسلام طبرسی در مجمع البیان از امام صادق علیه السلام و ابو جعفر علیه السلام نقل کرده که فرمودند: بنابراین تأویل شجره ملعونه در قرآن همان دودمان بنی امیه‌اند- «۱»

اثری که در پیش دارید، به یکی از بدعتهای بنی امیّه- لعنهم اللّه- پرداخته و با استدلال‌های قوی غبار از چهرهٔ حقیقت برداشته، و به افشای توطئه بنی امیه پرداخته است.

کتاب حاضر ترجمه اثر گرانسنگ محقّق و نویسندهٔ توانا، متتبع کامل، استاد شیخ نجم الدین طبسی می‌باشد که عمری را در نشر اسلام ناب و دفاع از حریم اهل بیت علیهم السلام، گذرانده است باشد تا خداوند عزّ و جلّ او را در قیامت با صالحین در قرآن، محشور گرداند. ان شاء اللّه تعالی مصطفی داداش‌زاده حوزهٔ علمیّه قم-

۱۷/ ۳/ ۱۴۲۷ ماه ربیع الاول.

---

(۱): برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به المیزان ج ۱۳، ذیل آیه ۶۰ سورهٔ اسراء

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱

مقدّمه مؤلف

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیم

الحمـد لله رب العالمین و صـلّی اللّه علی محمـد و اله الطاهرین سـیّما الامام المهـدی قائم آل محمد. علیه و علی آبائه افضل التحیّه و السّلام.

در یکی از سـفرهای تبلیغی ماه محرّم که به بلاد شام داشـتم، از بعضـی خطبای جمعه که عموما اهل سـنّت بودنـد، می‌شـنیدم که در سخنرانی‌هـای خـود بر اهمیت و بـا برکت بودن روز عـاشورا، تأکیـد می‌نمودنـد و می‌گفتنـد: روزه گرفتن در چنین روزی مسـتحب مؤکد هست و اینکه خداوند عز و جل در این روز توبهٔ حضرت آدم علیه السلام را پذیرفت و موسی علیه السلام را نجات داد...

لذا به نظرم رسید که در این موضوع به کنکاش بپردازم و با بررسی عمیق در نصوص و فتاوا و سیر در تاریخ، به ریشه‌های این مسئله در پرتو اصولی که فریقین دارند و در کتابهایشان نگاشته‌اند، دست پیدا کنم.

تتبع و تحقیقـات در این مسـئله نشـان از آن می‌داد که اصـل اسـتحباب روزه عـاشورا و اینکه چنین روزه‌ای از مسـلّمات بین مسـلمین هست، فاقد مدرک معتبر می‌باشد چرا که روایات و فتاوای فقهاء در این موضوع در تضاد و تعارض شدید قرار دارند.

بله، مشهور بین علماء استحباب روزه عاشورا به صورت حزن و ناراحتی است

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۲

امّا در مقابـل، نظریّه فقهـاء امـامیه می‌باشـد که بعضـی از آنـان قائل به حرمت روزه عاشورا شدنـد و بعضـی دیگر قائل به کراهت و گروهی، کلمه صوم که در روایات آمده را به معنای لغوی آن یعنی امساک حمل کردند و گفتند دست برداشـتن از اکل و شرب تا عصـر می‌باشـد و نه تا غروب. اهل سـنّت دربارهٔ حکم روزهٔ عاشورا به چند دسته تقسـیم می‌شوند: گروهی که بعضـی از صـحابه را تشـکیل می‌دهنـد بر این عقیده‌انـد که صوم عاشورا، کراهت دارد، این افراد عبارتنـد از: عبـد الله بن عمر و عبـد الله بن مسـعود و... گروه دیگر که اهل مـدینه جزء آنها هسـتند قائل به حرمت یا وجوب می‌باشـند که این نظر و عقیده را تا سال ۴۴ یا ۵۷ ه‍ ق که سال ورود معاویه به مدینه می‌باشد، حفظ کرده بودند. «۱»

علاوه بر این از بعضـی علمـاء اهـل سـنت در بلوچسـتان ایران می‌شـنیدم که آنـان در روز عـاشورا به خاطر حزن بر امام حسـین علیه السلام، روزه می‌گرفتند که این عمل موافق نظر مشهور فقهاء امامیّه بود. امّا مدرکی بر عمل آنها نیافتم.

ما در این جا درصدد نظریّه‌پردازی نیستیم بلکه هدف نقل آراء و ادله می‌باشد تا یک محقق منصف بتواند از خلال آن، نظریه فقهی خود را بیان نماید.

---

(۱): عیاض گوید: بعضـی از گذشتگان بر این عقیده بودند که روزه عاشورا واجب است و همچنان وجوبش باقی است و نسخ نشده

است. عمدة القاری ج ۱۱ ص ۱۱۸. شرح زرقانی ج ۲ ص ۱۷۸

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۳

البته تا آنجائی که نیاز اقتضاء کند به مناقشه در اسناد روایات و نیز فتاوائی که بعضی از علماء اهل سنّت ابراز داشتند، خواهیم پرداخت.

مباحثی را که خواننده گرامی در پیش دارد، طرحی جدید و نو نیست، بلکه گذشتگان از علماء امامیه گوی افتخار تحقیق در این موضوع را ربوده و تفصیلا در لابه‌لای کتابهایشان به بیان حکم روزه عاشورا پرداختند، فقهائی چون: سیّد علی طباطبائی در کتاب ریاض و محدّث بحرانی در حدائق و محقّق قمی در غنائم و فاضل نراقی در کتاب مستند و محقّق نجفی در جواهر و سیّد خوئی در مستند و سیّد خوانساری در جامع المدارك و شیخ والد- طبسی- در کتاب ذخیرة الصالحین و...

اما با این حال، به غیر از دو کتاب و چند مقاله که به طور مستقل دربارهٔ روزه عاشورا نگاشته شده، کتاب یا رسالهٔ مستقل دیگری حول این موضوع نیافتم. و آن عبارتند از ۱- رسالهٔ فی صوم یوم عاشورا، اثر سیّد محمد بنی سیّد عبد الکریم طباطبائی بروجردی، جدّ سیّد بحر العلوم، که سیّد در حاشیه مواهب «۱» نام کتاب را ذکر نموده است ۲- جواب المسألة العاشورائیة فی تفسیر عاشورا و حکم الصوم فیه و تعیین ساعة بعد العصر، یستحبّ فیها الافطار- اثر

---

(۱) الذریعة الی تصانیف الشیعه ج ۱۵ ص ۱۰۱ شماره: ۶۶۸

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۴

شیخ احمد بن صالح- که فرزندش شیخ محمد صالح، در کتاب خود از آن یاد نموده است.

اما مقالاتی که درباره این موضوع در مجلات و روزنامه‌ها منتشر شد:

۱- تحقیق فی صوم یوم عاشوراء، اثر استاد حسن توفیق السقّاف- که مجلّه الهادی در قم، در شماره دوم از سال هفتم، سال ۱۴۰۱ ه آن را منتشر نمود ۲- یوم عاشورا فی اللغة و التاریخ و الحدیث، اثر شیخ هادی غروی یوسفی که مجله رسالة الثقلین در قم مقدسه در شماره دوم، سال اوّل، آن را چاپ و منتشر نمود. ۳- پیشینه عاشورا، که مقاله‌ای به زبان فارسی، اثر استاد رضا استادی می‌باشد. که مجلّه پیام حوزه در قم مقدسه در شماره اول و دوم از سال دوّم آن را چاپ و منتشر نمود.

در پایان، از همهٔ دوستان و عزیزانی که بذل زحمت کوشش محبّت نموده و به مطالعه این کتاب پرداخته و تذکرات ارزشمندی را ابراز داشتند، کمال تشکر را دارم «۱» و از خداوند تبارك و تعالی، مسئلت می‌نمائیم که به ما توفیق خدمت به دین حنیف و مذهب اهل بیت پیامبر بزرگوار دهد. چرا که او شنونده‌ای هست که دعاها را به استجابت می‌رساند.

نجم الدین الطبسی قم مقدسه- حوزه علمیه ۱۵/ ج ۱/ ۱۴۱۹ ه ق

---

(۱) الذریعة الی تصانیف الشیعه ج ۵ ص ۱۹۰ شماره/ ۸۸۰/

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۵

باب

بخش اوّل: مقدّمه

اشاره

۱- کلمه عاشورا در لغت

۲- عاشورا و ریشه‌های روائی آن

۳- آیا به روز نهم عاشورا می‌گویند یا به روز دهم؟

۴- روزهٔ عاشورا قبل از نزول روزه ماه رمضان چه حکمی داشت؟

۵- آیا رسول خدا- صلّی اللّه علیه و اله و سلم- روزهٔ یهود را تأیید می‌نمود؟

۶- آیا یهود روز عاشورا را روزه می‌گرفتند؟

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۶

کلمه عاشورا در لغت عرب:

۱- خلیل بن احمد گوید: عاشورا به روز دهم ماه محرّم اطلاق میگردد و گفته شده که منظور از عاشورا، روز نهم ماه محرّم می‌باشد (۲...)

۲- ازهری به نقـل از لیث می‌گویـد: روز عاشورا، روز دهم از ماه محرّم است. ازهری در ادامه می‌گویـد: من در میان اسامی، اسـمی که بر وزن فاعولا باشد نشنیده‌ام. امّا بعضـی از کلماتی که دارای حروف اندکی هسـتند، بر این وزن استعمال شده‌اند که در این‌باره ابن بزرج گوید: الضاروراء از ضرّاء، الساروراء از سرّاء، و الدالولاء از دلالهٔ (... ۳)

۳- ابن دریـد بر این باور هست که: عاشورا اسـمی است که در اسلام روزی به آن نامیـده شـد و در زمان جاهلیّت معروف و معهود نبود. و در کلام عرب کلمه‌ای به غیر از عاشورا به صورت، الف ممدود نیامده است. (۴)

۴- فیروز آبـادی می‌گویـد: عـاشوراء و عشوراء به صورت الف ممـدود، نوشـته می‌گردد و عـاشور، به روز دهم یـا نهم از ماه محرّم اطلاق میگردد. (۵)

۵- زبیدی گوید: العاشوراء، امّا آنچه که معروف است، خالی بودن این کلمه از الف و لام می‌باشد

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۷

و عشـوراء هم به صورت مقصور و هم ممـدود نوشـته می‌گردد و عـاشور، به روز دهم محرّم گفته می‌شود و آنچه بیـان کرده‌ایم در مورد کلمه تاسوعا نیز مطرح می‌گردد (... ۶)

۶- هروی از ابن عباس نقل نموده که وی گفته است: اگر تا سال آینده زنده باشم، روز نهم را روزه می‌گیرم. ابو منصور در توضیـح سخن ابن عباس می‌گویـد: منظور از روز نهم، عاشورا را هست و عرب وقتی می‌گویـد: وردت الابل عشـرا: دهم، شتران به آبشـخور رسیده‌اند، مراد روز تاسع- نهم- می‌باشد. (۷)

۷- عینی معتقد است: اشـتقاق عاشورا از کلمهٔ عشر می‌باشد و عشر نام عددی معیّن- ده- هست. قرطبی می‌گوید: عاشورا، تغییر یافتهٔ کلمهٔ عاشرهٔ می‌باشد و عرب برای مبالغه و تعظیم، از آن استفاده می‌کند. عاشورا در اصل صفت شب دهم می‌باشد، چون برگرفته از کلمـهٔ عشر می‌باشـد و عشـر هم اسم فعـل هست و یوم هم مضـاف به عاشور است. لـذا وقتی گفته می‌شود: یوم عاشورا، گویا گفته شده:

یوم اللیلهٔ العاشـرهٔ- امّا عرب، خاصیّت صفت بودن را از عاشره گرفته، و جنبه اسمیّت به آن داده و در استعمالات کلمه لیله را حذف نمودند. نظر دیگر آن است که کلمه عاشورا، مأخوذ از عشر به کسر، است. و زمانی که عرب شتران

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۸

تشـنه را در روز نهم به آبشـخورشان، رسانیدند می‌گویند وردت الابل عشـرا- کلمه عشر را به کار می‌گیرنـد- لذا، وقتی در استعمال

گفته می‌شود عاشورا، منظور، روز نهم هست. (۸)

عاشورا و ریشه‌های روائی آن:

با جستجو در روایات می‌توان به ریشه‌های کلمه عاشورا دست یافت و وجه تسمیه روز دهم محرم در روایات به عاشورا یا به جهت آن است که در این روز ده تن از پیامبران به ده کرامت مفتخر شدند، همچنانکه این مطلب در حاشیه کتاب الجمل بدون ذکر مصدر و منبع بیان شده است و یا به خاطر آن است که خداوند عزّ و جلّ روز شهادت حضرت ابی عبد الله را به عاشورا نامید- که مؤید این سخن، روایتی هست که مرحوم طریحی در ضمن روایت تفضیل است محمّد- صلی اللّه علیه و اله و سلم بواسطه ده چیز بر سایر امتّها، نقل نموده است.

۱- شیخ سلیمان می گوید: وجه تسمیه چنین روزی به عاشورا آن است که ده تن از پیامبران علیهم السلام به ده کرامت، در همچنین روزی مفتخر گردیده‌اند.

و در ادامه برای صحت سخن خود به روایت مرسله‌ای تمسک نمود که آن را از بعضی کتب وعظ که نامش را ذکر نکرد، نقل نموده است. (۹)

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۹

۲- مرحوم طریحی می گوید: در روایتی نقل شده که موسی کلیم در ضمن سخن خود با خداوند عز و جّل عرض کرد: پروردگارا، به چه دلیل، امّت محمّد- صلّی اللّه علیه و اله و سلّم را بر سایر امتها برتری دادی؟ خداوند تعالی فرمود: به خاطر ده خصلت، امت محمد را بر سایر امتها برتری بخشیدم. موسی فرمود: آن خصلت‌ها چیست تا به آن عمل کرد. و نیز به بنی اسرائیل دستور عمل کردن به آن خصال را دهم؟ خداوند تعالی فرمود: نماز و زکات و صوم و حجّ و جهاد و جمعه و جماعت و قرآن و علم و عاشورا.

موسی عرضی کرد: بار پروردگارا، عاشورا چیست؟ خداوند فرمود: بکاء و تباکی بر سبط محمد صلّی اللّه علیه و اله و سلم و مرثیه و عزاءداری بر مصیبتی که بر فرزند مصطفی وارد شد. ای موسی: بنده‌ای از بنده‌گان من در آن روز برای فرزند مصطفی گریه کند و یا خود را به گریه اندازد و یا عزاداری کند، بهشت بر او واجب می‌شود و و بنده‌ای که مالش را در راه محبّت پسر دختر پیامبر انفاق کند و یا طعام کند دهد، آن مال خواه یک درهم یا یک دینار باشد، خداوند به او در دنیا به اندازه هفتاد درهم برکت عطاء می کنم و در بهشت به سلامت مستقر شده و گناهانش را مورد مغفرت خود قرار می‌دهم.

و قسم به عزّت و جلالم، هر مرد یا زنی که در روز عاشورا و غیر عاشورا، به اندازه

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۰

یک قطره اشک از دیده‌گانش جاری شود، اجر صد شهید برای او نوشته خواهد شد

مؤلف: مضمون چنین روایتی درست هست و شواهد زیادی از روایات و نصوص آن را همراهی می کنند امّا عین این روایت را در منابع و مصادر دیگر پیدا نکردم و علاوه بر این روایت مرسل است و شاید به خاطر ارسال روایت، صاحب الجمل آن را در حاشیه کتابش نقل نموده و مفصلا روی آن بحث ننموده است.

لذا اگر ما از ضعف سند این روایت چشم پوشی کنیم، در می‌یابیم که کلمهٔ عاشورا سابقه‌ای در قبل از سلام داشته و امت‌های پیشین با آن مأنوس بودند.

چرا که خداوند عز و جل، چنین روزی را به انبیاء علیهم السّلام شناساند. با این مطلب دیگر وجهی برای ادعای بعضی از لغوی‌ها مثل ابن درید و ابن اثیر و طریحی که گفته بودند، عاشورا در اسلام مطرح شده و پیشینه‌ای قبل از اسلام ندارد، باقی نمی‌ماند. و از طرفی یهود به احترام چنین روزی، روزه می گرفتند و حتی گفته شده که نصارا نیز بنابر روایتی آنچه که فیومی به صورت مرسل نقل

نموده، به تعظیم این روز پرداخته و روزه می گرفتند، امّا روایتی که فیومی ذکر کرده، در سایر کتب نقل نشده و واقعا هم مشخص نیست که نصارا در این روز روزه می گرفتند. متن روایتی که وی ذکر

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۱

کرده این است: انّ رسول اللّه صام عاشورا، فقیل له: انّ الیهود و النصاری تعظّمه فقال: اذا کان العام المقبل صمنا التاسع: (۱۱) رسول خدا در روز عاشورا روز می گرفت.

به آن حضرت عرض شد: یهود و نصارا این روز را با عظمت می‌شمارند. سپس حضرت فرمود: وقتی که سال آینده رسید، روز نهم روزه می گیریم.

ممکن است گفته شود: تعظیم این روز و روزه گرفتن در آن، ملازم با این نبود که آنها، روز دهم را به عنوان یوم عاشورا می‌شناختند.

– ۱ این کتاب در سال ۱۴۱۹ ه ق در ضمن مجموعه الرسائل الاحمدیه ج ۲ توسط نشر دار المصطفی لاحیاء التراث، به زیور طبع آراسته گردید.

– ۲: العین ج ۱ ص ۲۴۹

– ۳: تهذیب التهذیب اللغهٔ ج ۱ ص ۴۰۹

– ۴: الجمهرهٔ فی لغهٔ العرب ج ۴ ص ۲۱۲

– ۵: القاموس المحیط ج ۲ ص ۸۹

– ۶: تاج العروس ج ۳ ص ۴۰۰

– ۷: ۱– الغریبین ج ۱ ص ۲۵۴ ۲– معیار اللغهٔ ج ۱ ص ۴۶۵ و ج ۱ ص ۸۸ ۳– اقرب الموارد ج ۱ ص ۷۷ و ج ۲ ص ۷۸۴

– ۸: ۱– عمدهٔ القاری ج ۱۱ ص ۱۱۷ ۲– فتح الباری ج ۴ ص ۲۸۸ ۳– ارشاد الساری ج ۴ ص ۶۴۶

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۲

– ۹: حاشیهٔ الجمل علی شرح المنهج ج ۲ ص ۳۴۷

– ۱۰: مجمع البحرین ج ۳ ص ۴۰۵

– ۱۱: المصباح المنیر ص ۱۰۴– مؤلف: صاحب کتاب ذکر شده، احادیثی نقل میکند، که در سایر کتب ذکری از آن به میان نیامده است و ما در کتاب موارد السجن ص ۵۰۳، بعضی از آن احادیث را آورده‌ایم.

ادامهٔ بحث:

آیا به روز نهم محرم عاشورا می‌گویند یا به روز دهم:

اشاره

آنچه که مشهور نزد ماست این است که عاشورا روز دهم ماه محرّم می‌باشد، همچنانکه علّامه حلی در کتاب المنتهی و محقّق قمی در غنائم و علّامه مجلسی در مراهٔ العقول به آن تصریح نمودند. و بر همین نظر، اکثر اهل سنّت و جماهیر سلف و خلف از قبیل عسقلانی در فتح الباری و شوکانی از نووی، معتقد شدند. و در یکی از دو روایتی که عبد الرزاق در مصنّف خود از ابن عباس نقل نمود، عاشورا را روز دهم محرّم دانسته است و روایت دیگر از ابن عباس، عاشورا را روز نهم دانسته است به هر تقدیر، با وجود نظریّه مشهور که مؤیّد به روایات کثیر و مورد پذیرش عموم اهل سنّت هست، نظریّه شاذّ و خلاف، اهمیّت چندانی ندارد.

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۳

آراء فقهای امامیّه

: ۱- علّامه حلّی می گوید: روز عاشورا، روز دهم ماه محرّم است که سعید بن مسیّب و حسن بصری، نیز همین مطلب را نقل کرده‌اند و از ابن عباس مروی هست که وی عاشورا را روز نهم دانسته امّا چنین روایتی قابل اعتماد نیست چرا که در احادیث فراوانی که از معصومین علیهم السلام نقل شده، عاشورا را روز قتل حسین علیه السلام دانستند و روز قتل حسین علیه السلام، دهم محرّم اتّفاق افتاد. و جمهوری از علماء از ابن عباس روایتی نقل کرده‌اند که رسول خدا صلّی اللّه علیه و اله و سلّم دستور به روزه گرفتن در روز عاشورا- یعنی دهم محرم- دادند.

و این روایت با آنچه که سابقا از ابن عباس نقل شده که وی عاشورا را روز نهم می‌دانستند، منافات دارد. (۱)

۲- محقّق قمی می‌فرماید: در مذهب امامیّه معروف است که عاشورا روز دهم محرّم است، چون روز قتل حسین می‌باشد و هیچ اختلافی نیست که شهادت امام علیه السلام در دهم محرّم اتّفاق افتاد (۲)

۳- علّامه مجلسی رحمهٔ اللّه علیه گوید: ایشان بعد از روایتی که زید نرسی از امام صادق علیه السلام نقل نموده که حضرت فرمودند: هرکس در روز عاشورا روزه بگیرد

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۴

بهره‌اش از روزهٔ آن روز، بهره‌ای هست که ابن مرجانه و ال زیاد- لعنهٔ اللّه علیهم- در آن روز بردند. می گوید ... این روایت دلالت میکند که عاشورا روز دهم محرّم است، همچنانکه مشهور بر این عقیده‌اند. (۳)

آراء اهل سنّت:

۱- بغوی می گوید: علماء دربارهٔ روز عاشورا اختلاف دارند. بعضی معتقدند که عاشورا روز دهم محرّم است و گروه دیگر، عاشورا را روز نهم محرّم می‌دانند و از ابن عباس روایت شده که گفته است: روز نهم و دهم روزه بدارید. و بر این عقیده شافعی و احمد و اسحاق می‌باشند. (۴)

۲- عسقلانی گوید: اهل شرع در تعیین روز عاشورا اختلاف نظر دارند اکثر می گویند: روز دهم محرّم است. (۵)

۳- شوکانی از نووی نقل نموده که وی می گوید: جمهور سلف و خلف معتقدند که عاشورا روز نهم از ماه محرم می‌باشد. (۶)

۴- عبد الرزاق می‌نویسد ...: از ابن عباس نقل شده که عاشورا، دهمین روز از ماه محرّم می‌باشد. مؤلّف: از جمله فقهای عامّه که معتقد است عاشورا روز نهم محرّم می‌باشد، ابن حزم می‌باشد. (۷)

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۵

روزه عاشورا قبل از نزول روزه ماه رمضان چه حکمی داشت؟

اشاره

فقهاء امامیّه در حکم شرعی روزه عاشورا را قبل نزول روزه ماه رمضان، در وجوب یا عدم وجوب، اختلاف دارند. محقق نجفی صاحب جواهر و محقق قمی صاحب کتاب الغنائم، معتقد به وجوب شدند و سیّد علی طباطبائی صاحب مدارک، تمایل به وجوب دارند. امّا محقق سبزواری در ذخیره و علامه حلّی در تذکر و منتهی صرفا به نقل اختلاف بسنده نمودند. با مراجعه دقیق به احادیث،

متوجه می‌شویم که مفاد بعضی از روایات، وجوب روزه عاشورا قبل از نزول روزه رمضان بوده است. (۹)
امّا علمای عامّه چند گروهند: ابو حنیفه، فتوا به وجوب داده بود- ولی در مذهب شافعی، روزه گرفتن در روز عاشورا وجوب نداشت. که اکثریت عامه بر همین عقیده هستند. از نووی و شافعی دو قول و از احمد دو روایت در این مسئله نقل شده که ما در فصل بعدی روایات را اشاره خواهیم کرد.

آراء فقهای امامیّه:

۱- علامه حلّی: ایشان می گوید، در وجوب یا عدم وجوب روزه عاشورا، اختلاف شده است. ابو حنیفه، فتوا به وجوب داده است و گروهی، قائل به عدم وجوب شدند. شافعی هم در این مسئله دو نظر دارد.
روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۶
و احمد نیز دو روایت نقل نموده است. قائلین به وجوب روزه عاشورا قبل از نزول روزه ماه رمضان به روایتی که عایشه نقل نمود، استدلال می کنند.
می گویند، پیامبر- صلّی اللّه علیه و اله و سلّم در این روز روزه می گرفتند و دیگران را نیز به روزه گرفتن، امر می‌نمود. و زمانی که روزه ماه رمضان وجوب پیدا کرد، روزهٔ عاشورا را ترک نمود. پس هرکس خواست می‌تواند روزه در این روز را ترک کند.
و نیز رسول خدا صلّی اللّه علیه و اله و سلّم به اهل عوالی (۱۰) نوشتند که هرکس در این روز، روزه را ترک کرد، باقی ماندهٔ روز را چیزی نخورد و هرکس که چیزی نخورد، طول روز را روزه بدارد. و این روایت دلالت بر وجوب روزه عاشورا دارد. بعضی دیگر دلیل و خود را، روایتی دانستند که معاویه آن را نقل نمود. روزی معاویه بر بالای منبر فریاد می‌زد که ای اهل مدینه، علمای شما کجانید؟ من از رسول خدا- شنیدم که می گفت: این روز عاشوراست، خداوند بر شما روزه گرفتن در این روز را واجب نکرده است...
در احادیثی که از امامیّه رسیده است، هم دلالت بر وجوب روزه عاشورا دارند و هم عدم وجوب روزه در این روز را. (۱۱)
روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۷
۲- مرحوم محقق نجفی صاحب جواهر می گوید: و از آنچه که گفته شد دانسته می‌شود که روزه عاشورا قبل از نزول روزه ماه رمضان واجب بود. (۱۲)
۳- محقّق قمی می‌نویسد: ظاهر اخبار حاکی از آن است که روزه عاشورا قبل از نزول ماه رمضان واجب بوده و سپس ترک شد. (۱۳)
۴- سیّد عاملی گوید: در حکم روزه عاشورا اختلاف شده که آیا واجب است یا نه؟ و آنچه که در اخبار ما امامیّه وجود دارد، آن است که قبل از نزول روزه ماه رمضان، روزهٔ عاشورا واجب نبوده است. و از جمله راویانی که عدم وجوب را نقل کرده‌اند، زراه و محمد بن مسلم هست. (۱۴)
۵- سبزواری گوید: بدان که در حکم روزه عاشورا اختلاف شده که آیا واجب است یا خیر؟ و در بعضی از اخباری که امامیّه نقل کرده‌اند، روزه روز عاشورا قبل از نزول روزه ماه رمضان و روزه روزهای پنجشنبه و جمعه واجب بوده است. (۱۵)
۶- علامه مجلسی از کتاب المنتقی نقل کرده که: در سال اوّل هجرت، رسول اللّه صلّی اللّه علیه و اله و سلّم در روز عاشورا روزه گرفته و دیگران را به روزه گرفتن دستور دادند مؤلّف: فقهای بزرگوار- به غیر از مرحوم محقق قمی، نظر و رأی معیّنی را انتخاب نکرد و فقط
روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۸

به نقل اختلاف پرداختند. و محقّق قمی با استناد به ظاهر بعضی از روایات، قائل به وجوب گشت. و مرحوم مجلسی نیز به نقل کلام المنتقی اکتفاء نموده و هیچ‌گونه اظهار نظر ننموده است. (۱۶)

آراء فقهاء اهل سنّت:

۱- عینی میگوید: در حکم روزه عاشورا در اوّل اسلام، اختلاف شده است ابو حنیفه معتقد به وجوب گشته و پیروان شافعی قائل به دو نظر شدند که مشهورترین آن دو نظر آن است که روزه عاشورا هیچ‌گاه در میان امت اسلام، وجوب نداشته است و صرفا مستحب مؤکّد بود و وقتی روزه رمضان بر مردم واجب شد، روزه عاشورا، مستحب شد بدون اینکه مؤکّد باشد.

و نظر دوّم آن است که همانند ابو حنیفه به وجوب معتقد گشتند و عیاض گوید: بعضی از سلف بر آنند که روزه عاشورا واجب بود. و همچنان بر فریضه بودن باقی است و نسخ نگردیده است، لکن قائلین به آن منقرض شدند. و اجماع بر عدم وجوب منعقد شده و استحبابش باقی هست. (۱۷)

۲- ابن قلامه معتقد است: دربارهٔ روزه عاشورا اختلاف شده که آیا واجب است؟

نظر قاضی آن است که چنین روزه‌ای واجب نیست و گوید: این قیاس مذهب است

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۹

و سپس به دو چیز استدلال نموده است و از احمد روایت شده که روزه در چنین روزی واجب بوده است. (۱۸) ۳- کاشانی می‌گوید: روزه عاشورا، در روز عاشورا واجب بود. (۱۹)

۴- قسطلانی در ذیل حدیث: انا احقّ بموسی منکم- من سزاوارتر از موسی به شما هستم- می‌نویسد: رسول خدا در این روز روزه می‌گرفت و دستور به روزه گرفتن می‌داد. و در ادامه می‌گوید: این روایت می‌تواند دلیل برای کسانی باشد که روزه عاشورا را قبل از نسخ واجب می‌دانستند. اما اصحاب ما جواب داده‌اند که امر به روزه، بمعنای استحباب مؤکد است. (۲۰) ۵- عسقلانی: آنچه که از مجموع احادیث بدست می‌آید، وجوب روزه عاشورا است. و سپس برای اثبات ادعای خود به شش دلیل تمسّک نموده است (۲۱) ۶- زرقانی در شرح قول سخنی که از رسول خدا- صلّی اللّه علیه و اله و سلّم- نقل شده: فمن شاء صامه-- هر که خواست در این روز، روزه بدارد- می‌نویسد: روزه گرفتن در چنین روزی حتمی نبوده است، لذا، دستور به گرفتن روزه، فقط یکسال بود و اگر معتقد به وجوبش بشویم، قطعا نسخ شده و هیچ روایتی که حاکی از آن باشد که رسول خدا، دوباره بعد از نزول روزه رمضان، روزه عاشورا را واجب کرده، نرسیده است. و مسلمین یا روزه ماه رمضان، روزه عاشورا را ترک کرده همچنانکه از قبل هم بدون اینکه نهی از روزه گرفتن باشد.

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۲۰

پس اگر دستور وجوبی رسول خدا- صلّی اللّه علیه و اله و سلّم- به روزه گرفتن قبل از وجوب روزه رمضان بود، با نسخ وجوب در اینکه استحباب هم نسخ می‌شود خلاف مشهور هست.

و اگر آن دستور جنبه استحباب داشت، روزه روز عاشورا همچنان بر استحباب خود باقی هست و در کتاب الاکمال آمده است: گفته شده که روزه روز عاشورا قبل از روزه رمضان واجب بوده و سپس نسخ شده که این را می‌توان از ظاهر حدیث فوق بدست آورد. و نیز گفته شده: روزه عاشورا سنّتی مؤکد بوده امّا تأکید آن کاسته شد و به صورت تخییر در آمد. بعضی از گذشتگان قائل بودند که روزه عاشورا تا زمانی که نسخ نشده بود، وجوب داشت، امّا قائلین به این نظریّه، منقرض شده‌اند و اجماعی که امروزه منعقد شد، خلاف نظر آنهاست. و ابن عمر از قصد روزه در چنین روزی کراهت داشت (... ۲۲)

آیا پیامبر اکرم روزه‌های یهود را تائید می‌کرد؟

اشاره

دو تن از علمای اهل سنّت به نامهای زین الدین حنفی و عسقلانی، معتقدند که پیامبر صلّی اللّه علیه و اله و سلّم، روزه‌های که یهود در ایّام مختلف به جای می‌آوردند، دوست می‌داشت و آن را تائید می‌فرمود. زین الدین حنفی بعد از آنکه روزهای رسول اکرم را

به چهار حالت تقسیم کرد، می‌نویسد: حالت ثانیه آن است که وقتی رسول خدا وارد مدینه شدند و روزه‌های اهل کتاب را مشاهده فرمودند، علاقه‌مند به آن شد و مردم را دستور به روزه گرفتن داد و تأکید نمود که حتما مردم در این روزهائی که اهل کتاب روزه می‌گرفتند، روزه به جای آوردند، به طوری که مردم بواسطه تأکید فراوان رسول خدا، بچه‌های خود را وادار به روزه گرفتن می‌کردند. (۲۳)

و نیز عسقلانی می‌نویسد: رسول خدا صلّی اللّه علیه و اله و سلّم، روزه‌هائی که یهود در ایّام سال می‌گرفتند دوست می‌داشت و اصولا- در آنجائی که امری از جانب خداوند نرسیده بود، و اعمال اهل کتاب مخالف با عقاید بت‌پرست‌ها بود، از آن جانبداری می‌کرد و دوست می‌داشت. (۲۴)

نقد:

جناب زین الدین حنفی می‌گوید پیامبر اکرم، موافقت با اهل کتاب را دوست می‌داشت و مردم را هم بر آن برمی‌انگیخت، در حالی که سخن وی، با آنچه که ابن عباس از رسول اکرم نقل فرموده، در تناقض هست. ابن عباس از پیامبر نقل کرده که آن حضرت فرمود: روزهٔ روز عاشورا، بخاطر مخالفت با یهود بوده است: صوموا عاشورا و خالفوا فیه الیهود: (۲۵) روزه بدارید در روز عاشورا و با آن، با یهود مخالفت کنید.

لذا، چگونه می‌توان با این نصّ، سخن حنفی و عسقلانی را که می‌گفتند پیامبر موافقت با یهود را دوست می‌داشت، توجیه کرد. و هیچ‌گاه این دو سخن با روایت فوق قابل جمع نیست. و نیز سخن زین الدین حنفی و عسقلانی با روایتی که از یعلی بن شدّاد از پدرش نقل کرده، منافات دارد. ابن شداد از پدرش نقل کرده که رسول خدا صلّی اللّه علیه و سلّم فرمود: با کفش‌هایتان نماز بخوانید و در این امر با یهود مخالفت کنید. (۲۶)

و نیز در روایت دیگری آمده: خود را شبیه به یهود نکنید. (۲۷)

آیا روزه‌ای که آن دو تن مدعی آن هستند که رسول خدا بخاطر موافقت با یهود می‌گرفت، مصداق تشبّه به یهود نیست که حضرت، خود از آن نهی فرمود. قاضی در شرح روایتی که از حضرت نقل کرده که آن حضرت فرمود: لاصومنّ التاسع: هر آینه روز نهم را روزه می‌گیرم- می‌گوید: شاید بتوان آن را با روز دهم جمع کرد، که روزه گرفتن در روز نهم بخاطر آن بود تا تشبّه به یهود که فقط در روز دهم روزه می‌گرفتند، صورت نگیرد (۲۸) و نیز در کتاب المحیط آمده که: کراهت دارد از اینکه فقط در روز عاشورا، روزه گرفته شود چون باعث تشبّه به یهود می‌گردد. (۲۹)

با این احوال آیا جایز است که ما در بعضی از اعیاد و روزه‌های یهود مشارکت داشته باشیم و

تنها به این دلیل که ما به موسی یا عیسی از قوم آنها، سزاوارتریم؟ چرا این آقایان اصرار دارند تا مفاهیم اسلامی و احکام و سنن و

آداب و عقائد آن را به سنن و احکام و عادات اهل کتاب، مرتبط سازند؟ و اصلا چه سرّی وجود دارد که آنان تظاهر به هماهنگی رسول خدا صلّی اللّه علیه و اله و سلّم با اهل کتاب مخصوصا یهود می‌نمایند؟

و متأسفانه در صحاح احادیثی به پیامبر اکرم نسبت داده شده که رسول اللّه، از گفتار یک عالم یهودی در شگفت مانده و آن را تصدیق نموده است. (۳۰) و یا به پیامبر نسبت می‌دهند که هنگامی فرد یهودی از رسول خدا عبور می‌نمود، حضرت از او درخواست (۳۱) نموده که برای حضرت سخن بگوید. و یا نقل می‌کنند که زن یهودی، قضایائی از فتنه قبر را به (۳۲) پیامبر آموخت و نیز تمیم داری نصرانی را پیامبر اکرم تصدیق نمود و رسول گرامی از او، حدثنی حدیثا، نقل می‌کرد. مثلا در صحاح آمده که رسول اللّه فرمود: تمیم‌داری بر ایمن سخنی نقل نموده که موافق با آنچه که در مورد مسیح دجال برایتان گفتم می‌باشد... سخن او همان چیزی بود که من برای شما و در مورد مدینه گفته بودم، که مرا به شگفتی واداشت. (۳۳)

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۲۴

آیا یهود در روز عاشورا روزه میگرفتند:

با مراجعه به تاریخ و کلمات لغوی‌ها و نظر فقهاء و محققین و ... بدست می‌آید که معیار یک سال نزد یهود بر حسب گردش خورشید به دور زمین محاسبه می‌گردد و به عبارت دیگر سال آنها شمسی هست و نه قمری. لذا روزهٔ آنها نمی‌تواند در روز عاشورا و یا در ماه محرّم باشد. همچنانکه، روز غرق شدن فرعون را، روز عاشورا از محرم قید نکرده‌اند. واقعه فوق در روز دهم از ماه اوّل که تشرین نام دارد و آن را روز کیپور ruOik یعنی کافره- نامیده‌اند اتفاق افتاد و در چنین روزی نیز، بنی اسرائیل لوح دوم از شریعت خود را دریافت نمودند.

و بنابر فرض بعید که چنین روزی مصادف با ورود نبیّ صلّی اللّه علیه و اله و سلّم به مدینه و جریان عاشورای محرم بود، صرفا امری اتفاقی بوده است. علاوه بر این، کیفّیت روزه نزد یهود با روزه مسلمین فرق دارد، چرا که آنان از غروب خورشید تا غروب خورشید روز بعد، روزه می‌گیرند. لذا آنچه که در روایات به پیامبر- صلّی اللّه علیه و اله و سلّم نسبت داده شد که صوم عاشورا در اصل از یهود بوده و آنها در این روز روزه میگرفتند، پایه و اساسی ندارد و افترائی بیش نیست.

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۲۵

لازم است که به چند نظر در این مسئله اشاره گردد:

۱- دکتر جواد علی می‌گوید: روز عاشورا را که یهود در آن روز روزه می‌گیرند، روز کفّار، گفته می‌شود که زمانش پنج روز قبل از عید مظال یعنی در روز دهم از ماه تشرین که روز کبور ruOik نامیده می‌شود، می‌باشد. روزه در این روز از غروب خورشید شروع می‌شود و تا غروب روز بعد، ادامه دارد. این روز همانند روز شنبه نزد یهودیان حرمت و احترام دارد. در چنین روزی کاهن اعظم یعنی قدس الاقداس، برای انجام اعمالی که واجب گشته، وارد می‌شود. (۳۴)

۲- سقاف می‌نویسد: در زمان حاضر فردی از یهود را نیافتم که در روز دهم محرّم روزه بدارد و یا آن را عید بشمارد. و نیز در سوابق تاریخی آنها چیزی که نشان دهد آنها در روز دهم از محرم را روزه می‌گرفتند و یا آن را عید می‌شمردند، یافت نشده است. بلکه یهود در روز دهم از ماه تشرین که ماه اوّل از سال رسمی‌شان در تقویم می‌باشد، روزه می‌گیرند ولی چنین روزی را عاشورا نمی‌نامند نهایت چیزی که در آدابشان وجود دارد این است که روز یا عید کیپور می‌باشد. (۳۵)

۳- و نیز گوید: یهود تقویم خاصّی دارد که با تقویم عربی اسلامی ما، اختلاف روشنی دارد.

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۲۶

که ماه آنها از تشرین و سپس حشران شروع شده و در آخر به ماه ایلول که ماه دوازدهم می‌باشد، ختم می‌گردد. در تقویم یهود

سالی بنام کبیسه دارنـد که در این سال به دوازده ماه، یک ماه اضافه میگردد و آن، ماه آذار دوم که در میان ماه آذار اول (ماه هفتم و ماه نیسان که ماه هشتم است قرار می‌گیرد و آذار دوم، ماه نهم قلمداد می‌شود.

عدد روزهای عادی سال ۳۵۳ یا ۳۵۴ یا ۳۵۵ و در سال کبیسه ۳۸۳ یا ۳۸۴ یا ۳۸۵ روز می‌باشد. تقویم یهودی که در زمان ما استفاده می‌شود ماههایش قمری و سالهایش شمسی می‌باشد. (۳۶)

۴- محمود پاشا فلکی در تقویم عرب قبل از اسلام می‌گویـد: یهودیان عرب، روزی بنام عاشورا داشتند که عاشورا روز دهم از ماه تشری که اولین ماه از سال قانونی و هفتمین ماه از سال دینی آنها می‌باشد. و معیار یک سال نزد یهود، به حساب شمسی می‌باشد نه قمری. لـذا روز عاشوراء که فرعون در آن روز غرق شـده است مقیّد نشده که عاشورای محرم یعنی دهم محرم است. بلکه واقعۀای که، در آن روز اتفاق افتاد، ورود نبیّ اکرم صلّی اللّه علیه و اله و سلّم به مدینه بود. (۳۷)

۵- ابوریحان بیرونی می‌نویسد: ماه تشرین، سی روز هست ... و در روز

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۲۷

دهم از تشـرین، صوم کبور نـام دارد و ادعـاء شـده که حـادثه عـاشورا در چنین روزی رخ داد. روزه در این روز از جمله روزه‌هـای واجب است و بقیّه روزه‌ها جزء نوافل محسوب می‌شوند. در روز کبور، یهود، نیم ساعت قبل از غروب خورشـید روز نهم روزه خود را شروع کرد. و تا نیم ساعت بعد از غروب روز دهم که تماما ۲۵ ساعت می‌شود، به پایان می‌رساند...

و روزه یهود در این روز را کفارۀ گناهان و اشـتباهات خود می‌دانـد و هرکس که در این روز، روزه‌اش را به جای نیاورد، کشـتنش واجب است. و نیز در این روز، پنج نماز که دارای سجده هست، انجام می‌دهند. (۳۸)

۶- علامه شـعرانی در حاشـیه بر کتاب وافی می‌نویسـد: بـدانکه روز عاشورا، روز صوم یهود است و یهود از گذشـته تا حال که روز کبور نام دارد، روزه به جای می‌آورند.

و زمانش، روز دهم از ماه اول یهود می‌باشد. و زمانی که پیامبر اسلام وارد مدینه شد، مطابق با اولین ماه یهود برابر با اول محرم بود. و همچنان این تطابق ادامه داشت تا اینکه رسول خدا نسئی را حرام اعلان نمود- لذا، تطابق ماه یهود با ماه عرب بهم خورد. و دیگر از آن زمان اوّل ماه یهود هماهنگ با سال مسلمین نشد.

البته یهودی‌ها همچنان بر طبق تقویم دوران جاهلیت که نسئی را اعمال می‌کردند، عمل میکنند

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۲۸

که در هر سه سـال، یـک سـال دارای سـیزده مـاه می‌گردد. لـذا، رسول خـدا و مسـلمانان هماننـد یهود روزه می‌گرفتنـد و فرمود: ما سزاواتر به موسی از شما یهودی‌ها هستیم...

تا اینکه با وجوب صوم رمضان، وجوب روز عاشورا نسـخ گردیـد امّا جواز آن باقی هست (... ۳۹) مؤلّف: اوّلا: هجرت رسول خدا به مدینه و ورودشان به آن شـهر، در ماه ربیع الاوّل اتفاق افتاد (۴۰) و نه در ماه محرّم لـذا، چگونه سال یهود مطابق با ورود پیامبر به مدینه و ماه محرّم می‌گردد.

ثانیـا: معروف هست که پیامبر اکرم فقط یک سال از عاشورا را روزه گرفتنـد، چنانچه در آینـده به آن اشاره می‌گردد. و با این حال چگونه مرحوم شـعرانی می‌گوید: پیامبر تا حرمت نسـئی روزه داشت ... ثالثا: آنچه که از کلام مرحوم علّامه شـعرانی بدست می‌آید این است که ایشان، قائل به وجوب روزه عاشورا بود. تا اینکه با نزول صوم رمضان، نسخ گردید، و حال آنکه این مسئله نزد امامیه و عامّه، مورد اختلاف هست، لذا، به نظر می‌آید مبنای مرحوم شعرانی، دلیل و مستندی را به همراه ندارد.

مؤلف: ما- ان شاء ا ... تعالی- به زودی روشن می‌نمائیم که جریان روزه عاشور از نقشه‌های شـیطانی اموی‌ها برای زیر پوشـش قرار دادن حادثه کربلا و آنچه که بر اهل بیت

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۲۹

پیامبر- صلّی اللّه علیه و اله و سلّم- وارد آوردند، بوده است.

پایان بخش اوّل:

- ۱: منتهی المطلب ج ۲ ص ۶۱۱
- ۲: غنائم الایام ج ۶ ص ۷۸
- ۳: مرآة العقول ج ۱۶ ص ۳۶۲
- ۴: التهذیب ج ۳ ص ۱۹۱
- ۵: فتح الباری ج ۴ ص ۲۴۵
- ۶: نیل الاوطار ج ۴ ص ۲۴۵
- ۷: المصنّف ج ۴ ص ۲۸۸ ح ۷۸۴۱
- ۸: المحلّی ج ۷ ص ۱۷
- ۹: من لا یحضره الفقیه ج ۲ ص ۵۱ شماره ۲۲۴- وسائل الشیعه ج ۱۰ ص ۴۵۹ ب ۲۱ ح ۱. کافی ج ۴ ص ۱۴۶ ح ۴. التهذیب ج ۴ ص ۳۰۱ ح ۹۱۰ استبصار ج ۲ ص ۱۳۴. مراة العقول ج ۱۶ ص ۳۶۰
- ۱۰: دهکده‌ای هست که تا مدینه ۴ میل و بعضی می گویند ۳ میل فاصله هست.

معجم البلدان ج ۴ ص ۱۶۶

- ۱۱: منتهی المطلب ج ۲ ص ۶۱۱- و مثل همین در کتاب تذکرة الفقهاء ج ۶ ص ۱۹۶ آمده است
- ۱۲: جواهر الکلام ج ۱۷ ص ۱۰۷
- ۱۳: غنائم الایام ج ۶ ص ۱۰۷
- ۱۴: المدارک ج ۶ ص ۲۶۸
- ۱۵: ذخیرة المعاد ص ۵۲۰
- ۱۶: بحار الانوار ج ۱۹ ص ۱۳۰
- ۱۷: عمدة القاری ج ۱۱ ص ۱۸- مثل همین در کتاب المجموع ج ۶ ص ۳۸۳ نقل شده است
- ۱۸: المغنی ج ۳ ص ۱۷۴
- ۱۹: بدائع الصنائع ج ۲ ص ۲۶۲
- ۲۰: ارشاد الساری ج ۴ ص ۶۴۹
- ۲۱: فتح الباری ج ۴ ص ۲۹۰
- ۲۲: شرح الزرقانی ج ۲ ص ۱۷۸
- ۲۳: لطائف المعارف ص ۱۰۲
- ۲۴: فتح الباری ج ۴ ص ۲۸۸
- ۲۵: السنن الکبری ج ۴ ص ۴۷۵
- ۲۶: المعجم الکبیر ج ۷ ص ۲۹۰ ح ۷۱۶۵- المستدرک علی الصحیحین ج ۱ ص ۲۶۰ به تصحیح ذهبی
- ۲۷: المعجم الکبیر ج ۷ ص ۲۹۰ ج ۷۱۶۴
- ۲۸: عمدة القاری ج ۱۱ ص ۱۱۷

- ۲۹: همان

- ۳۰: صحیح البخاری ج ۴ ص ۳۰۰

- ۳۱: فتح الباری ج ۱۳ ص ۴۰۹

- ۳۲: سنن النسائی ج ۴ ص ۱۰۴

- ۳۳ صحیح مسلم ج ۴ ص ۳۳۷

- ۳۴: المفصّل فی تاریخ العرب ج ۶ ص ۳۳۹- کتاب المقدس ج ۲ ص ۲۶۶۰

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۳۱

- ۳۵: مجلّه الهادی- شماره دو ص ۳۷ هفت عدد در یک جلد

- ۳۶: مجلّه الهادی- شماره دو ص ۳۶ هفت عدد در یک جلد

- ۳۷: دائرهٔ المعارف بستانی ج ۱۱ ص ۴۴۶

- ۳۸: شرح حال در الکنی و الالقاب ج ۱ ص ۷۸. الاثار الباقیّه ص ۲۷۷

- ۳۹: وافی، هامش ۲ ص ۱۱۴

- ۴۰: تاریخ طبری ج ۲ ص ۳. الکامل فی التاریخ ج ۲ ص ۵۱۸ بحار الانوار ج ۱۹ ص ۱۰۴- فتح الباری ج ۴ ص ۲۸۹

بخش دوّم: حکم شرعی روزه عاشورا

اشاره

الف: روایاتی که منع از روزهٔ گرفتن در روز عاشورا دارد

ب: روایاتی که دلالت بر جواز روزه عاشورا دارد

ج: بحث در روایاتی که از طریق اهل سنّت نقل شده است.

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۳۲

حکم شرعی روزهٔ گرفتن در روز عاشورا چیست؟

اشاره

در بیان حکم شرعی چنین روزه‌ای، روایات گوناگونی نقل شده که با یکدیگر در تعارض و تضّاد هستند. یک طایفه از روایات که صوم عاشورا را جایز می‌داند، لسانش آن است که روزه در این روز، کفارهٔ یک سال گناه می‌باشد و اینکه عاشورا روز با برکت و نجات بوده و پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و اله و سلّم حتی به بچه‌ها دستور می‌داد که در این روز از خوردن و آشامیدن خودداری کرده و روزه به جای آورند- مضمون چنین مطالبی در کتاب تهذیب، کافی، و جعفریات نقل شده است. طائفه دیگر مضمونش مخالف با مطالب روایات دسته اول است، در این روایات آمده که، روزهٔ در این روز متروک است و حتی از آن نهی شده است، و اینکه روزه گرفتن در عاشور بدعت هست، و این روزه، روزهٔ حرامزاده گان است و هرکس در چنین روزی، روزه بدارد، نصیبش جز آتش نیست و نیز در این دسته از روایات آمده که پیامبر- صلّی اللّه علیه و آله و سلّم، هیچگاه در این روز، روزه‌دار نبوده است. این مضامین هم در کتب روائی امامیّه نقل شده است.

اما سیره عملیّه ائمه طاهرین علیهم السلام؛ آنچه که از منش عملی حضرات معصومین

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۳۳

علیهم السلام، بدست می‌آید، آن است که در چنین روزی، روزه‌دار نبود. و به اصحاب خود هم سفارش نمی‌کردند تا روزه بگیرند. و مرحوم سیّد خوئی در تقریر بحث استادش، تصریح می‌کند که اگر روزه گرفتن در چنین روزی مستحب بود. ترک این استحباب نمی‌بایست از سوی معصوم علیه السلام، استمرار داشته باشد. (۱)

در کتب اهل سنّت، روایات مختلفی ذکر شده است. مفاد بعضی از روایات، استحباب روزه در همچنین روزی هست و نیز نقل شده که روزه گرفتن در روز عاشورا مستحب مؤکّد می‌باشد. دسته دیگر از روایات بیان می‌کنند که نبیّ صلّی اللّه علیه و اله و سلّم، هیچ‌گاه در این روز، روزه‌دار نبود و اینکه بعد از نزول روزه ماه رمضان، هیچ‌کس را به روزه گرفتن در روز عاشور امر نکردند. این دو دسته از روایات در کتابهائی همچون: بخاری، مسلم و سایر کتب سنن نقل شده و هیثمی آنها را در کتاب زوائد خود ذکر نموده و اکثر اسناد این روایات را تضعیف نمود.

اینک نقل روایات از فریقین و بررسی آن:

[۱- روایات منقوله از طرق امامیّه]

روایات منقوله از طرق امامیّه که مفادشان نهی از روزهٔ عاشورا دارد:

[الف روایت من لا یحضره الفقیه]

الف: من لا یحضره الفقیه: محمد بن مسلم و زرارهٔ بن اعین از امام جعفر امام باقر علیه السلام در مورد روزهٔ

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۳۴

روز عاشورا سئوال نمودند. حضرت فرمود: روزه عاشورا قبل از نزول روزه رمضان- تشریع شده- بود و با نزول روزه رمضان، روزهٔ آن روز ترک گردید: کان صومه قبل شهر رمضان فلمّا نزل شهر رمضان ترک. (۲) مرحوم مجلسی اوّل از این روایت تعبیر به صحیح نموده است و در توضیح روایت می‌فرماید: منظور امام علیه السلام از: کان صومه- وجوب یا استحباب آن بوده است و منظور از: ترک یعنی نسخ شد. (۳)

مؤلّف: بنابر اینکه روزه عاشورا واجب بود و سپس نسخ بر آن عارض گردید، بحثی اصولی پیش می‌آید که آیا با نسخ وجوب، جواز باقی می‌ماند یا خیر؟ و مراد از جواز یا معنای اعمّ است که هر حکم غیر حرام را شامل می‌شود و یا به معنای اخصّ یعنی اباحه می‌باشد. بهر تقدیر آنچه که معروف است اینکه نه از دلیل ناسخ و نه از دلیل منسوخ، دلالتی بر بقاء جواز فهمیده نمی‌شود، لذا، برای تعیین حکم خاصی بعد نسخ وجوب نیاز به دلیل جداگانه‌ای می‌باشد. البته ممکن است کسی بگوید: قبل از نسخ وجوب، جواز همراهش بود و چون جواز بمنزله جنس است و با رفتن وجوب، همچنان جواز باقی است. در جواب باید گفت که این از قبیل استصحاب کلی قسم سوّم هست، که هیچگونه حجّیّتی ندارد. که تفصیل آن را باید در کتب اصولیّه دید. (۴)

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۳۵

[ب روایت زرارهٔ]

ب. کافی: علی بن ابراهیم از پدرش و وی از نوح از شعیب نیشابوری از یاسین ضریر از حریز از زرارهٔ و وی از ابی جعفر و ابی عبد

اللّه علیهما السّلام نقل کرده که آن دو معصوم بزرگوار فرمودند: در روز عاشورا روزه نگیرید، روز عرفه در مکه و نه در مدینه و نه در وطن خود و نه در هیچ شهری از شهرها، روزه به جای نیاورید. (۵)

مرحوم مجلسی می گوید: این حدیث مجهول هست، و یا بنابر صحت صدور حدیث، حمل بر آنجائی که رؤیت هلال مشتبه شد یا شخص در اثر روزه، از دعا کردن ناتوان می‌شود می گردد و یا نهی وارد در روایت بمعنای کراهت است. (۶)

مؤلف: گرچه حمل مذکور بر خلاف ظاهر است، لکن به قرینه نهی از روزهٔ عرفه که شکلی در حرام نبودنش نیست، بر آن معانی می توان حمل شود.

[ج روایت نجبهٔ بن حارث عطار]

ج- کافی: حسن بن علی هاشمی از محمد بن موسی از یعقوب بنی یزید از حسن بن علی الوشاء گوید: نجبهٔ بن حارث عطار برایم نقل نموده که از ابا جعفر علیه السلام در مورد روزه روز عاشورا سئوال نمودم. حضرت فرمود: روزه- در چنین روزی- بواسطه نزول ماه رمضان متروک شد. و آنچه که متروک شد،- به جای آوردنش- بدعت هست. فقال: صوم متروک بنزول شهر رمضان و المتروک بدعهٔ. نجبهٔ گوید: از ابا عبد اللّه علیه السلام،

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۳۶

بعد از شهادت پدرش در همین مورد پرسش نمودم، جوابی که به من داد مثل جواب پدرش بود. سپس فرمود: بدان، روزه در این روز در هیچ کتابی (آسمانی) نیامده و هیچ سنّتی- بر آن جاری نشده مگر سنت آل زیاد، که حسین بن علی- صلوات اللّه علیهما- به شهادت رساندند- و به شکرانه چنین فعلی، در این روز روزه گرفتند- (۷)

مرحوم مجلسی اول از این روایت تعبیر به قوی کرد. و گوید: این روایت را از حدیث قوت روایتی که مرحوم کلینی نقل کرده، تأئید می کند، (۸) امّا مرحوم مجلسی دوّم، این روایت را مجهول دانسته است. و گوید: عبارت صوم متروک: دلالت می کند بر وجوب روزه عاشورا قبل از نزول روزه ماه رمضان. و بعضی از اصحاب امامیه معتقدند که هیچ گاه روزهٔ عاشورا وجوب نداشته است. و عبارت: و المتروک بدعهٔ:

نشان می‌دهد که وجوب و حتی رجحان روزهٔ این روز، نسخ گردیده است.

مگر اینکه گفته شود: غرض از این فقره آن است که وجوب صوم عاشورا نسخ گردید و آنچه که وجوبش نسخ شده، دیگر رحجان هم ندارد و رجحانش را باید از دلیل دیگر فهمید. و این همان نظر ماست. و بجز عموماتی که دلالت بر رجحان این روزه و روزه‌های دیگر دارد، دلیل دیگری بر رجحان اقامه نشده است، لذا، اگر انسان روز عاشورا را

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۳۷

به قصد اینکه روزه گرفتن در این روز از سننی است و یا استحباب دارد، فردی بدعت گذار هست، لکن با توجه به این روایت، روزه در این روز، هیچ گونه استحبابی ندارد چرا که نه دلیل خاص آن را همراهی می کند و نه عموم ادله استحباب روزه شاملش می شود. (۹)

و مرحوم مجلسی دوم در کتاب ملاذ الاخیار هم از این روایت تعبیر به مجهول نمود (۱۰)

[د روایت ابان از عبد الملک از ابا عبد الله علیه السلام]

اشاره

د- کافی: حسن بن علی هاشمی از محمد بن حسین از محمد بن سنان از ابان (۱۱) از عبد الملک نقل می‌کند که از ابا عبد الله علیه السلام در مورد روزه تاسوعا و عاشورای محرّم سئوال نمودم حضرت فرمود: تاسوعا روزی هست که حسین و یارانش- که خداوند از آنان خشنود باد- در کربلاء محاصره شدند، بر علیه حسین لشکر شام اجتماع نموده و محاصره را تنگ‌تر می‌نمودند.

و در این روز شادی ابن مرجانه و عمر بن سعد، شادی می‌نمودند چرا که می‌دیدند هر لحظه به افرادشان اضافه می‌گردد به طوری که سیل زیادی از لشکریان بر ضّد امام علیه السلام گسیل شدند.

و حسین و یارانش را ناتوان دیده و یقین پیدا نمودند که حسین- علیه السلام- هیچ یاری کننده‌ای ندارد و حتی- اهل عراق او را کمک نمی‌کنند- بابی المستضعف الغریب: جانم فدای پدرم که مستضعف و غریب گشت. سپس حضرت فرمودند: و امّا روز عاشورا، روزی هست که حسین در حالی که ابدان اصحابش در اطرافش بود به خاک افتاد، پس آیا در چنین روزی

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۳۸

باید روزه گرفت؟ نه، قسم به پروردگار بیت حرام، این روز، روز روزه گرفتن نیست این روز فقط، روز حزن و مصیبتی است که بر اهل آسمان و زمین و بر تمام مؤمنین وارد شد و روزی هست که ابن مرجانه و آل زیاد و اهل شام- که خشم و غضب خداوند بر آنان و فرزندانشان باد- به فرح و سرور پرداختند. این روز، روزی است که تمام جای جای زمین بجز شام بر حسین گریستند. پس هرکس در این روز، روزه بدارد و یا شادی کند و تبرک بجوید، خداوند او را با آل زیاد محشور می‌گرداند در حالی که قلبش مسخ شده و خداوند بر او خشمگین هست. و هرکس در این روز، ذخیره‌ای را برای منزلش، انباشته کند- من ادّخر الی منزله ذخیرهٔ- خداوند تعالی در قلبش تا روز قیامت نفاق را وارد می‌گرداند و برکت را از او و از خانواده و از فرزندانش می‌گیرد و شیطان را شریک او در تمام کارهایش قرار می‌دهد. (۱۲)

مرحوم فیض در توضیح فقراتی از روایت می‌گوید: منظور امام علیه السلام از: بابی المستضعف الغریب: یعنی: فدای پدرم حسین شوم که او را ناتوان و غریب نمودند- و معنای:

من ادّخر الی منزله ذخیرهٔ آن است که امام علیه السلام اشاره نمود به کسانی که این روز را با برکت دانسته و بخاطر همین آزوغهٔ یک سال خود را در چنین روز تهیّه می‌کنند

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۳۹

و روز عاشورا را از بزرگترین اعیاد خود می‌دانند. خداوند آنها را لعنت کند. ان شاء اللّه تعالی (۱۳) مرحوم مجلسی گوید: این روایت بنابر نظر مشهور، ضعیف است. و از طرفی دلالت دارد بر اینکه، عاشورا همان معنای مشهورش که دهم محرم است، می‌باشد و نیز دلالت میکند بر کراهت روزهٔ روز تاسوعاء به همراه مکروه بودن روزهٔ روز عاشورا. (۱۴)

تحقیق در سند روایت:

شاید ضعف روایت بخاطر آن است که در سندش فردی بنام محمد بن سنان وجود دارد، که او را ضعیف و غالی دانسته و به جعل حدیث پرداخته و به توجهی به او نمی‌شود همچنانکه به این امر ابن غضائری تصریح نموده است. و شیخ مفید گوید: محمد بن سنان مورد طعن است که رجالیون در متهم کردن او و نیز در تضعیفش هیچ اختلافی ندارند لذا کسی که شأنش این است نمی‌توان به او در امور دینیّه اعتماد کرد. (۱۵) و شیخ طوسی می‌نویسد: روایاتی که مختّص به اوست و فقط او نقل کرد. و دیگران در این نقل شرکتی نداشته‌اند، توجهی نمی‌شود. (۱۶)

و نیز ایوب بن نوح نقل روایت از محمد بن سنان را حلال نمی‌دانست. (۱۷)

لکن با همهٔ این مطالب باید گفت: فضل از او روایت نقل کرد. و به دیگران اجازه داده که بعد از محمد بن سنان، روایات منقوله از سوی او را نقل کنند و نیز کلشی در عنوان

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۴۰

دوم و چهارم بر اخباری که مدح ابن سنان را دلالت داشت، اکتفاء نمود و اینکه نجاشی در آخر سخنش می گوید: خبر صفوان دلالت بر زوال اضطراب شخصیّتی محمد بن سنان دارد و نیز مفید در ارشاد او را توثیق کرده و شیخ طوسی گر چه در تهذیبین و فهرست و رجال او را تضعیف نمود لکن، در کتاب الغیبهٔ او را از محمد و حسین اصحاب ائمه علیهم السلام قرار داده و اخباری که مدح ابن سنان را می‌رساند نقل نموده است.

و همچنین بسیاری از عدول و ثقات از قبیل یونس بن عبد الرحمن و حسین بن سعید اهوازی و برادرش و فضل بن شاذان و پدرش و ایّوب بن نوح و محمد بن حسین بن ابی الخطّاب و دیگران، از او روایت نقل نموده‌اند. و این خود، دلالت دارد بر اینکه اخبار محمد بن سنان، دارای اعتبار هست گر چه بر حسن شخصیتی ابن سنان دلالت ندارد.

لذا، خبرهائی که محمد بن سنان نقل کرده و هیچ گونه دلالتی بر غلوّ و تخلیط نداشته باشد، معتبر است. و این روایت نیز چون آثار غلو و تخلیط را ندارد، و حتی بواسطه روایات دیگر تائید شده است، مانعی از اخذ به این حدیث و عمل بر طبقش نمی‌بینیم.

امّا اگر بگوئید ضعف حدیث بخاطر وجود فردی بنام ابان هست، در جواب باید گفت:

منظور از ابان، یا ابان بن تغلب است و یا ابان بن عثمان یا ابان بن عبد الملک می‌باشد، (۱۸)

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۴۱

امّا ابان بن تغلب که هیچگونه شکی در وثاقت و جلالت این مرد بزرگ نیست. امّا ابان بن عثمان: شیخ رحمهٔ اللّه علیه او را در کتاب کشّی جزء شش تنی قرار داد که اصحاب اجماع بر تصحیح ما یصحّ عنهم دارند، (۱۹) امّا ابان بن عبد الملک، که مرحوم مامقانی او را (۲۰) نیکو حال معرفی نموده است، پس روایت هیچ گونه مشکل سندی ندارد. فتأمل.

[ه روایت جعفر بن عیسی از امام رضا علیه السلام]

اشاره

ه: کافی از: حسن بن علی هاشمی و از محمد بن عیسی بن عبید نقل کرده که محمد بن عیسی از جعفر بن عیسی (برادرش) نقل نموده که از امام رضا علیه السلام در مورد روزهٔ عاشورا و آنچه که مردم در این رابطه می گویند سئوال نمودم. حضرت فرمودند: آیا از روزهٔ ابن مرجانه، از من سئوال می کنی؟ عاشورا روزی هست که حرامزاده گان آل زیاد به خاطر یمن کشتن حسین- روزه گرفتند. در حالی که این روز را آل محمد و اهل اسلام، فاجعه‌آمیز و مصیبت بار و نحس می‌دانند و روزی هست که اهل اسلام آن را نامیمون دانسته و در آن روز روزه نمی گیرند و تبرک به آن نمی‌جویند. و روز دوشنبه، روز نحسی هست که خداوند عز و جل در این روز، جان نبی اکرم را ستاند و در همین روز آل محمّد دچار مصیبت شدند (۲۱). و ما این روز را نامیمون و نحس می‌دانیم و ابن مرجانه این روز را با برکت می‌داند و ال محمّد آن را بد یمن می‌شمارد. پس هرکس در این روز روزه بگیرد یا تبرک جوید، خداوند تبارک و تعالی را

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۴۲

با قلبی مسخ شده، ملاقات می کند و خداوند او را با کسانی که روزه گرفتن در چنین روزی را سنّت قرار دادند و به آن تبرّک جستند، محشور می گرداند. (۲۲)

مناقشه در سند

: ۱- مرحوم علّامه حلّی در صحت سند این روایت تأملی دارد که می گوید: اگر سند حدیث درست باشد، روزهٔ گرفتن در روز دوشنبه کراهت دارد و با عدم صحت سندی، کراهت هم ندارد. (۲۳)

۲- مرحوم مجلسی اوّل از این حدیث به قوی تعبیر نموده است. (۲۴)

۳- مرحوم مجلسی دوم نسبت مجهول بودن به این حدیث داده و گفته است: الحدیث مجهول (۲۵) مؤلف: منشأ اشکال در سند، فردی بنام حسن یا حسین بن علی هاشمی هست.

چون در کتابهای رجالی نامی از این فرد بمیان نیامده است.

مرحوم سیّد خوئی در معجم، هیچگونه رأی و نظری ابراز نداشته است. (۲۶) و مرحوم نمازی در مستدرک، تعبیری از آن شخصی دارد که او را تائید می‌نماید: انّه من مشایخ الکلینی- (۲۷) لذا پس اگر مبنای مقبول وثاقت یا حسن مشایخ الثقات باشد همچنانکه مرحوم مامقانی چنین بنائی را دارد، (۲۸) هیچ اشکالی برسند نیست و حدیث از مجهولیّت بیرون می‌آید- وگرنه در مقام بحث، وثوق خبری کفایت می کند- و لازم نیست که وثوق مخبری احراز شود-

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۴۳

فهم حدیث: در حدیث آمده: الادعیاء: مرحوم مجلسی می گوید منظور، فرزندان زناء هستند. در کتاب قاموس آمده است: (۲۹) الدعیّ بر وزن غنّی، کسی هست که در نسبش اتهام وجود دارد. و نیز در روایت عبارت: فمن صامها ... آمده است که ظاهرا دلالت بر حرمت روزهٔ روز دوشنبه و روز عاشورا دارد. اما، روزهٔ روز دوشنبه، مشهور عدم کراهت آنرا قائلند و ابن جنید گوید: روزهٔ چنین روزی نسخ شده است. و امکان دارد که روایت را بر آنجائی حمل نمود که روزه به قصد تبرک باشد و یا بخاطر علتی که در خبر آمده یا به قصد رجحان روزه در چنین روزی که بدعت و حرام است.

اما روزه روز عاشورا: روایات مختلفی در بیان حکم شرعی آن نقل شده و آنچه که اظهر نزد من است اینکه: اخبار وارده به فضیلت داشتن روزهٔ عاشورا، حمل بر تقیّه می گردد و آنچه که مستحب است امساک از خوردن و آشامیدن به صورت حزن و اندوه تا عصر می‌باشد- نه اینکه منظور صوم اصطلاحی باشد. همچنانکه شیخ در مصباح همین محتوا را روایت کرده است ... صمه من غیر تبییت و افطره من غیر تشمیت...

و خلاصه اینکه، احتیاط ترک روزهٔ روز عاشورا هست مطلقا. (۳۰)

ب: فیض کاشانی در ادامه توضیح فقرات روایت می گوید: مسخ القلب عبارت است از تغیّر

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۴۴

صورت شخص در باطن به صورت بعضی از حیوانات، همچنانکه به همین معنا خداوند تبارک و تعالی اشاره دارد: وَ نَحْشُرُهُمْ یَوْمَ الْقِیٰامَةِ عَلیٰ وُجُوهِهِمْ عُمْیاً وَ بُکْماً وَ صُمًّا. (۳۱) (۳۲)

سخنی از قطیفی:

ایشان از عبارت: فمن صام او تبرّک، برداشت توبیخ و طعنه نموده است و گوید:

ماهیّت صوم و نفس امساک و خودداری از شرب و اکل آنهم به نیّت روزه، تا غروب، نزد ائمه اهل بیت علیهم السلام، ناخوشایند بود، لذا معنا ندارد که ما اخبار مانعی از روزه را بر روزهٔ غیر حزن حمل کرده و اخباری که تجویز روزه نموده را بر حالت حزن کرده و گفته شود که اگر روزه برای ناراحتی از مصیبتی که بر امام حسین علیه السلام و خاندانش وارد شد، اشکال ندارد. و این

وجه جمع برای روایات مردود است. و در ادامه می گوید:
اینکه ائمه علیهم السلام، تصریح دارند به عدم قبول ماهیّت چنین روزه‌ای و روزه گرفتن به هر وجه و طریقی موجب حشر با آل زیاد، و به دنبالش سایر ممالک را به دنبال دارد، همچنانکه تبرک جستن در این روز چنین پیامدی را به دنبال دارد.
لذا ماهیت صوم نیز نمی‌تواند برای حزن و مصیبت باشد و روزه گرفتن شکرانه سلامتی و عافیت روزه به جای آورده می‌شود. به همین دلیل در خبری که عبد الملک نقل کرده امام
روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۴۵
علیه السّلام فرمود: آیا در چنان روزی، روزه گرفته می‌شود؟ نه. به خدای بیت حرام قسم این روز، روز صوم نیست و فقط روز حزن و اندوه و مصیبت هست ... پس هرکس روزه بگیرد یا به این روز تبرک بجوید، خداوند او را با آل زیاد محشور می گرداند.
قطیفی می‌نویسد: مگر نمی‌بینی که چطور، روزه گرفتن در این‌روز، آن مهالک را به دنبال دارد و از سوی امام علیه السلام مورد تهدید قرار گرفته، همچنانکه همین آثار بواسطه تبرک جستن به این روز، ثابت شده است. و در روایتی که ابی غندّر نقل کرده آمده است:
روزه از برای مصیبت نیست بلکه اتیان روزه فقط به شکرانه سلامتی می‌باشد.
که ظاهر این روایت گویای این مطلب هست که حزن و ناراحتی نمی‌تواند سبب برای استحباب صیام در روزی از روزها باشد. و استحباب صوم فقط در ایام فرح و سرور می‌باشد نه در ایامی که غم و ناراحتی و بدبختی واقع گردید. (۳۳)

[ل- روایت عبید بن زراره]

ل، کافی، حسن بن علی هاشمی از محمد بن عیسی نقل می کند که ابن عیسی گوید: محمد بن ابی عمیر از زید نرسی برایمان حدیث نقل کرده که از عبید بن زراره شنیدم که از ابا عبد الله علیه السلام در مورد روزهٔ عاشورا سئوال نمود. حضرت فرمودند: هرکس در این روز روزه بدارد، بهره‌اش از آن روز، بهرهٔ ابن مرجانه و آل زیاد است. ابن زراره گوید: گفتم:
روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۴۶
بهرهٔ آنان از آن روز چیست؟ فرمود: آتش. خداوند ما را از آتش. حفظ کند. و هر آنچه که ما را به آتش نزدیک می گرداند. (۳۴)
مؤلف: در تهذیب، این حدیث، با کمی اضافه، نقل شده است که دارد، از عبید بن زرارهٔ که او از زرارهٔ شنید. احتمال دارد این اضافه از ناسخین نسخه نویسان باشد. مرحوم مجلسی دوم، نسبت مجهول به این روایت داده است (۳۵) لکن تعبیر مرحوم مجلسی اوّل از حدیث، حسن است که حسن را تشبیه به صحیح نموده و گفته است:
و فی الحسن کالصحیح عن محمد بن ابی عمیر عن زید نرسی. (۳۶) مؤلف: اگر وجه اشکال در سند حسن بن علی هاشمی باشد، که قبلا بررسی شد و هیچ ضعفی در او نیست.

[خ- روایت از امالی طوسی]

خ- امالی طوسی، محمد بن حسن در کتاب المجالس و الاخبار از حسین بن ابراهیم قزوینی از محمد بن وهبان از علی بن حبشی از عباس بن محمد بن حسین از پدرش از صفوان بن یحیی از حسین بن ابی غندر از پدرش از ابی عبد اللّه علیه السلام، نقل می کند که از امام علیه السلام در مورد روزهٔ روز عرفه سئوال نمودم. حضرت فرمود: عیدی از اعیاد مسلمین است و روز دعا و مسئلت می‌باشد.

گفتم: روزهٔ عاشورا چگونه است؟

حضرت فرمود: عاشورا روزی هست که حسین علیه السلام کشته گردید. پس اگر انسانی بدخواه و خبیث هستی روزه بگیر. سپس فرمود: همانا آل امیّه- که بر آنان و بر

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۴۷

کسانی از اهل شام که آنان را بر قتل حسین علیه السلام، کمک کردند، خداوند لعنت کند- نذر کردند که اگر حسین- علیه السلام- کشته شد و کسانی که به جنگ با حسین رفتند، سالم برگشتند و خلافت در آل ابی سفیان مستقّر شد، آن روز را عید گرفته و به شکرانه آن، روزه بگیرند و اولادشان را شاد گردانند، لذا، این عمل در آل ابی سفیان، تاکنون در میان مردم سنّت گردید و مردم در این عمل همگی به آنها اقتداء کردند و لذا، در چنین روزی، روزه گرفته و بر خاندان و خانوادهٔ خود شادمانی را داخل نمودند. سپس حضرت فرمود:

برای مصیبت روزه نیست، روزه گرفتن فقط به شکرانه سلامتی هست و واقعا حسین علیه السلام در روز عاشورا دچار مصیبت شد، پس اگر در جرگهٔ کسانی هستی که دچار مصیبت شده‌اند، روزه نگیر و اگر انسان بدبختی هستی و نیز از کسانی هستی که خوشحالی تو سلامت بنی امیّه هست، پس برای تشکّر از خداوند، روزه بدار. (۳۷)

[ی روایت عبد اللّه بن سنان]

ی: مصباح: از عبد اللّه بن سنان نقل شده که گوید: در روز عاشورا بر ابی عبد اللّه علیه السلام وارد شدم و حضرت را در حالی که اندوهگین بود و اشک از دیدگانش مثل مروارید، سرازیر می‌گردید، ملاقات نمودم. سپس گفتم: گریه‌تان از برای چیست؟ فرمود: آیا تو در غفلت هستی؟

آیا نمی‌دانی که در مثل چنین روزی حسین، دچار مصیبت گردید. گفتم:

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۴۸

نظر شما دربارهٔ روزهٔ چنین روزی چیست؟ به من فرمود: روزه بگیر اما نه تا شب.

و روزه است را افطار کن بدون اینکه شادی داشته باشی. و تمام روز را روزه قرار نده.

و افطار تو باید لحظه‌ای بعد از نماز عصر به جرعه‌ای از آب باشد. چرا که در مثل این وقت از روز، بر آل رسول اللّه- صلّی اللّه علیه و اله و سلّم- فتنه و آشوب نمودند. (۳۸)

[ق- روایت سعید بن مسیّب از سعد]

ق- ابن طاووس می‌گوید: من در جلد سوم از تاریخ نیشابوری اثر حاکم، در شرح حال نصر بن عبد اللّه نیشابوری، از طریق عامّه، دیدم که نصر بن عبد اللّه نیشابوری به اسنادش، از سعید بن مسیّب از سعد نقل می‌کند که پیامبر- صلّی اللّه علیه و اله و سلّم، هیچ‌گاه در روز عاشورا، روزه نگرفت. (۳۹) مؤلّف: شاید روایت فوق، همان روایتی هست که هیثمی از ابی سعید خدری نقل نموده است که رسول خدا- صلّی اللّه علیه و اله و سلّم دستور به روز گرفتن در روز عاشورا داد در حالی که خود در این روز روزه نمی‌گرفت. (۴۰) امّا این نقل دارای اشکال است زیرا، چگونه رسول خدا امر به معروف می‌کند اما خود حضرت، آن معروف را انجام نمی‌داد؟!

مرحوم ابن طاووس در اوّل فصل می‌گوید: بدان که روایات متظافره‌ای در تحریم روزهٔ روز عاشورا به طور شادی مغرضانه وارد شده است و این نزد مردان الهی واضح است.

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۴۹

به جهت آنکه شادی مغرضانه در این روز، می‌شکند حرمت خداوند جلّ جلاله را و می‌بندد در آئین الهی را و حرمت رسول خدا صلّی اللّه علیه و اله و سلم را هتک می‌کند و نشانه‌های دینش را منهدم می‌نماید و احکام اسلام را منعکس جلوه می‌دهد، و کسی شادی مغرضانه در این روز ندارد مگر آنکه عقلش و قلبش و جانش و دینش بواسطه کوری و ضلالت مرده باشد و بر او به کفر و جهالت، شهادت داده می‌شود (... ۴۱)

پاورقی‌ها:

- ۱: اجود التقریرات: مرحوم خوئی رحمهٔ اللّه علیه
- ۲: من لا یحضره الفقیه ج ۲ ص ۵۱ ح ۲۲۴- وسائل ج ۱۰ ص ۴۵۲/ ب ۲۱/ ح ۱
- ۳: روضهٔ المتّقین ج ۴ ص ۲۴۷
- ۴: کفایهٔ الاصول ص ۱۴۰
- ۵: کافی ج ۴ ص ۱۴۶ ح ۳- وسائل ج ۱۰ ص ۴۶۲ ب ۴۱/ ح ۶
- ۶: مرآهٔ العقول ج ۱۶ ص ۳۶۰
- ۷: کافی ج ۴ ص ۱۴۶ ح ۴- وسائل ج ۱۰ ص ۴۶۱ ب ۲۱ ح ۵- تهذیب ج ۴ ص ۳۰۱ ح ۹۱۰- استبصار ج ۲ ص ۱۳۴
- ۸: روضهٔ المتّقن ج ۳ ص ۲۴۷: مؤلف: قوی و موثّق در اصطلاح فقهاء به یک معناست و نزد عامّه مساوی با جیّد هست یعنی از نظر رتبه پائین‌تر از صحیح و از حیث مقام، اولی از حسن است- مقیاس الهدایهٔ ج ۵ ص ۱۳۶
- ۹: مرآهٔ العقول ج ۱۶ ص ۳۶۰
- ۱۰: ملاذ الاخیار ج ۷ ص ۱۱۷
- ۱۱: در هامش وسائل نوشته شده که در نسخه‌ای، ابان بن عبد الملک ضبط شده است- وسائل ج ۱۰ ص ۴۶۰
- ۱۲: کافی ج ۴ ص ۱۴۷ ح ۷- وسائل ج ۱۰ ص ۴۵۹ ب ۲۱ ح ۲
- ۱۳: وافی ج ۱۱ ص ۷۳ ح ۱۰۴۳۷
- ۱۴: مراهٔ العقول ج ۱۶ ص ۳۶۲
- ۱۵: مصنّفات شیخ مفید- جوابات اهل الموصل فی العدد و الرؤیهٔ.
- ۱۶: استبصار ج ۳ ص ۲۲۴ تسمیهٔ المهر
- ۱۷: کشی ص ۳۸۹
- ۱۸: معجم رجال الحدیث ج ۱۶ ص ۱۳۸
- ۱۹: تنقیح المقال ج ۱ ص ۵ مؤلف: سیّد خوانساری از روایت عبد الملک تعبیر به صحت کرده به گمان اینکه این روایت از زراهٔ و محمد بن مسلم نقل شده است. جامع المدارک ۲۲۶
- ۲۰: همان
- ۲۱: کافی ج ۴ ص ۱۴۶ ح ۵- تهذیب ج ۴ ص ۳۰۱ ح ۹۱۱- استبصار ج ۲ ص ۱۳۵ ح ۴۴۲- وسائل ج ۱۰ ص ۴۶۰ ب ۲۱ ح ۳- وافی ج ۱۱ ص ۷۲ ح ۱۰۴۳۵

- ۲۲: وسائل الشیعهٔ ج ۱۰ ص ۴۶۰
- ۲۳: مختلف الشیعهٔ ج ۳ ص ۳۷۰
- ۲۴: روضهٔ المتقّین ج ۳ ص ۲۴۷
- ۲۵: مرآهٔ العقول ج ۱۶ ص ۳۶۰- ملاذ الاخیار ج ۷ ص ۱۱۸
- ۲۶: معجم رجال الحدیث ج ۵ ص ۷۴
- ۲۷: مستدرکات علم رجال الحدیث ج ۳ ص ۱۷
- ۲۸: تنقیح المقال ج ۱ ص ۵: درباره ابان بن عبد الملک الثقفی می‌گوید: اقلّا بواسطهٔ شیخوخیّت‌اش می‌توان حسن بودن او را ثابت کرد.
- ۲۹: القاموس فی اللغهٔ ج ۴ ص ۳۲۸
- ۳۰: مرآهٔ العقول ج ۱۶ ص ۳۶۰

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۵۱

- ۳۱: سورهٔ اسراء ۹۷
- ۳۲: وافی ج ۱۱ ص ۷۳ ح ۱۰۴۳۵
- ۳۳: الرسالهٔ العاشورائیّه ۲۸۴
- ۳۴: کافی ج ۴ ص ۱۴۷ ح ۶- تهذیب ج ۴ ص ۳۰۱ ح ۹۱۲- استبصار ج ۲ ص ۱۳۵ ح ۴۴۳- وسائل ج ۱۰ ص ۴۶۱ ب ۲۱ ح ۴- وافی ج ۱۱ ص ۷۳ ح ۱۰۴۳۶
- ۳۵: ملاذ الاخیار ج ۷ ص ۱۱۸
- ۳۶: روضهٔ المتقین ج ۳ ص ۲۴۷
- ۳۷: امالی شیخ طوسی ص ۶۶۷- وسائل ج ۱۰ ص ۴۶۲ ب ۲۱/ ح ۷
- ۳۸: مصباح المتهجّد ۷۲۴- وسائل ج ۱۰ ص ۴۵۸ ب ۲۰ ح ۷- مستدرک الوسائل ج ۷ ص ۵۲۴ ب ۱۶ ح ۶. المزار- اثر مشهدی- ۶۸۵ و ص ۵۲۵ ب ۱۷ ح ۱- اقبال ج ۳ ص ۵۹ بحار الانوار ص ۱۰۱ ص ۳۱۳ ح ۶
- ۳۹: الاقبال ج ۳ ص ۵۱- بحار ج ۹۵ ص ۳۴۱
- ۴۰: مجمع الزوائد ج ۳ ص ۱۸۳
- ۴۱: الاقبال ج ۳ ص ۵۰

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۵۲

تحقیق در روایاتی که از روزهٔ روز عاشورا منع نموده‌اند:

اشاره

از آنجائی که بسیاری از روایات در معرض مناقشه سندی قرار، گرفتند، لذا بسیاری از فقهاء بزرگوار درصدد دفاع از این روایات و ترمیم ضعف آن برآمدند که به نمونه‌هائی از این دفاعیات اشاره می‌گردد:

۱- وجود این گونه از روایات در کتب معتبرهٔ: مرحوم نراقی رحمهٔ اللّه علیه در این‌باره می‌گوید: بعد از آنکه این روایات در کتب

معتبره نقل شده است، ضعف سندی بعضی از این روایات مضّر نیست، علاوه بر اینکه در میان این روایات، اخبار صحیحه هم یافت می‌شود. (۱)

۲- این طائفه از روایات مستفیض و حتّی نزدیک به تواتر می‌باشد، همچنانکه مرحوم سیّد علی طباطبائی در ریاض المسالك می‌نویسد: نصوصی که جواز روزه روز عاشورا را به همراه دارد علاوه بر قصور و ضعف در سندهای آن، با روایات کثیری که نزدیک به تواتر هست و روزهٔ روز عاشورا را منع نموده، در تعارض می‌باشد، به همین جهت نمی‌توان به روایاتی که روزه گرفتن در روز عاشورا را جایز می‌داند، از باب تسامح عمل نمود، چون از این دسته از روایات احتمال منع و حتی کراهت هم بدست نمی‌آید،

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۵۳

در حالی که منع و کراهت از روایات مانعهٔ برداشت می‌شود. (۲)

۳- روایات مانعه از حیث سند، معتبر هستند: آیت الله وحید خراسانی- مدظله العالی- می‌فرماید: از اینکه مرحوم شیخ بین این دو طائفه جمع نموده و قائل به تعارض شده است بدست می‌آید، که ایشان سلامت سندی این گونه از اخبار را قبول دارد چون، تعارض فرع بر اعتبار و حجیّت سند می‌باشد.

۴- وثاقت حسین بن علی هاشمی: از آن جهت، که وی از مشایخ مرحوم کلینی رحمهٔ اللّه علیه می‌باشد و بنابراین مبنا که مشایخ الثقات از نشانه‌های ثقه بودن فرد است، هاشمی هم از اهمال و جهالت بیرون آمده، و به رتبهٔ اعتبار می‌رسد.

ممکن است کسی این مبنا را قبول نکند و بگوید، نقل ثقه- که مرحوم کلینی از هاشمی روایت نموده است- از فردی، دلالت نمی‌کند که آن فرد، مورد ثقه باشد چون بسیار اتفّاق افتاده است که ثقات از غیر ثقه، حدیث نقل نموده‌اند.

البته این مبنا را جمعی از رجالیون مثل مرحوم مامقانی در تنقیح و نوری در مستدرك قبول دارند که اگر انسان ثقه‌ای از فردی نقل حدیث نمود، دلالت میکند که آن فرد هم ثقه است. (۳) مؤلف: مبنای مورد قبول نزد بعضی دیگر، کثرت نقل ثقه از شخص هست.

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۵۴

یعنی اگر ثقه‌ای از یك نفر، روایات زیادی نقل نموده است، دلالت دارد بر اینکه آن فرد دارای اعتبار و حسن وثاقت هست.

۵- روایاتی که از روزه گرفتن در روز عاشورا منع میکند، اعتبارشان بخاطر موافق با سیرهٔ متشرعه و اصحاب ائمه علیهم السلام می‌باشد، همچنانکه آیت الله وحید خراسانی- مدظّله العالی در درس خارج فقه در نقد سخن مرحوم سیّد خوئی می‌فرماید: اسقاط این روایات از اعتبار به صرف ضعف سندی، با اینکه محتوای این روایات موافق با سیره متشرعه قطعیه و اصحاب ائمه که ملتزم به ترك روزه در روز عاشورا بودند، مقبول نیست و بلکه مخدوش می‌باشد و ما موافق با این روش سیّد خوئی در فقه نمی‌باشیم، لذا، باید این موارد مهمّه سه گانه توجه نمود ۱- ملاحظه عدد این دسته از روایات ۲- کیفیّت برداشت گذشتگان از فقهاء و علماء از روایات ۳- ملاحظه این جهت که سیرهٔ قطعیه آیا موافقت با این دسته از روایات هست یا نه؟

و از طرفی ما می‌بینیم که شیخ طوسی بین روایات مانعه و روایاتی که دلالت بر مطلوبیّت روزه دارد، جمع نموده است، آیا به راستی شیخ بین روایات ضعیفه و قوّی جمع نموده است؟ بنابراین طریقه سیّد خوئی رحمهٔ اللّه علیه محلّ مناقشه و اشکال هست.

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۵۵

علاوه بر آن، معتقد نیستیم که مستند حکم ما به عدم جواز روزهٔ عاشورا، روایت ضعیفه هست، بلکه می گوئیم، هرگاه روایات متعدد باشد و مورد تسالم و قبول اصحاب قرار گیرد و سیره متشرعه قطعیّه، مطابق با محتوای این روایات باشد، در این صورت مستند حکم ماست. و ما نحن فیه، از همین قبیل می‌باشد. (۴)

مؤلف: بر مرحوم سیّد خوئی رحمهٔ اللّه علیه این اشکال هم وارد می‌شود که ایشان در اجود التقریرات، تصریح دارد که ائمه علیهم

السلام مداومت بر ترک روزهٔ روز عاشورا داشته و اصحاب خود را بر ترک امر می‌نمودند، که این گفتهٔ ایشان منافات با قول به استحباب از سوی ایشان دارد. (۵)

و نیز بر استادمان آیت الله وحید خراسانی این ایراد وارد است که موافقت روایات با سیره، موجب قوت روایت ضعیفه نمی گردد. لذا، در صورتی از سیره می‌توان در این مسئله استفاده کرد که استنکار روزه روز عاشورا، از سیره احراز گردد.

در حالی که احراز یقینی صورت نگرفته است. بلکه شاید عمل متشرعه یا سیره، برای حفظ اقامهٔ مراسم عزاء ابی عبد اللّه علیه السلام باشد، همچنانکه سیّد خوئی به همین موضوع اشاره نموده است. (۶)

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۵۶

سخن مرحوم علامهٔ خوئی دربارهٔ روایاتی که از روزهٔ روز عاشورا منع می کند:

سیّد خوئی، چهار روایتی که در سندش حسین یا حسن بن علی هاشمی قرار دارد و مفادشان منع از روزه روز عاشورا می‌باشد، به یک روایت برگرداند. و هاشمی را به خاطر مجهول بودن، تضعیف نموده است، و نیز روایت اول که در سندش ابن سنان و و در روایت دیگر که در طریقش زید نرسی هست، ضعیف دانسته و می گوید:

آنچه را که مرحوم کلینی از شیخ خود، حسین بن علی هاشمی- بنابر نقل صاحب وسائل- و حسن بن علی هاشمی- بنابر نقل کافی- روایت کرده است، چهار روایت می‌باشد که صاحب وسائل در کتاب خود آورده است و ما همهٔ آن چهار روایت را به یک روایت برگرداندیم، چون در سند همهٔ این چهار روایت فردی بنام هاشمی قرار دارد، و از طرفی این شخص توثیق یا مدحی دربارهٔ او ذکر نشده است، لذا، تمام آن روایات محکوم به ضعف هستند. علاوه بر آن روایت اول که در سندش ابن سنان و روایت سوم که در سندش زید نرسی قرار دارند نیز بنابر مشهور، ضعیف می‌باشند، گرچه این دو تن در اسناد کامل الزیارات وجود دارد. امّا روایت چهارم که صاحب وسائل آن را نقل نموده، کلمهٔ نجیه ضبط شده که اشتباه می‌باشد و صحیح، نجبهٔ است که مشکلی ندارد، بهرحال به هیچ کدام

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۵۷

از این روایات به خاطر ضعف سندی، اعتناء نمی‌شود. مؤلف: روایاتی که در سندش هاشمی قرار دارد، مرحوم مجلسی اوّل، آنها را قوی دانسته است. همچنانکه کلام ایشان سابقا نقل گردید. مرحوم سیّد خوئی در علّت تضعیف روایت ثانیه که در سندش یاسین ضریر قرار دارد می‌نویسد: امّا روایت دوم بخاطر وجود نوح بن شعیب و یاسین ضریر، در سند آن ضعیف می‌باشد، علاوه بر آن روزه عرفه قطعا حرام نیست چون بر طبق بعضی از روایات امام علیه السلام، در این روز، روزه می گرفتند.

البته، برای کسی که روز موجب بی‌حالی او در دعاء نمودن می گردد، مکروه می‌باشد.

لذا، روزهٔ روز عاشورا نیز برای کسی که ضعف در اقامهٔ عزاء بر حسین علیه السلام پیدا میکند، مکروه می‌باشد. (۷) و در پیرامون روایتی که در سندش غندر وجود دارد می گوید: این روایت ضعیف السند می‌باشد چون در اسناد آن، عده‌ای از مجاهیل یافت می‌شوند، لذا، این روایات همگی جزء ضعاف شمرده می‌شوند. (۸)

سپس ایشان در ادامه تضعیف روایات مانعه و اینکه این دسته از اخبار، از حد اعتبار ساقطند فلذا، توان معارضه را ندارند. می گوید: روایاتی که نهی از روزه روز عاشورا دارد، همگی از حیث سند، شفاف نیستند بلکه همگی ضعیف السند می‌باشند،

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۵۸

لذا نزد ما روایتی که معتبر باشد تا با آن بتوان معارض را حمل بر تقیّه نمود، وجود ندارد (۹) مؤلف: ما جواب از سید خوئی را در لابه‌لای نقل سخنان استاد وحید خراسانی و شیخ نراقی و سیّد طباطبائی و ... بیان نمودیم و دیگر مجالی برای نظر مرحوم خوئی باقی نمی‌ماند.

نقد مرحوم علامه خوئی حول روایت مصباح:

حاصل نقـد ایشان این است که می گوید: شیخ طوسی در تهذیبین ملتزم شده روایتی را از کسی در این دو کتاب نقل می کند، که آن فرد، دارای اصل یا کتابی باشد.

لذا، شیخ نام صاحب کتاب را ذکر کرده سپس طریقه او را در مشیخه یا فهرست، بیان می کند. اما به این شرط در مصباح المتهجّد ملتزم نشده که هر آنچه را روایت می کند از شخص، آن شخص روایت را در کتابش آورده باشد. به همین دلیل روایت ابن سنان و طریقش که در مصباح آمده، صحیح هست اما معلوم نیست که این روایت را از کتاب ابن سنان نقل نموده است، شاید، روایت را از خود ابن سنان- به طور شفاهی و نه از کتابش- نقل نموده، بدون اینکه، طریقه او را بداند که صحیح هست یا خیر؟ با این حال، این روایت در حکم مرسل است و در نتیجه روایات ناهیه همگی از نظر سند ضعیف می‌باشد و اخباری که دستور به روزه گرفتن در روز عاشورا می‌دهد، معارضی ندارد. (۱۰)

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۵۹

نقد استاد آیت الله وحید خراسانی بر سخن مرحوم خوئی علیه الرحمهٔ:

استاد ما در نقد کلام سیّد خوئی می‌فرماید: اوّلا: در خصوص روایت ابن سنان باید گفت که شیخ طوسی در فهرست، دو کتاب برای ابن سنان ذکر نمود اوّل: کتاب الصلاهٔ دوم: کتاب الیوم و اللیله- ولی نجاشی برای ابن سنان سه کتاب ذکر نموده است.

و می گوید: برای ابن سنان کتابی در صلات هست که به عمل یوم و لیلهٔ شناخته می‌شود و کتاب الصلاهٔ الکبیر و کتابی در سایر ابواب فقه از حلال و حرام.

این چند کتاب را بخاطر وثاقت و جلالت و عظمتی که ابن سنان در میان امامیه داشته، اصحاب ما آن را نقل کردند. (۱۱) با این وصف، فرض کنیم که روایت در کتاب صلاهٔ یا در دیگر کتابش نیامده، لکن احتمال وجود این خبر در کتاب الحلال و الحرام، می‌رود. (۱۲)

ثانیا، شیخ در کتاب مصباح المتهجد تعبیر به: روی عبد الله بن سنان- کرده است که بین روی و روی فرق هست. که در تعبیر به روی، روایت را به امام صادق علیه السلام اسناد می‌دهد. لذا، اگر روایت قابل اعتبار نبود، آن را به امام صادق علیه السلام اسناد نمی‌داد، و از طرفی دقت، علم، احاطه شیخ را در فقه و رجال نباید دست کم گرفت.

بنابر این اشکالی در صدور و صحت روایت نیست که شاهدش اوّلا، قوت متن و ثانیا

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۶۰

شیخ از این روایت تعبیر به روی کرده و نه تعبیر به روی. (۱۳)

برای روایت عبد اللّه بن سنان طریق دیگری غیر از آنچه که شیخ طوسی در المصباح نقل کرده وجود دارد که صحیح می‌باشد، و آن طریقی هست که مشهدی در المزار آورده است. که استادمان به تبع اعتمادی که سید عبد الکریم بن طاووس و فرزندش به این طریق دارند، اعتماد نموده است. و می‌فرماید: طریق دیگری برای روایت ابن سنان وجود دارد که آن طریق را مشهدی در المزار از عماد الدین طبری که بدون اشکال فردی ثقه می‌باشد، از ابو علی حسن که پدر شیخ طوسی می‌باشد، از پدرش ابو جعفر طوسی از شیخ مفید از ابن قولویه و صدوق از کلینی از علی بن ابراهیم از پدرش از ابن ابی عمیر از عبد اللّه بن سنان، قال ... می گوید بر آقایم ابی عبد اللّه جعفر بن محمد علیهما السلام، در روز عاشورا، وارد شدم (... ۱۴)

بنابراین حتی اگر بگوئیم طریقی را که شیخ در مصباح المتهجّد آورده است، به خود ابن سنان مستند است و نه به کتابش، لذا،

ضعف دارد، طریق دیگری هم وجود دارد که آن طریق کاملاـ دارای اعتبار می‌باشد و به آن می‌توانیم اعتماد کنیم. مضافا بر اینکه، به این روایات کسانی که قائل به عدم اعتبار خبر واحد هستند مثل ابن ادریس و ابن زهره

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۶۱

اعتماد نمودند. (۱۵)

اما روایاتی که از طرق امامیه نقل شده و دلالت بر جواز روزه عاشورا دارد:

[۱- روایت ابی همّام از ابی الحسن علیه السلام]

۱- تهذیب: از علی بن حسن بن فضّال از یعقوب بن یزید از ابی همّام از ابی الحسن علیه السلام نقل شده که حضرت فرمودند: رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم در روز عاشورا روزه می گرفت. (۱۶)

مرحوم مجلسی روایت فوق را موثّق دانسته (۱۷) اما محقّق قمی و دیگران روایت را حمل بر تقیّه نمودند. (۱۸).

[۲- روایت عبید اللّه بن میمون قدّاح از ابی جعفر از پدرش علیهما السلام]

۲- تهذیب: سعد بن عبد اللّه از ابو جعفر از جعفر بن محمد بن عبید اللّه بن میمون قدّاح از ابو جعفر از پدرش علیه السلام نقل می کند که حضرت علیه السلام- فرمود: روزه گرفتن در روز عاشورا کفّارهٔ یک سال- گناه- می‌باشد. (۱۹) مرحوم مجلسی نسبت مجهولیت به روایت داده است. (۲۰)

[۳- روایت کثیر النواء از ابو جعفر علیه السلام]

اشاره

۳- تهذیب: علی بن حسن از محمد بن عبد اللّه بن زرارهٔ از احمد بن محمد بن ابی نصر از ابان بن عثمان الاحمر از کثیر النواء از ابو جعفر علیه السلام نقل می کند که حضرت صلوات اللّه علیه- فرمود:

کشتی نوح در روز عاشورا به کوه جودیّ چسبید. و نوح به تمام کسانی که همراهش بودند از جنّ و انس دستور داد تا در این روز، روزه بدارند. امام ابی جعفر علیه السلام فرمودند:

آیا می‌دانی که روز عاشورا چه روزی هست؟ این روزی هست که خداوند عز و جل توبه آدم و حوّاء را قبول کرد، و این روزی هست که خداوند در این روز، دریا را برای بنی اسرائیل شکافت و فرعون و یارانش را غرق نمود. و این روزی هست که موسی علیه السلام بر فرعون غلبه کرد

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۶۲

و این روزی هست که ابراهیم علیه السلام متولد شد و این روزی هست که خداوند توبهٔ قوم یونس- علیه السلام- را پذیرفت و این روزی هست که عیسی بن مریم علیهما السلام- در این روز متولد شد، و این روزی هست که در همین روز قائم علیه السلام قیام می کند. (۲۱)

مرحوم مجلسی این روایت را ضعیف دانسته، است و می گوید: اظهر آن است که روایت حمل بر تقیّه شود چون مرحوم صدوق در امالی (۲۲) و دیگر کتب، این روایت را نقل کرده و در ذیلش یادآور شده که وقوع این برکات در این روز از اکاذیب و افترائات عامّه مردم می‌باشد. و نیز اخباری که در آینده ذکر خواهد شد و مفادشان جواز هست، از جهت تقیّه صادر شده است. و مستحب امساك از خوردن و آشامیدن آنهم بدون هیچ نیّتی تا بعد از عصر می‌باشد که محتوای همین را مرحوم شیخ در مصباح المتهجد (۲۳) و دیگران نقل کرده‌اند: و اللّه یعلم. (۲۴)

مرحوم محقّق قمی در مورد کثیر النوّاء که در سند حدیث آمده می گوید: وی عامّی بتری می‌باشد. سپس می گوید: روایت این فرد از حیث مضمون با سایر اخباری که در باره ولادت حضرت عیسی- علیه السلام- نقل شده، مخالف هست. چرا که آن اخبار ولادت حضرت عیسی علیه السلام را در اوّل ذی الحجّهٔ و توبه قوم یونس را در ماه شوّال،

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۶۳

و توبه حضرت آدم علیه السلام را در روز غدیر عنوان نموده‌اند. امّا قیام حضرت قائم علیه السلام گر چه اخبار صحیحه آن را در روز عاشورا ذکر کردند اما، در این روایت شاید از این باب ذکر شد تا بقیه فقرات مورد تکذیب و خدشه قرار نگیرند. (۲۵)

کثیر النواء کیست؟

کثیر النواء بن قاروند، که در سند روایت ذکر شده است. از نظر ما فردی ضعیف می‌باشد.

کشّی از امام صادق علیه السلام نقل می کند که حضرت فرمود: پروردگارا، من از کثیر النواء به تو شاکی‌ام، در دنیا و آخرت از او بیزارم. (۲۶) و نیز از ابو جعفر علیه السلام نقل شده که آن حضرت فرمود: همانا حکم بن عیینه و سلمهٔ و کثیر النوّاء ... بسیاری از افراد گمراه را آنها گمراه نمودند.- یا: آنها به گمراهی کشاندند- (۲۷)

[۴- روایت مسعدهٔ بن صدقه]

۴- تهذیب: علی بن حسن بن فضّال از هارون بن مسلم از مسعدهٔ بن صدقه، از ابو عبد اللّه از پدرش نقل کرده که علی علیه السّلام فرمود: عاشوراء نهم و دهم را روزه بگیرید چرا که گناهان یکساله را می‌پوشاند. (۲۸) مرحوم مجلسی آن را ضعیف دانسته است. (۲۹)

مرحوم مجلسی اوّل می‌نویسد: آنچرا که شیخ از مسعدهٔ بن صدقه و دیگران، روایاتی نقل کرده است، حمل بر تقیّه یا روزه‌ای که به بخاطر ناراحتی از حادثهٔ این روز یا بر امساك

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۶۴

از خوردن و آشامیدن تا عصر بدون اینکه نیّت روزه کند، حمل می گردد. (۳۰)

محقق قمی گوید: امکان دارد که ما از این اخبار به حملشان بر تقیّه جواب داده و مسعدهٔ را عامّی یا بتری می‌دانیم. (۳۱)

[۵- روایت حفص بن غیاث]

۵- تهذیب: احمد بن محمد از برقی از یونس بن هشام از حفص بن غیاث از جعفر بن محمّد علیهما السلام نقل نموده که حضرت فرمود: زیاد اتفاق می‌افتاد که رسول خدا- صلّی اللّه علیه و اله و سلم، در روز عاشورا، در دهان بچه‌های شیرخوار حضرت فاطمه

علیها السلام، از آب دهن خود، می‌ریخت و می‌فرمود: تا شب هیچ غذائی به آنها ندهید.

و بچه‌ها از آب دهان رسول اللّه صلّی اللّه علیه و اله و سلّم، سیراب می‌شدند. و نیز از حضرت علیه السلام نقل شده که فرمودند: در زمان داود علیه السلام، حیوانات در روز عاشورا روزه می گرفتند. (۳۲) مرحوم مجلسی می گوید: این حدیث ضعیف یا مجهول هست. (۳۳) و مرحوم فیض می‌نویسد: دلیل روزه گرفتن حیوانات در عهد داود علیه السلام روایتی هست که می گوید: حیوانات در جلسه وعظ و تذکیر حضرت داود، بخاطر صوت نیکو و سخنان شگفت‌انگیزش شرکت می کردند و گویا از حضرت داود در مورد حادثه عاشورا چیزی می‌شنیدند و یا در این روز خداوند در دلهایشان حزنی را وارد می کرد، لذا، خوردن و آشامیدن را رها می کردند. (۳۴)

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۶۵

مؤلف: این روایت هیچ‌گونه دلالتی بر استحباب ندارد.

[۶ روایت زهری از علی بن الحسین علیهما السلام]

۶- کافی: علی بن ابراهیم از پدرش از قاسم بن محمد جوهری از سلیمان بن داود از سفیان بن عیینه از زهری از علی بن الحسین علیهما السلام نقل نموده که حضرت فرمودند:

...اما روزه‌ای که صاحب آن- کسی که روزه می گیرد- اختیار دارد ... روزهٔ عاشورا (... ۳۵)

هست. مرحوم مجلسی روایت را ضعیف دانسته است و گوید: زهری، منسوب به زهره، یکی از اجداد خود می‌باشد و نامش محمد بن مسلم بن عبید اللّه ... که از علماء مخالفین ما می‌باشد. و او همیشه به سیّد السّاجدین- علیه السلام- رجوع می‌نمود...

و شاید مراد از روزه روز دهم و حتی روزهٔ روز نهم، امساک از خوردن و آشامیدن بخاطر حزن بر حادثه هولناک عاشورا بوده است. چرا که روایات فراوانی وارد شده که از روزه گرفتن در این روز نهی نموده است. و اظهر این است که این روایت حمل بر تقیه شود و ظاهر اینکه صوم السّنه و صوم در این دو روز، موافق با نظر اهل سنّت می‌باشد همچنانکه بعضی از اخبار این را تأئید می کند. علاوه بر آن راوی حدیث فوق عامّی می‌باشد. (۳۶)

مجلسی اول می گوید: زهری از علماء و فقهاء اهل سنّت می‌باشد که دائما به خدمت امام علی بن الحسین علیهما السلام می‌رسید. و احادیث فراوانی از آن حضرت نقل نموده است.

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۶۶

و اینکه حضرت فرمود: اختیار دارد، یعنی، برای شخص جایز است وقتی که شروع به روزه گرفتن نمود، آن را افطار کند یا مراد این است که روزه گرفتن در این روز واجب نیست...

و ظاهرا روایت از جهت تقیّه صادر شده است چون اخبار فراوانی وارد شد که روزه گرفتن در این روز را مذمّت نموده و این روز را روزی دانسته که بنی امیه- لعنهم اللّه- بواسطه قتل حسین علیه السلام، بدان تبرک جستند. (۳۷)

مؤلف: گر چه معروف و حتی یقینی هست که زهری از عامّه می‌باشد ولی، به مرحوم وحید بهبانی، (۳۸) نسبت داده شد که معتقد به تشیّع اوست. و به همین نظر مرحوم تستری متمایل می‌باشد. (۳۹) سیّد خوئی در معجم رجال الحدیث می‌نویسد: زهری گر چه از علمای عامّه است، لکن از این روایت- روایتی که ابن شهر آشوب و دیگران نقل کرده‌اند- بدست می‌آید که وی علی بن الحسین- علیهما السلام- را دوست می‌داشت و به او احترام می گذاشت. (۴۰)

[۷- رایت جعفریّات]

۸- جعفریّات: خبر داد ما را محمد، که حدیث نمود مرا موسی، که پدرم از پدرش از جدّش جعفر بن محمّد علیهما السلام، از پدرش، نقل نموده که علی علیه السلام می‌فرمود:

روز عاشورا نهم و دهم، احتیاطا روزه بدارید چرا که آن کفّاره- گناهان- سال قبل می‌باشد.

و اگر کسی از شما نمی‌دانست و چیزی خورد، پس روزه‌اش را- در آنچه از روز مانده- تمام کند- (۴۱)

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۶۷

مؤلف: در کتاب جعفریات سخنانی وجود دارد که صاحب جواهر آن را تضعیف نموده و و از اینکه آن سخنان از اصول مشهوره باشد، نفی نموده است. (۴۲)

[۸- روایت ابن عباس]

۹- ابن طاووس می‌نویسد: روایتی را در کتاب دستور المذکّرین به اسنادش از ابن عباس، دیده‌ایم که وی می گوید: زمانی که هلال ماه محرّم را مشاهده نموده‌ای، خود را آماده کن، وقتی سپیده دم روز نهم را درک کردی، از آن روز روزه بدارد.

راوی می گوید: گفتم آیا محمّد- صلّی اللّه علیه و آله و سلّم- (۴۳) این چنین روزه می گرفت؟ گفت: آری.

مؤلف: با چشم پوشی از صحّت یا سقم سند، روایت فوق هیچ گونه دلالتی بر مطلوب ندارد چون ظاهر روایت استحباب یا وجوب روزه روز نهم محرّم را می‌رساند- نه روز عاشورا- علاوه بر آن درباره کتاب دستور المذکرین، انتقادی داریم که به زودی بیان می‌شود.

[۹- روایت صدوق]

۱۰- صدوق دربارهٔ دههم محرّم می گوید: دهم محرّم روز عاشوراست که...

پس هرکس در این روز، روزه بگیرد، خداوند گناهان هفتاد سال او را می‌آمرزد و و نیز می‌بخشاید. اعمال مخفی و مستور او را. (۴۴)

مؤلّف: کتاب المقنع مجموعه‌ای از روایات هست که مؤلّف اسناد آن را حذف نموده است، و دلیلش را- همچنانکه در اول مقدمهٔ کتاب آورده است،- این

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۶۸

چنین عنوان نمود: تا حملش موجب سنگینی نباشد، حفظش سخت نباشد و خواننده را ملول نکند. به هر تقدیر، این روایت مثل سایر روایات نزد ما مرسلهٔ هست و و معارض با روایاتی هست که نهی از روزه روز عاشورا نموده، می‌باشد و اینکه توبه آدم علیه السلام در روز عاشورا نبوده است. (۴۵)

[۱۰- روایت فقه الرضاء]

۱۰- فقه الرضاء: و اما روزه‌ای که صاحب آن،- در گرفتنش اختیار دارد، روزه روز جمعه ... و روزه روز عاشورا می‌باشد. (۴۶)

[۱۱- روایت دعائم الاسلام]

۱۱- دعائم الاسلام: از جعفر بن محمد علیهما السلام نقل نموده که حضرت فرمودند:

در روز عاشورا، کشتی نوح مشرف بر کوه جودیّ شـد و نوح به کسانی که با او بودنـد از انس و جن، دسـتور به روز گرفتن داد. و این روزی هست که خداوند، توبه آدم علیه السلام را پذیرفت و نیز روزی هست که قائم اهل بیت علیهم السلام قیام می کند. (۴۷)

مؤلف: از این روایت هیچ دلالتی مبنی بر مشروعیت روزه عاشورا در شریعت، ندارد.

مضافا بر اینکه: مـا در اعتبار کتاب فوق و مؤلفش قاضـی نعمان مصـری و نیز کتاب فقه که منسوب به امام رضا علیه السـلام هست، اشکال و ایراد داریم. و تفصیل آن را در کتاب موارد السجن، آورده‌ایم. (۴۸) نگاهی گذرا بر کتاب دستور المذکّرین و مؤلف آن

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۶۹

از مؤلّف کتـاب چیزی زیـادی در دست نیست و به نظر می‌آیـد- همچنـانکه ذهـبی گفته است، شـافعی مـذهب باشـد. و مرحوم ابن طـاووس، در جاهـائی از کتـاب اقبال، از او مطالبی را نقل نموده است، من جمله در تسـمیه شوال و روزهٔ آن روز، در اعمال بیست و پنجم رجب، و دربارهٔ سه روز روزه گرفتن در ماه حرام ... امّا هیچگونه مدح و ذمّی نسبت به وی متعرّض نشد.

در اینکه نام وی چیست، اختلاف شده است، از طهرانی و نمازی و ذهبی که از علماء اهل سنت است نقل شده که اسمش محمد بن ابی بکر است و از خلیفه در کتاب کشف الظنون آمده که نامش را محمد بن عمر، ضـبط نموده است. سخنان صاحب نظران فوق به شرح ذیل می‌باشد:

۱- طهرانی می گویـد: کتاب دسـتور المـذکّرین و منشور المتعبّدین، اثر حافظ محمد بن ابی بکر مدینی می‌باشد، همچنانکه سـید بن طـاووس در الاقبال در اعمال عاشورا، (۴۹) حـدیث من بلغ (۵۰) را از او روایت نموده است. امـا ابن طـاووس در بحث اختلـاف در شب قدر، نام او را، محمد بن ابی بکر مدینی، قید کرده است. (۵۱)

۲- نمازی می‌نویسد: درباره محمد بن ابی بکر بن ابی عیسی مدینی حافظ، چیزی ذکر نکرده‌اند (۵۲)

۳- خلیفه گوید: کتاب دستور المذکّرین، اثر ابی موسی مدینی محمد بن حافظ- متوفی ۵۸۱ ه- می‌باشد. (۵۳)

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۷۰

۴- ذهبی می‌نویسد: امام، علّامه، حافظ، کبیر، ثقه، شـیخ المحدّثین، ابو موسـی محمد بن ابی بکر عمر بن ابی عیسی مدینی اصفهانی شافعی، دارای تصانیف می‌باشد. (۵۴)

خلـاصه اینکه: مؤلف از علمـاء امامیّه- کثر اللّه امثالهم- نیست بلکه شافعی مـذهب هست که ذهبی او را توثیق نموده، لـذا، نزد اهل سنّت دارای اعتبار می‌باشد.

[پاورقی‌ها:]

- ۱: مستند الشیعهٔ ج ۱۰ ص ۴۹۲

- ۲: ریاض المسائل ج ۵ ص ۴۶۷

- ۳: تنقیح المقال ج ۱ ص ۵- شرح حال ابان بن عبد الملک خثعمی

- ۴: تقریر مباحث خارج فقه استاد وحید خراسانی- ۱۸/ ۲/ ۱۳۷۳ ه ش

- ۵: اجود التقریرات ج ۱ ص ۳۶۴

- ۶: مستند العروهٔ الوثقی ج ۲ ص ۳۰۴

- ۷: مستند العروهٔ الوثقی ج ۲ ص ۳۰۵- ۳۰۴

- ۸: همان

- ۹: همچنانکه صاحب حدائق بر همین عقیده هست. الحدائق الناضره ج ۱۶ ص ۳۷۶

- ۱۰: مستند العروهٔ الوثقی ج ۱ ص ۳۰۶

- ۱۱: نجاشی- رجال- ص ۱۴۸

- ۱۲: تقریر مباحث خارج فقه استاد وحید خراسانی- ۲۸/ ۲/ ۱۳۷۳ ه ش

- ۱۳: ممکن است گفته شود احتمال کفایت نمی‌کند و آنچه که مهم است، احراز می‌باشد که حاصل نیست

- ۱۴ المزار ص ۶۸۵- بحار الانوار ج ۱۰۱ ص ۳۱۳- مستدرک ج ۷ ص ۵۲۴ ب ۱۶ ح ۹

- ۱۵: تقریر مباحث خارج فقه ۱۸/ ۲/ ۷۳)

- ۱۶: تهذیب ج ۴ ص ۲۹۹ ح ۹۰۶- استبصار ج ۲ ص ۱۳۴ ح ۴۳۸- وسائل ج ۱۰ ص ۴۵۷ ب ۲۰ ح ۱- وافی ج ۱۱ ص ۷۵/ ح ۱۰۴۴۰

- ۱۷: ملاذ الاخیار ج ۷ ص ۱۱۶

- ۱۸: غنائم الایام ج ۶ ص ۷۶

- ۱۹: تهذیب ج ۴ ص ۳۰۰ ح ۹۰۷- استبصار ج ۲ ص ۱۳۴ ح ۴۳۹- وسائل ج ۱۰ ص ۴۵۷ ب ۲۰ ح ۱- که در سندش جعفر بن محمد بن عبد اللّه قرار دارد.

وافی ج ۱۱ ص ۷۵ ح ۱۰۴۴۲

- ۲۰: ملاذ الاخیار ج ۷ ص ۱۱۶

- ۲۱: تهذیب ج ۴ ص ۳۰۰ ح ۹۰۸- وسائل ج ۱۰ ص ۴۵۸ ب ۲۱ ح ۵ ملاذ الاخیار ج ۷ ص ۱۱۶- اقبال ج ۳ ص ۵۱- که اسنادش به علی بن فضّال می‌باشد.

وافی ج ۱۱ ص ۷۴ ح ۱۰۴۴۳- مستدرک الوسائل ج ۷ ص ۵۲۳ ب ۱۶ ح ۷- بحار الانوار ج ۹۵ ص ۱۳۲

- ۲۲: امالی ص ۱۳۲

- ۲۳: مصباح المتهجّد ص ۷۱۳

- ۲۴: ملاذ الاخیار ج ۷ ص ۱۱۶.

- ۲۵: غنائم الایام ج ۶ ص ۷۳

- ۲۶: اختیار معرفهٔ الرجال ص ۲۴۱

- ۲۷: اختیار معرفهٔ الرجال ص ۲۳۰- قاموس الرجال ج ۸ ص ۵۶۴- معجم رجال الحدیث

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۷۲

ج ۱۴ ص ۱۰۸ شماره: ۹۷۱۳- این شخص نزد بعضی از عامّه مثل نسائی، ابو حاتم ضعیف می‌باشد و نزد ابن قطّان مجهول است. میزان الاعتدال ج ۵ ص ۴۱۰. تهذیب التهذیب ج ۸ ص ۳۸۰ تهذیب الکمال ج ۱۵ ص ۳۷۴

- ۲۸: تهذیب ج ۴ ص ۲۹۹ ح ۹۰۵- استبصار ج ۲ ص ۱۳۴ ح ۴۳۸- که از هر دو وسائل ج ۱۰ ص ۴۵۷ با ب ۲۰ ح ۲، نقل نموده

است. وافی ج ۱۱ ص ۷۵ ح ۱۰۴۴۰– اقبال ج ۳ ص ۵۱ و مستدرك از او در ج ۷ ص ۵۲۴ ب ۱۶ ح ۱۸ نقل کرده است.

– ۲۹: ملاذ الاخیار ج ۷ ص ۱۱۵

– ۳۰: روضهٔ المتّقین ج ۳ ص ۲۴۸

– ۳۱: غنائم الایّام ج ۶ ص ۷۶

– ۳۲: تهذیب ج ۴ ص ۳۳۳ ح ۱۰۴۵– وسائل ج ۱۰ ص ۴۵۷ ب ۲۰ ح ۴)

– ۳۳: ملاذ الاخیار ج ۷ ص ۱۷۴

– ۳۴: وافی– ج ۱۱ ص ۷۴

– ۳۵: ج ۴ ص ۸۶ ح ۱– تهذیب ج ۴ ص ۲۹۶ ح ۸۹۵– الفقیه ج ۲ ص ۴۸ ح ۲۰۸– وسائل ۱۰ ص ۴۵۸ ب ۲۰ ح ۶ و ج ۱۰ ص ۴۱۱ ب ۵ ح ۱– الهدایهٔ ص ۵۰ المقنع ص ۵۷، مستدرك الوسائل ج ۷ ص ۵۲۲

– ۳۶: مرآهٔ العقول ج ۱۶ ص ۲۴۶

– ۳۷: روضهٔ المتّقین ج ۳ ص ۲۳۰ و ۲۳۵

– ۳۸: تنقیح المقال ج ۳ ص ۱۷۸

– ۳۹: قاموس الرجال ج ۹ ص ۵۸۴

– ۴۰: معجم رجال الحدیث ج ۱۶ ص ۱۸۲– منتهی المقال ج ۶ ص ۲۰۲

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۷۳

– ۴۱: الجعفریات ص ۶۳– مستدرك الوسائل در ج ۷ ص ۵۲۳ ب ۱۶ ح ۵ از او نقل کرده است جامع احادیث الشیعهٔ ج ۱۱ ص ۷۳۰ ب ۱۸

– ۴۲: جواهر الکلام ج ۲۱ ص ۳۹۷– محدّث نوری در خاتمه مستدرك از این کتاب دفاع نموده است مستدرك ج ۱۹ ص ۲۴

– ۴۳: الاقبال ج ۳ ص ۴۵ بحار ج ۸ ص ۳۳۵– مستدرك الوسائل ج ۷ ص ۵۲۳

– ۴۴: المقنع ص ۶۶– مستدرك در ج ۷ ص ۵۲۳ ب ۱۶ ح ۴، از او نقل نموده است

– ۴۵: الذریعه ج ۲۲ ص ۱۲۳

– ۴۶: فقه الرضا ص ۲۳، مستدرك الوسائل در ج ۷ ص ۵۲۲ ب ۱۶ ح ۲، از او نقل نمود

– ۴۷: دعائم الاسلام ج ۱ ص ۲۸۴، مستدرك در ج ۷ ص ۵۲۲ ب ۱۶ ح ۱، از او نقل نمود.

– ۴۸: موارد السجن ص ۲۷۱

– ۴۹: استدلال به اخبار ضعیف و مجهول در سنن و آداب که قاعده تسامح در ادّله سنن نامیده می‌شود که در این زمینه مرحوم مجلسی کلام مبسوطی بیان نموده است– مرآهٔ العقول ج ۸ ص ۱۱۲– رسائل فقهیّه شیخ انصاری ص ۱۳۷، مصباح الاصول اثر سیّد خوئی ج ۲ ص ۳۱۹

– ۵۰: الذریعهٔ الی تصانیف الشیعه ج ۸ ص ۱۶۶

– ۵۱: الاقبال ج ۱ ص ۱۵۵

– ۵۲: مستدرکات علم الرجال ج ۶ ص ۳۷۳

– ۵۳: کشف الظنون ج ۱ ص ۷۵۴

– ۵۴: سیر اعلام النبلاء ج ۲۱ ص ۱۵۲– الوافی بالوفیات ج ۴ ص ۲۴۶ تذکرهٔ الحفّاظ ج ۴ ص ۱۲۸، وفیات الاعیان ج ۴ ص ۲۸۶، معجم المؤلّفین ج ۱۱ ص ۷۶

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۷۴

۲- روایاتی که دربارهٔ روزه روز عاشورا از طرق اهل سنّت نقل شده است:

اشاره

در کتابهای روائی اهل سنّت، احادیث زیادی به پیامبر- صلّی اللّه علیه و آله و سلّم- نسبت داده شده است، که این احادیث دارای تهافت و تعارض روشنی می‌باشند. لذا، شارحین و محشّین برای اینکه احادیث را از تعارض بیرون آوردند، دست به تأویلات فریبکارانه زدند که در ادامه همین بحث نمونه‌هائی از آن بیان خواهد شد.

روایاتی که به طرق اهل سنّت نقل شده چند طایفه هست، گروهی از روایات مفادشان تخییر هست و گروه دیگر محتوایشان آن است که پیامبر- صلّی اللّه علیه و اله و سلّم به روزه گرفتن در روز عاشورا دستور دادند امّا این دستور در چه زمانی بود، مشخّص نیست. طایفه دیگر بیانگر این مطلبند که رسول خدا- صلّی اللّه علیه و اله و سلّم، در مدینه این امر را صادر فرمودند، گروه دیگر، روزه گرفتن پیامبر صلی اللّه علیه و اله و سلّم را در قبل از اسلام، به موازات روزه گرفتن جاهلیّت در عاشوراء بود که بواسطه روزه ماه رمضان نسخ گردید. لذا، اصل و سبب در روزه گرفتن روز عاشورا، موافقت با روزهٔ جاهلیّت بوده است! دسته‌ای از روایات می گوید: شروع روزهٔ پیامبر زمانی بود که حضرت وارد مدینه شد که یهود در این زمان روزه می گرفت و چون پیامبر موافقت با یهود

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۷۵

را دوست می‌داشت، هماهنگ با آنان روزه گرفتند. دسته دیگر می گوید: صوم روز عاشورا بخاطر مخالفت با یهود بوده است که ظاهرا یهود در این روز، روزه نمی گرفتند لذا پیامبر صلی اللّه علیه و اله و سلّم دستور دادند تا مسلمین بخاطر مخالفت با یهود، در این روز، روزه بدارند. گروه دیگر مفادشان آن است که بعد از نزول روزه رمضان، امر به روزه روز عاشورا تعلّق نگرفته است و اینکه پیامبر- صلّی اللّه علیه و اله و سلّم، هیچ گاه در این روز، روزه نمی گرفتند، طایفه دیگر می گوید: پیامبر صلّی اللّه علیه و اله و سلّم به طور مداوم روزه می گرفت و بر روزه گرفتن در چنین روزی تا قبل از سال وفاتش، تأکید داشت.

امّا روایات:

[۱- روایت سالم از پدرش]

۱- بخاری: ابو عاصم از عمر بن محمد از سالم از پدرش نقل میکند که رسول اللّه- صلّی اللّه علیه و اله و سلّم- فرمودند: در روز عاشورا اگر کسی خواست، روزه گیرد. (۱)

مؤلّف: ابو عاصم، معروف به نبیل، ضحاك بن مخلّد می‌باشد که از عمر بن محمد بن زید بن عبد اللّه بن عمر بن خطّاب از سالم از پدرش ابن عمر- نموده است. ملاحظه فرمودید که در سند فردی بنام: عمر بن محمد بن زید قرار دارد که گفته شده یحیی بن معین، او را فردی انعطاف‌پذیر دانسته است. (۲) و ابو عاصم- ضحّاك بن مخلد عقیلی، در مورد

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۷۶

شخصّیت وی اظهار بی‌اطلاعی کرده است. و در کتاب خود، بعد از ذکر نام وی، حدیثی از او نقل کرده که در سندش ناسازگاری وجود دارد. (۳)

[۲- روایت عروهٔ بن زبیر از عایشه]

۲- بخاری: ابو الیمان گوید، خبر داد ما را شعیب از زهری و وی گوید عروهٔ بن زبیر از عایشه برای من خبر نقل کرده که رسول خدا صلّی اللّه علیه و اله و سلّم، دستور به روزه گرفتن در روز عاشورا داد. و وقتی روزهٔ ماه رمضان واجب گردید، هر که خواست در روز عاشورا می‌گرفت و هر که خواست، افطار می‌نمود. (۴)

مؤلف: ابو الیمان، نامش، حکم بن نافع حمصی هست و شعیب، همان ابن ابی حمزه حمصی است. احمد بن حنبل از بشر بن شعیب نقل می‌کند، که: ابو الیمان بعد از مرگ پدرم، کتابش را گرفت و لحظه‌ای بعد گفت: اخبرنا شعیب.

پس چگونه این‌طور سخن گفتن حلال هست؟ (۵) البته این‌طور نقل کردن را در اصطلاح حدیثی، وجادهٔ می‌گویند که شخص آن را سماعی، نقل نمی‌کند.

اما دلالت حدیث: مفاد این روایت، همچنانکه عینی گفته است نسخ وجوب می‌باشد. (۶)

[۳- روایت هشام بن عروهٔ از پدرش از عایشه]

اشاره

۳- بخاری: برای ما حدیث کرد، عبد الله بنی مسلمهٔ از مالك از هشام بن عروهٔ از پدرش از عایشه که وی گوید: روز عاشورا را قریش در جاهلیت، روزه می‌گرفت،

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۷۷

و نیز در این روز، رسول خدا صلّی اللّه علیه و اله و سلّم روزه می‌گرفتند. وقتی که آن حضرت وارد مدینه شدند، دستور عمومی به روزه گرفتن در این روز دادند و با وجوب روزهٔ ماه رمضان، روزه عاشورا ترك گردید. لذا، هر که می‌خواست روزه می‌گرفت و هر که نمی‌خواست، در این روز، روزه به جای نمی‌آورد. (۷)

نقد سندی:

طبسی، نجم الدین - مترجم: داداش زاده، مصطفی، روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، در یک جلد، قم - ایران، اول، ۱۴۲۹ ه ق روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی؛ ص: ۷۷

در سند این حدیث، هشام بن عروهٔ قرار دارد که از ابن قطّان نقل شده که می‌گوید:

ابن عروهٔ در احادیث اختلاط می‌کرد و آن را تغییر می‌داد. ذهبی می‌نویسد: هشام بن عروهٔ بعضی از محفوظاتش را فراموش کرده و یا دچار وهم شده بود. ابن خرّاش می‌گوید:

از اینکه اهل عراق بر حدشیش ایراد می‌گرفتند، ناراضی بود. (۸)

آراء و توضیحاتی در مورد حدیث:

۱- عینی می‌گوید: اینکه در روایت آمده: قریش در جاهلیّت روزه می‌گرفت، یعنی قبل از اسلام. و اینکه رسول خدا صلّی اللّه علیه

و آله و سلّم، روز عاشورا روزه می گرفت، مراد، قبل از هجرت می‌باشد. اما بعضی معتقدند که اهل جاهلیّت، روزه می گرفتند و پیامبر صلی اللّه علیه و اله و سلّم هم در جاهلیت یعنی قبل از هجرت به مدینه در روز عاشورا روزه به جای می آوردند. در حالی که این سخن درستی نیست چون،

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۷۸

محدودهٔ جاهلیّت قبل از بعثت بود، لذا، چگونه گفته می‌شود که پیامبر صلّی اللّه علیه و اله و سلّم در جاهلیت روز عاشورا را روزه می گرفتند، و بعد معتقد به روزه گرفتن پیامبر قبل از هجرت شد، و حال آنکه پیامبر اکرم در مکه ۱۳ سال پیامبر بود، آیا می‌شود گفت که حضرت در جاهلیّت روزه می گرفت؟ (۹)

۲- مؤلف: روزه گرفتن قریش در جاهلیت، همچنانکه عسقلانی گفته است دو احتمال دارد: ۱- شاید آنها این سبک از روزه گرفتن را از دین گذشته، برداشت نمودند ۲- قریش در جاهلیت گناهانی را مرتکب شدند، و همین امر باعث شد که در سینه‌هایشان احساس سنگینی کنند لذا به آنها گفته شد که در روز عاشورا روزه بدارید تا کفاره آن گناهان باشد. امّا، چه کسی به آنها گفت که روزه بگیرید؟ و چرا رسول خدا صلّی اللّه علیه و اله و سلّم با آنها همراه شد؟ آیا رسول خدا- العیاذ باللّه- مرتکب گناه شده بود؟

و اساسا سخن فوق با روایتی که از حضرت نقل شده در تهافت و تناقض هست.

روایت شده که وقتی رسول خدا صلّی اللّه علیه و اله و سلّم وارد مدینه شدند، مشاهده نمودند که در این روز، یهود روزه‌دار هستند. فرمود: من سزاوارترم به روزه گرفتن لذا، خود حضرت روزه گرفتند و به دیگران هم دستور روزه گرفتن دادند.

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۷۹

و معنای این روایت آن است که قبل از آن زمان حضرت روزه در روز عاشورا نمی گرفتند.

اضافه بر آن: معنای سخن فوق آن است که حضرت تحت تأثیر جوّ موجود آن زمان قرار می گرفتند- پناه بر خدا- که یک بار بخاطر تحت تأثیر جاهلیت روزه می گرفتند و دگر بار در مدینه، تحت تأثیر یهود، آنهم بخاطر دوست داشتن موافقت با یهود، روزه گرفتند.

۳- دکتر جواد علی می‌نویسد ... روایت روزه گرفتن قریش در روز عاشورا، در این اواخر مطرح شده که سند تامی ندارد. و اصلا از قریش مشرک معقول نیست که روزه بدارند و روزه عاشورا از روزه‌های یهود می‌باشد که برای کفاره گناهان خود و نیز برای استغفار روزه می گرفتند. در حالی که قریش استغفار نمی کرد و برای چه در این روز روزه بگیرد. و چه کار و گناهی قریش مرتکب شدند که از خدایان خود طلب عفو و غفران کنند؟

و اگر بخواهیم روزه‌ای برای جاهلیت ثابت کنیم، سزاوار آن است که این روزه‌ها را برای کسانی که دین حنیف داشتند ثابت کنیم. لذا، در اخبار اهل اخبار، نیامده که جاهلیّت در روز عاشورا و یا در غیر عاشورا روزه می گرفتند.

دانشمندان علم تفسیر و حدیث و اخبار، یادآور شدند که رسول اکرم هنگام ورودشان به مدینه، روزهٔ عاشورا را بجای آوردند ... و همچنان در این روز روزه می گرفتند تا اینکه

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۸۰

وجوب روزه ماه رمضان نازل گردید. و به نظر می آید که راویان به زور اسم قریش را در اینکه آنان روز عاشورا روزه می گرفتند، جا انداختند تا اثبات کنند که روزه عاشورا از سنّت‌های قدیمی عرب بود. که به ما قبل اسلام برمی گردد و قریش قبل از اسلام روزه می گرفتند. (۱۰) مؤلّف: یقین مراد از جاهلیّت، عهد قبل از اسلام می‌باشد پس اگر پیامبر- صلّی اللّه علیه و اله و سلّم- در جاهلیت روزه می گرفتند چرا بعد از بعثت، روزه گرفتن قطع شد و دگر بار، بعد از هجرت روزه در این روز بجای می آوردند؟ پس اگر

بخاطر مخالفت با مشرکین ترک روزه نمودند چرا بار دگر، روزه گرفتن را بعد از هجرت احیاء نمودند؟ و آیا این بخاطر اینکه رسول خدا، موافقت با اهل کتاب و یهود را دوست می‌داشتند، روزهٔ روز عاشورا را بجای می‌آورد؟!! ۴- عسقلانی بعد از نقل این سه حدیث می گوید:

این روایات، زمان دستور روزه گرفتن در روز عاشورا را، ورود پیامبر به مدینه دانسته‌اند. و از سوئی شکی نیست که ورود پیامبر به مدینه، در ربیع الاوّل بوده است، لذا، امر به صیام روز عاشورا در اوّل سال دوّم بوده است و در سال دوّم، روزهٔ ماه رمضان وجوب پیدا کرد. و نتیجه اینکه امر به روزهٔ عاشورا،

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۸۱

فقط یک سال بود و بعد از آن حضرت، روزه گرفتن در روز عاشورا را به اختیار مردم گذاشتند و بنابر فرض صحّت نظر کسی که مدعی وجوب بوده است، این وجوب بواسطه احادیث صحیحه نسخ گردیده است. و از عیاض نقل شده که گوید: بعضی از گذشتگان وجوب روزه گرفتن در روز عاشورا را باقی می‌دانستند امّا قائلین به این نظر همگی منقرض شده‌اند. و ابن عبد البّر می گوید: اجماع در حال حاضر بر وجوب روزهٔ گرفتن روز عاشورا منعقد نیست بلکه اجماع بر استحباب می‌باشد. و ابن عمر قصد روزه در این روز را مکروه می‌دانست امّا قائلین به این قول هم منقرض گردیدند (۱۱)./. مؤلّف: اوّلا: اگر ثابت شد که پیامبر صلّی اللّه علیه و اله و سلّم روزه گرفتن در روز عاشورا را به مردم واگذار نمود، پس از کجا شما استحباب شرعی را بدست می‌آورید؟ ثانیا: چگونه ابن عبد البر و حتی عامّه، مدّعی اجماع بر استحباب روزه گرفتن در روز عاشورا شدند و حال آنکه ابن عمر، (۱۲) قصد روزه در این روز را مکروه دانسته و از کسانی بود که در زمان معاویه- علیه الهاویهٔ- روزهٔ روز عاشورا را حرام یا مکروه، قلمداد کرده بود. (۱۳)

۵- و نیز قسطلانی می‌نویسد: و بنابر اینکه روزهٔ روز عاشورا ترک گردید، امر به آن فقط یک سال بود، و بر فرض وجوب این روزه، نسخ بر آن عارض گردید و از رسول خدا علیه الصلاهٔ و السلام

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۸۲

نیز روایت نشده که ایشان مردم را دوباره بعد از نزول روزه رمضان، دستور به روزه گرفتن در روز عاشورا داده باشند، بلکه مردم روزه در این روز را ترک کردند بدون اینکه نهی‌ائی از روزه گرفتن صادر شده باشد. پس اگر دستور رسول خدا علیه الصلاهٔ و السلام به روزهٔ روز عاشورا قبل از وجوب روزه رمضان، دستوری وجوبی بود، با نسخ وجوب این بحث پیش می‌آید که آیا استحباب هم نسخ شده یا خیر؟ که در این‌باره اختلاف مشهوری وجود دارد. و اگر دستور پیامبر، دستور استحبابی بود پس هم اکنون روزه رمضان بر استحباب خود باقی هست. (۱۴)

مؤلّف: وقتی عملی واجب بود و سپس نسخ بر آن عارض گردید، آیا آنچه بعد از نسخ وجوب باقی می‌ماند استحباب هست یا منع یا بر همان حکمی که پیش از وجوب داشت...

که در این مورد، اختلاف ریشه‌ای وجود دارد. لذا با این اختلاف شدید، دلیل بر بناء گذاری بر استحباب فقط، چیست؟ و با این اینکه، مورد، نشان از اختلاف در مبانی اصولیّه می‌دهد. و نیز اگر صومه مستحب بود، و سپس نسخ شد، دلیل بر بقاء استحباب با عروض نسخ چیست؟

[۵- روایت حمید بن عبد الرحمن بن عوف]

۵- بخاری: از مالک از ابن شهاب از حمید بن عبد الرحمن بن عوف نقل میکند، که وی

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۸۳

در سال حجّ و در روز عاشورا از معاویهٔ بن ابی سفیان- لعنهما اللّه تعالی- شنید که بر بالای منبر می گفت: ای اهل مدینه علمای‌تان کجا هستند؟ از رسول خدا- صلّی اللّه علیه و اله و سلّم شنیدم که دربارهٔ این روز میگفت: این روز عاشورا است و صیام در این روز بر شما واجب نشده است اما من روزه دارم. پس هر که خواست، روزه بگیرد و هر که خواست، افطار کند. (۱۵).

الف: نووی می گوید: ظاهرا، معاویه این سخن را به این دلیل گفت که از فردی شنید که روزه گرفتن در این روز را واجب یا حرام یا مکروه دانسته است لذا، اعلام عمومی کرد که این روزه واجب یا حرام یا مکروه نمی‌باشد. (۱۶)

مؤلّف: مفاد این سخن آن است که اهل مدینه تا سال ۴۴ یا ۵۷ هجری، که ایّام حجّ اول یا دوّم معاویه بود، (۱۷) همگی متفّق بودند که روزه روز عاشورا استحباب ندارد، چون یا قائل به وجوب یا کراهت یا حرمت بودند، همچنانکه نصّ فوق این مطلب را اقتضاء دارد. لذا، اینکه معاویه- علیه الهاویهٔ- می گوید، من روزه دار هستم، اگر واقعا سخن او باشد، استحباب روزه روز عاشورا و فضیلت آن، سنّتی امویّه می‌باشد و نه سنّت محمدیّه- و اگر این کلام سخن رسول خدا باشد، پس چگونه اهل مدینه تا سال ۴۴ یا ۵۷، که سال حجّ معاویه بود، خلاف آن را عقیده داشتند. با اینکه آنها

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۸۴

به پیامبر صلی اللّه علیه و اله و سلّم، از معاویه‌ای که در سال فتح مکه اسلام آورده بود و روزهای اندکی از عمرش را با پیامبر بود، نزدیکتر بودند، به همین دلیل چگونه وی شناختش به سنّت رسول خدا- صلی اللّه علیه و اله و سلّم، از اهل مدینه بیشتر است. فتأمّل.

ب: عسقلانی در ذیل این فقره که می گوید کجایند علماء شما؟ می‌نویسد: سیاق این جریان اشعار دارد به اینکه معاویه اهتمامی به روزهٔ روز عاشورا نداشت لذا، از علمائشان سئوال کرد یا کسی به او برساند که چه کسی روزه عاشورا را واجب می‌داند یا مکروه می‌شمارد. (۱۸)

مؤلّف: بنابراین دو احتمال- وجوب یا کراهت- روایت مخالف با نظریّه کسانی هست که مدعی اجماع بر استحباب مؤکّد می‌باشد، چون همچنانکه عسقلانی به آن اشاره نموده است، کسانی بودند که قائل به کراهت و وجوب بودند.

[۶- روایت ابن عباس]

اشاره

۶- بخاری: حدیث کرد ما را ابو معمر، حدیث کرد ما را عبد الوارث، حدیث نمود ما را ایوّب، حدیث کرد ما را عبد اللّه بن سعید بن جبیر از پدرش از ابن عباس- رضی اللّه عنهما- که گوید: پیامبر صلّی اللّه علیه و اله و سلّم وارد مدینه شدند و مشاهده نمودند که یهود در روز عاشورا روزه گرفتند، فرمود: این روز چه روزی هست؟ گفتند روز صالح هست، روزی هست که خداوند بنی اسرائیل را از دست دشمنانشان نجات داد.

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۸۵

و به همین دلیل موسی در این روز، روزه گرفت. حضرت فرمود: پس من سزاوارتر به موسی از شما هستم، لذا، حضرت این روز را روزه گرفت و دستور داد تا در این روز، روزه به جای آورده شود. (۱۹)

نقدی بر دلالت و سند حدیث:

اما نقد دلالی: اوّلا: مفاد حدیث آن است که پیامبر صلّی اللّه علیه و اله و سلّم، هیچ‌گاه قبل از ورودش به مدینه روزه نمی گرفت. و

بعد از ورودشان به مدینه، روزه گرفتن را از یهود اخذ نمودند. و یهود را نیز در روزه گرفتنشان تصدیق نمود. و حضـرت این نوع از روزه گرفتن را سابقا نمی‌دانست، در حالی که این روایت منافات دارد با آنچه که نقل شده که حضـرت در جاهلیّت روزه می گرفت ...

ثانیا در روایت آمـده است: قـدم المدینـهٔ فرأی- ظاهر حـدیث به قرینه: فاء- فرأی- آن است که پیامبر- صـلّی اللّه علیه و اله و سلّم، هنگام ورودشان به مـدینه، یهود را در روز عاشورا روزه‌دار یافتند- لذا، این عبارت به صـراحت یا به ظاهرش، مفاجاهٔ- بلافاصـله- را می‌رساند در حالی که ورود پیامبر به مدینه، در ماه ربیع الاوّل بوده است.

ثالثا: اخبار یهود، قابل قبول نیست، لذا، چگونه پیامبر- صـلّی اللّه علیه و اله و سلّم، بر طبق خبرشان عمل می کند؟ و بعضی در جواب به مناقشه و نقد دوم دچار تکلّف و ظاهر سازی شدند

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۸۶

که به شـرح ذیل می‌باشد: الف: جریان سـئوال پیامبر صـلّی اللّه علیه و اله و سلّم از یهود و علم آن حضرت به جریان روزه یهود، بعد از ورود ایشان به مدینه بود نه اینکه قبل از ورودش به آن شهر، به قضیّه صوم یهود در روز عاشورا علم داشتند. لذا، در کلام عبارتی بایـد در تقدیر گرفته شود: قدم النبیّ- صـلّی اللّه علیه و اله و سـلّم- المدینه فاقام الی یوم عاشورا فوجد الیهود فیه صـیاما: پیامبر اکرم وارد مـدینه شـد و تـا روز عـاشورا اقـامت نمـود و در آن روز یهـود را روزه‌دار یـافت. ب: احتمـال دارد که یهود، روز عـاشورا را به حسـاب سـال شمسـی، در نظر می گرفتنـد نتیجه این می‌شود که روز عـاشورا، مصـادف ورود پیامبر- صـلّی اللّه علیه و اله و سـلّم- به مدینه است. عسـقلانی این احتمال را بعید دانسته (۲۰) همچنانکه عینی هم در آن ایراد و اشـکال دارد. (۲۱) لذا، فاء صریح یا ظاهر در مفاجـاهٔ هست و نصّ- روایت منقول از ابن عبـاس- این تقـدیرات و تکلّفات را قبول نمیکنـد. از این اشـکالات سه گانه جوابهائی داده‌انـد که معنـای درستی به همراه نـدارد مثـل: الف: وحی بر طبق آنچه که یهود حکم داده‌انـد، نـازل شـد ب: روزهٔ پیامبر از روی اجتهاد بوده است ج- یکی از یهودیانی که مسلمان شد و نامش عبد اللّه بن سلام بود، به پیامبر خبر داد.

د. خبر نزد پیامبر- صلّی اللّه علیه و اله و سلّم، متواتر بوده است.

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۸۷

این همه دست و پـا زدن و ظاهر سازی نمودن، نشان از آن دارد که اخـذ به ظاهر حـدیث نتوان کرد، و این همه توجیهات، دلیلی بر آن اقامه نشده است.

اما نقد سـندی: ۱- در سـند، ابو معمر که نـامش عبـد اللّه بن عمرو منقری قرار دارد و ارزی از او حـدیث نقـل نمی کرد چون قـدری مذهب بود و از او خوف داشت.

از ابی حاتم نقل شده که وی را صدوق دانسته مگر اینکه حافظ نبوده است.

و از ذهبی نقل شده که: احادیث عالی‌ائی از او نقل نشده است. و حدیث او در کتابها به همراه بدعت نقل شده است. (۲۲) ۲- و نیز در سند: عبد الوارث بن سعید واقع شده که ذهبی گوید: وی قدری (۲۳) است و نسبت به عمرو بن عبید متعصّب (۲۴) می‌باشد.

و حمّاد بن زید، (بخاطر قدری بودنش) محدثین را نهی می کرد (۲۵) از اینکه روایتی از عبد الوارث بن سعید، نقل کنند.

و نیز می گوید: وی قدری بدعت گذار می‌باشد. (۲۶)

یزید بن زریع می گوید: هرکس به مجلس عبد الوارث بیاید، با من همنشین نشود. (۲۷)

[۷- روایت ابو موسی]

۷- بخاری: حدیث نقل کرد برای ما علی بن عبد اللّه، حدیث کرد برای ما ابو اسامهٔ از ابی عمیس از قیس بن مسلم از طارق بن شهاب از ابو موسی، که گفت: روز عاشورا که یهود آن را عید می‌شمارند، پیامبر صلّی اللّه علیه و اله و سلّم فرمود: شما این روز را روزه بگیرید. (۲۸)

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۸۸

نقد دلالی: مؤلف: این روایت مخالف با روایتی هست که می گفت یهود در روز عاشورا روزه می گرفت، و اساسا بیان شد که معلوم نبود که یهود در این روز روزه می گرفت یا نه؟

و عسقلانی معتقد است که یهود هیچ گاه در روز عاشورا روزه نمی گرفت. وی می گوید:

ظاهر حدیث این مفاد را به همراه دارد که انگیزه پیامبر از دستور دادن به روزهٔ عاشورا، آن بود که حضرت مخالفت با یهود را دوست می‌داشت: لذا، دستور داد تا در این روز چون یهود روزه نمی گرفتند، مسلمین روزه بگیرند، و روزه نگرفتن یهود از آن جهت بود که این روز را عید می‌شماردند. و روایتی نقل شده که صراحت دارد یهود این روز را بزرگ شمرده و روزه می گرفتند، همچنانکه در حدیث ابو موسی آمده است:

مردمانی از یهود. روز عاشورا را بزرگ دانسته و در این روز، روزه می گرفتند.

و در حدیثی که مسلم در کتاب خود آورده است آمده که: اهل خیبر روز عاشورا را روزه می گرفتند و این روز از اعیادشان بود. زنانشان در این روز، لباسهای زیبا می‌پوشیدند و خود را به هیئت نیکو می‌آراستند. (۲۹)

بنابراین مفاد حدیث آن است که یهود این روز را عید می‌شمردند، و حال آنکه این مفاد مناقض با حدیث سابق است که حضرت مشاهده نمود که یهود روزه می گرفتند.

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۸۹

و همین درک را قسطلانی از حدیث بخاری دارد، اینکه از پیامبر نقل شده: شما این روز را روزه بداریـد، مراد مخالفت با یهود است. لذا، انگیزه پیامبر از دستور دادن به روزه روز عاشورا در این حدیث، با انگیزهٔ ایشان در روایتی که از ابن عباس نقل شده، مختلف است. چرا که در حدیث ابن عباس، انگیزه موافقت با یهود مدینه بوده که چون خداوند تعالی موسی علیه السلام را نجات داد، از باب شکر روزه بگیرند. (۳۰)

از این نقد دلالی جوابهائی دادند که مثل جوابهای سابق، معنای درستی را بهمراه ندارد مثلا گفتند: ۱- لازمهٔ عید بودن روز عاشورا نزد یهود، افطار در آن روز نیست چون احتمال دارد که روزه روز عید، نزد آنان، جایز بوده باشد.

۲- یهودیانی که رسول خدا- صلّی اللّه علیه و اله و سلّم با آنها مخالفت نمود، غیر از یهود مدینه بودند، چون رسول خدا موافق با یهود مدینه در این مسئله بودند...

در حالی که این توجیهات آبکی نمی‌توانـد آن تضاد و تهافت بین دو روایت را بر طرف کند، چون مفاد روایت اوّل، روزه یهود در روز عاشوراست و مفاد روایت دوم، افطار است...

امّا نقد و مناقشه در سند: ۱- در سند فردی بنام قیس بن مسلم جدلی عدوانی هست،

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۹۰

که وی را مرجئهٔ می‌دانند. (۳۱) ۲- و نیز در سند فردی بنام ابو موسی اشعری واقع شده که حذیفهٔ بن یمان به او نسبت نفاق داده است (۳۲) و همچنین وی مخالف علی بن ابیطالب علیهما السلام بود. (۳۳)

[۸- روایت ابن عباس]

اشاره

۸- بخاری: حدیث نقل کرد برای ما عبید اللّه بن موسی از ابن عیینه از عبید اللّه بن ابی یزید از ابن عباس که وی گوید: من ندیده‌ام پیامبر- صلّی اللّه علیه و اله و سلّم را که مراقبت کند بر روزه گرفتن روزی که آن روز را بر روزهای دیگر برتری داد مگر روز عاشورا و ماه رمضان. (۳۴)

امّا نقد دلالی:

اوّلاً: مفاد این عبارت آن است که روز عاشورا، از بافضیلترین روزها برای روزه گرفتن بعد از ماه رمضان هست. و حال آنکه روایات و نصوص فراوانی دلالت بر آن دارد که روزه گرفتن در روز عرفه با فضیلتر از روز عاشورا است و اینکه با روزه گرفتن در این روز، گناهان دو سال بخشیده می‌شود، لذا چاره‌ای نیست که گفته شود، ابن عباس، این سخن را به علم و فهم خود اسناد داد. و نه به علم و فهم معصوم علیه السلام. (۳۵) ثانیا، مفاد این حدیث آن است که پیامبر- صلّی اللّه علیه و اله و سلّم بر روزه گرفتن این روز مداومت داشته و همیشه مترصد آن بود که با فرا رسیدن این چنین روزهائی، روزه بگیرد، در حالی که این مفاد با آنچه که عایشه نقل کرده در تضاد است.

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۹۱

عایشه می‌گوید: پیامبر- صلّی اللّه علیه و اله و سلّم- وقتی که وارد مدینه شدند، روزه گرفته و دیگران را هم به روزه گرفتن دستور داد. و زمانی که روزه ماه رمضان واجب گردید، روزه عاشورا را ترک نمود. (۳۶)

اما نقد سندی:

در سند سفیان بن عیینهٔ قرار دارد و گرچه نزد عامه ثقه می‌باشد امّا فردی مدّیس می‌باشد. (۳۷)

و از یحیی بن سعید قطّان نقل شده که گفته بود: شهادت می‌دهم که سفیان در سال ۱۹۷ ه در احادیث اختلاط می‌کرد لذا هرکس از او در آن سال چیزی نقل می‌کرد، اساس و اعتباری ندارد. (۳۸) نتیجهٔ اینکه: احتمال می‌رود این حدیث بعد از سال اختلاط بود که در این صورت هیچ‌گونه تضمینی در سلامت سندی آن نیست.

اما فرد دیگری که در سند واقع شده، ابن ابی یزید هست، وی گرچه نزد اهل سنّت ثقه هست و در سال ۱۲۶ ه (۳۹) از دنیا رفت امّا باعث برطرف شدن اشکال سندی نمی‌گردد.

[۹- روایت عبد اللّه بن مسعود]

۹- بخاری: حدیث نقل کرد برای من محمد، خبر نقل کرد برای ما عبید اللّه از اسرائیل از منصور از ابراهیم از علقمه از عبد اللّه بن مسعود که وی می‌گوید: من در حالی که مشغول غذا خوردن بودم، اشعث بر من وارد گردید و گفت: امروز عاشورا است، ابن مسعود گفت:

قبل از نزول روزه ماه رمضان، در این روز، روزه گرفته می‌شد و وقتی روزه رمضان نازل شد، روزه

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۹۲

گرفتن در این روز ترک گردید پس نزدیک بیا و غذا بخور. (۴۰)

آنچه که از این متن برداشت می‌شود عدم مطلوبیت روزه عاشورا هر چند به طور استحباب می‌باشد، چرا که اشعث، منظورش وجوب نبود، به این دلیل که در زمان رسول گرامی اسلام، روزه گرفتن در روز عاشورا نسخ گردیده بود.

شرح حال ابن مسعود که در سند روایت (عبارت) فوق واقع شده است:

ذهبی می گوید: وی امام، دانشمند، فقیه امت، از سابقین در اسلام، از سرشناسان جهان اسلام بود. در جنگ بدر حضور داشت و دو هجرت نمود ... و دارای مناقب فراوانی می‌باشد. و علوم فراوانی را روایت کرده است. بخاری و مسلم در صحیح خود، ۶۴ حدیث که دارای محتوای مشترک می‌باشد، از وی نقل نموده‌اند- و بخاری ۲۱ حدیث و مسلم ۳۵ حدیث که هر کدام دارای محتوای متفاوت می‌باشند، در صحاح خود، نگاشتند. و به طوری کلی احادیثی که به طور مشترک و جداگانه از ابن مسعود نقل شده، هشت صد و چهل حدیث می‌باشد. وی از دانشمندان زیرک بود ... و اولین کسی هست که قرآن را در مکه بعد از رسول خدا صلّی اللّه علیه و اله و سلّم، با صدای بلند قرائت کرد.

جابر بن عبد الله انصاری دربارهٔ وی می گوید: من نمی‌دانم که پیامبر صلّی اللّه علیه و اله و سلّم

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۹۳

کسی را عالمتر به کتاب خدا از این فرد ایستاده (ابن مسعود) از خود به جای گذاشت.

به علی علیه السلام، نسبت داده شد که درباره ابن مسعود گوید: وی فقیه در دین، عالم به سنت می‌باشد و نیز به آن حضرت نسبت داده شد که فرمود: ابن مسعود عالم به کتاب و سنّت هست. از ابو موسی نقل شده که می گفت: تا وقتی که این دانشمند- ابن مسعود- بین شماست از من درباره هیچ موضوعی سؤال نکنید. و نیز گوید: نشستن در مجلسی که ابن مسعود در آن مجلس قرار دارد، در دلم مطمئن‌تر است از انجام عبادت یک سال.

ابی وائل می گوید: عادلتر از ابن مسعود کسی را نیافتم.

شعبی می گوید: هیچ صحابه‌ای وارد کوفه نشد که علمش نافعتر و در دین فقیه‌تر از عبد اللّه- بن مسعود- باشد. (۴۱) مؤلف: پس چگونه اهل سنّت نظر کسی را که فقیه امت بود، علم زیادی را روایت نمود، عالم به سنت و فقیه در دین بود، ترک کردند؟ و قائل شدند که امّت بر استحباب روزهٔ عاشورا اجماع نمودند؟ و نظر ابن مسعود و ابن عمر را رها کردند؟ و این چگونه با مبنا و اصولشان سازگار هست.

اما ابن مسعود نزد فقهاء امامیه: از سیّد مرتضی منقول هست که در طهارت ابن مسعود و فضل و ایمان و مدح (ثناء) نبی اکرم نسبت به او، بین امّت اختلافی نیست، و اینکه وی،

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۹۴

از دنیا رفت در حالی که دارای صفات محموده‌ای بود. (۴۲) مرحوم سیّد خوئی می‌نویسد: ثابت نشده که ابن مسعود از دوستاران علی- علیه السّلام بود و گفتار حقّ به زبان جاری می‌نمود.

لکن با این وصف، بعید نیست که حکم به وثاقت وی کنیم چون در سند کامل الزیارات واقع شده است. (۴۳) مرحوم تستری می‌نویسد: ابن مسعود، به مخالفین علی- علیه السلام تمایل داشته و به آنان موالات می‌ورزیده و از علی- علیه السّلام- پیروی نمی‌نمود. (۴۴)

[۱۰- روایت عروهٔ از عایشه]

۱۰- بخاری: وی دو سند برای یک روایت نقل کرده است امّا سند اوّل: حدیث نقل کرد برای ما یحیی بن بکیر، حدیث کرد ما را

لیث از عقیل از ابن شهاب از عروهٔ از عایشه.

سند دوّم: حدیث نقل کرد مرا محمد بن مقاتل که گوید: خبر نقل کرد برایم عبد اللّه که معروف به ابن المبارک هست که گوید، خبر نقل کرد برای ما محمد بن ابی حفصه از زهری از عروهٔ از عایشه که عایشه گوید: مسلمین قبل از وجوب روزه ماه رمضان در روز عاشورا روزه می‌گرفتند و این روزی بود که پرده کعبه را تعویض می‌نمودند. و زمانی که خداوند، روزه رمضان را واجب نمود، رسول خدا- صلّی اللّه علیه و اله و سلّم فرمود: هر کسی خواست می‌تواند در این روز روزه بگیرد و هر که خواست می‌تواند، روزه گرفتن در این روز را ترک کند.

(من شاء ان یصومه فلیصمه و من شاء ان یترکه فلیترکه) (۴۵)

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۹۵

مؤلّف: اگر مراد از این عبارت عایشه: که مسلمین در روز عاشورا روزه می‌گرفتند، این باشد که همان روزه جاهلیّت و قریش بوده، اشکال نسئی (۴۶) در ماه محرم پیش می‌آید و لازمه‌اش عدم تحقق روزه جاهلیّت در روز عاشورا می‌باشد و اگر مراد روزه یهود باشد، ما ثابت کردیم که یهود در محرّم و عاشورا بمعنای مصطلح روزه نمی‌گرفتند. البته شاید ماه آنان با ماه محرم و عاشورا به طور اتفاقی، مصادف شده باشد. لذا، پس مرجع ضمیر در: فلیصمه- آیا به معنای معروف- دهم محرم است یا غیر آن.

[۱۱- روایت سلمهٔ بن الاکوع]

۱۱- بخاری: حدیث برای ما نقل نمود مکی بن ابراهیم. حدیث نقل کرد برای ما یزید از سلمهٔ بن الاکوع که گوید: پیامبر- صلّی اللّه علیه و اله و سلّم- به مردی از اسلم دستور داد که در میان مردم، اعلام کند که هرکس چیزی خورد، بقیه روز را روزه به دارد و هرکس طعام نخورد یا آبی ننوشید، روز عاشورا که امروز هست، روزه بدارد- (۴۷) در سنن ابی داود آمده است:

فاتمّوا بقیه یومکم و اقضوه- که ابو داود می‌گوید: یعنی روز عاشورا. (۴۸)

مؤلف: آیا این دستور پیامبر صلّی اللّه علیه و اله و سلّم در سالی که به مدینه هجرت نمودند صادر شد یا در سالهای بعد از هجرت؟ بنابر شقّ اوّل: قبلا- گذشت که روزه روز عاشورا بعد از سال هجرت، نسخ گردید. و بنابر شق دوّم: این نظر مخالف با تصریح شارحینی مثل

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۹۶

عسقلانی و ... می‌باشد که دستور به روزه گرفتن در روز عاشورا را فقط یکسال دانستند.

مضافا بر اینکه بعضی به این حدیث استدلال کرده‌اند که اگر کسی این روز را بدون نیت روزه گرفت و سپس متوجه شد که صوم این روز وجوب دارد، روزه‌اش مجزی می‌باشد. امّا این استدلال در میان خود اهل سنت مورد نقادی و ردّ قرار گرفت. (۴۹)

[۱۲- روایت ابی قتاده]

۱۲- مسلم: حدیث نقل کرد برای ما یحیی بن یحیی تمیمی و قتیبهٔ بن سعید، همگی از حمّاد که یحیی گوید: برای ما خبر نقل کرد حمّاد بن زید از غیلان از عبد اللّه بن معبد زمانی از ابی قتاده که مردی نزد پیامبر آمد ... سپس رسول خدا صلّی اللّه علیه و اله و سلّم گفت:

سه روز از هر ماه و از رمضان تا رمضان بعد. که این‌ها همه صیام دهر است ... و روزه روز عاشورا که بر خداوند محاسبه شده که

گناهان یک سال قبل را مورد آمرزش قرار دهد. (۵۰) ترمذی می گوید: در هیچ روایتی من ندیده‌ام که روزه روز عاشورا کفاره یک سال باشد مگر روایتی که ابو قتادهٔ نقل کرده است. (۵۱)

ابن حجر می‌نویسد: بخاری گوید: اینکه ابن معبد چیزی از ابو قتاده شنیده باشد، مشخّص نیست (۵۲) و ابن عدی، وی را در جرگهٔ ضعفاء قرار داده است. (۵۳)

[۱۳- روایت اسود بن یزید]

۱۳- ابو داود: حدیث نقل کرد برای ما شعبه. که وی گوید: ابو اسحقاق خبر نقل کرد برای من،

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۹۷

که از اسود بن یزید شنیدم که می گفت: من ندیده‌ام کسی را به اندازه علی بن ابی طالب و ابو موسی، دستور به روزه گرفتن در روز عاشورا دهند. (۵۴)

مؤلف: این نصّ و عبارت منافات با ثبوت نسخ دارد و اینکه هیچ گاه نبّی صلّی اللّه علیه و اله و سلّم دستور به روزه گرفتن در این روز و یا نهی از آن، بعد از نسخ نداده است.

علاوه بر این، ابو اسحاق سبیعی، گاهی به او نسبت تدلیس می‌دادند و گاه می گفتند، اهل کوفه حدیث وی را فاسد و باطل می‌دانستند. (۵۵)

[۱۴- روایت جابر بن سمرهٔ]

۱۴- ابو داود: برای ما شیبان از اشعث بن ابی الشعثاء از جعفر بن ابی ثور از جابر بن سمرهٔ حدیث نقل کرده که گوید: رسول خدا صلّی اللّه علیه و اله و سلّم در روز عاشورا به ما دستور روزه گرفتن می‌داد و ما را بر این امر تشویق می کرد و با ما عهد می‌بست، لذا وقتی که روزه رمضان واجب گردید، به ما دستور به روزه گرفتن و یا نهی از آن نمی‌نمود و عهدی هم با ما در این مورد نمی‌بست. (۵۶)

مؤلّف: از این حدیث نه رجحان فهمیده می‌شود و نه استحباب. بلکه دلالت روایت بر عدم استحباب بیشتر و تام‌تر است.

[۱۵- روایت قیس بن سعد بن عباده]

۱۵- ابو داود: گوید: شعبهٔ از حکم از قاسم بن مخیمرهٔ از عمرو بن شرحبیل از قیس

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۹۸

بن سعد بن عباده، برای ما حدیث نقل کرده که گوید: ما روز عاشورا روزه می گرفتیم و زکات فطره می‌دادیم و این تا زمانی بود که هنوز روزه رمضان و زکاهٔ بر ما واجب نگشته بود. وقتی که روزه رمضان و زکاهٔ بر ما واجب گشت، دیگر مأموربه اتیان روزه روز عاشورا و زکات فطر و نیز منهیّ از آن نبوده‌ایم، و خود هرچه دوست می‌داشتیم عمل می کردیم. (۵۷) مؤلف: از این حدیث هم نه رجحان استفاده می‌شود و نه استحباب بلکه ترک آن مثل سایر افعال، مباح بوده است.

[۱۶- دستور عمر بن خطاب به روزه عاشورا]

۱۶- از مالک نقل شده که به او خبر رسید که عمر بن خطاب شخصی را به سوی حارث بن هشام فرستاد تا به او بگوید فردا عاشورا هست و روزه بگیرد و دستور داد که نابود کند کسانی را که در این روز می‌خواهند روزه بگیرند. (۵۸) مؤلف: اوّلا این نص، مرسل است و ثانیا مگر عمر، قانون‌گذار در دین هست. بلکه فرض و واجب آن است که وی تابع باشد، و نیز در سخن عمر نیامده که، مطلب را از پیامبر- صلّی اللّه علیه و اله و سلّم نقل می‌کند.

[۱۷- روایت عبد الله بن عباس]

۱۷- ابو داود: برای ما سلیمان بن داود مهری حدیث نمود. حدیث نمود برای ما وهب.
خبر نقل کرد برای من یحیی بن ایوب که اسماعیل بن امیّه قرشی، برایش روایتی نقل کرد که از ابو غطفان شنید که می‌گفت: از عبد الله بن عباس شنیدم که می‌گوید:
روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۹۹
هنگامی که پیامبر- صلّی اللّه علیه و اله و سلّم در روز عاشورا روزه گرفتند، به ما دستور دادند که در این روز روزه بگیرید. اصحاب گفتند: ای رسول خدا- صلّی اللّه علیه و اله و سلّم. این روزی هست که یهود و نصارای آن را بزرگ می‌شمارند. رسول خدا صلّی اللّه علیه و اله و سلّم فرمودند، پس بنابراین سال آینده، نهم را روزه می‌گیریم، سال آینده هنوز نیامده بود که رسول خدا صلّی اللّه علیه و اله و سلّم، دار فانی را وداع گفتند. (۵۹)
نقد دلالی:
مؤلّف: مفاد روایت آن است که پیامبر صلّی اللّه علیه و اله و سلّم، دستور به روزه عاشورا می‌دادند و می‌خواستند در سال بعد، روز نهم روزه بگیرند که اجل مهلت نداد. در حالی که این مفاد، با آنچه که در سنن وارد شده که حضرت بعد از نزول روزه رمضان، دیگر امر و نهی نسبت به روزه روز عاشورا نداشتند. (۶۰) و نیز با آنچه که بخاری از عایشه نقل نمود، در تضّاد است، عایشه می‌گوید: روزه عاشورا را بعد از وجوب روزه رمضان، ترک شد. و نیز با روایتی که می‌گفت، رسول خدا- صلّی اللّه علیه و اله و سلّم، هیچ‌گاه روز عاشورا روزه نمی‌گرفت منافات دارد. علاوه بر آن، مشخص نیست که نصاری، این روز را بزرگ می‌شمردند.
اما مناقشه در سند: در سند یحیی بن ایوب که همان ابو العبّاس غافقی مصری باشد، قرار دارد. که از ابن حنبل نقل شده که وی، بد حافظه بود. و از ابو حاتم منقول است که به
روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۰۰
احادیث یحیی بن ایّوب، احتجاج نمی‌کرد و نسائی در مورد او می‌گوید: او فردی قوی نیست ذهبی می‌نویسد: یحیی بن ایّوب، چیزهای عجیب و غریبی نقل کرده است که صاحبان صحاح از اینکه در کتابشان نقل کنند، خودداری می‌نمودند. (۶۱)

[۱۸- روایت ابن عباس از رسول خدا ص]

اشاره

۱۸- ابن ماجه: برای ما علی بن محمد حدیث نمود، وکیع از ابن ابی ذئب از قاسم بن عبّاس از عبد اللّه بن عمیر مولی ابن عباس از

ابن عباس برای ما روایت نقل نموده که ابن عباس از رسول خدا صلّی اللّه علیه و اله و سلّم روایت نمود، که آن حضرت فرمود: اگر تـا سال آینـده زنـده باشم، حتما روز نهم را روزه می گیرم. (خواهم گرفت): (۶۲) مؤلف: احتمال می‌رود که این حـدیث با حـدیث سابق یکی باشـد و تنها طریق آن با یکدیگر فرق داشته باشد. اما به هرحال در این روایت هیچ‌گونه رجحان یا استحبابی برای روزهٔ روز عاشورا نیست.

مگر بنابر روایت احمـد بن یونس که آمده است: ترس آن می‌رود که- روزه- عاشورا از او فوت شود. امّا این برداشت محض و فهم راوی می‌باشد و از کلمات پیامبر صلّی اللّه علیه و اله و سلّم نیست.

نقد سندی:

در سند روایت، وکیع بن جرّاح آمده است که احمد در مورد وی گوید: در نقل ۵۰۰ حدیث به خطاء رفته است. (۶۳)

[۱۹- روایت عبد اللّه بن عمر]

۱۹- ابن ماجهٔ: محمد بن رمح برای ما حدیث نقل کرد، لیث بن سعد خبر داد ما را، از نافع-

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۰۱

از عبـد اللّه بن عمر، که وی نـامی از عـاشورا نزد پیـامبر- صـلّی اللّه علیه و اله و سـلّم یـادآور شـد. رسول خـدا فرمود: روزی بود که جاهلیّت در آن روز، روزه می گرفتنـد. پس هر کسـی از شـما که دوست دارد در این روز، روزه بگیرد، پس آن را بجای آورد و هر کسی از روزه گرفتن در این روز کراهت دارد، پس آن را رها سازد. (۶۴)

[۲۰- روایت ابن عمر که وی از رسول خدا ص]

۲۰- دارمی: برای مـا یعلی خبر نقـل کرده از محمـد بن اسـحاق از نافع از ابن عمر که وی از رسول خـدا صـلّی اللّه علیه و اله و سـلّم روایت کرده که حضـرت فرمود: این روز، روز عاشورا است که قریش در جاهلیت، این روز را روزه می گرفت، پس هرکس از شما می‌خواهـد، ایـن روز را روزه بگیرد، و هر که خـواست، روزه گرفتن در این روز را ترک کنـد، و ابن عمر هیچگـاه این روز را روزه نمی گرفت مگر اینکه ایام صیام، مصادف با این روز بود. (۶۵)

[۲۱- روایت ابن عبّاس]

۲۱- ترمـذی: قتیبه برای مـا حـدیث نقـل کرد، عبـد الوارث برای مـا حـدیث نقل کرد از یونس از حسن از ابن عبّاس که وی گویـد: رسـول خـدا صـلّی اللّه علیه و اله و سـلّم دسـتور به روزه گرفتن روز دهم داد. (۶۶) مؤلف: این روایت منافـات نـدارد با آنچه که از حضرت نقل شـده که ایشان هیچگاه به روزه روز عاشورا بعد از ماه رمضان دسـتور نداد، چون شاید امر در این روایت قبل از نسخ روزه روز عاشورا بوده است. مؤلف: در این حدیث دلالتی بر استحباب و

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۰۲

و مطلوبیّت نـدارد بلکه حـدیث به کسانی که روز عاشورا، روزه می گرفتنـد، تعریض و کنایه می‌زند که این روزه را اهل جاهلیّت به

جای می‌آوردند.

[۲۲- روایت از بعضی از زنان پیامبر – ص]

۲۲- نسائی: زکریّا بن یحیی برای ما خبر نقل کرد و گفت: شیبان برای ما حدیث نقل نمود و گفت ابو عوانهٔ برای ما روایت نقل کرده از حرّ بن صیاح از هنیدهٔ بن خالد از زنش که گفت:

بعضی از زنان پیامبر- صلّی اللّه علیه و اله و سلّم، برای من نقل کرده‌اند که پیامبر- صلّی اللّه علیه و اله و سلّم، در روز عاشورا و ۹ روز از ذی الحجّهٔ را روزه می‌گرفتند. (۶۷)

مؤلف: روایت مرسلهٔ هست، زیرا مشخّص نیست که چه کسی زن ابن خالد هست و توثیقی نسبت به این زن وارد نشده است، علاوه بر آن، مفاد روایت استمرار است که منافات با روایتی دارد که هیچ‌گاه حضرت رسول اکرم در روز عاشورا، روزه نمی‌گرفت.

[۲۳- ابن عباس بدون اسناد به پیامبر – ص]

۲۳- عبد الرزّاق از اسماعیل بن عبد اللّه، و وی گوید: یونس بن عبید از حکم اعرج از ابن عباس برای ما خبر نقل کرده که ابن عباس گوید: زمانی که ۲۹ روز گذشت، و روز بعد را روزه گرفتی، پس آن روز، روز عاشوراست. (۶۸) مؤلف: اوّلا، این سخن اسناد به پیامبر- صلّی اللّه علیه و اله و سلّم نشده است و ثانیا، دلالتی بر مطلوب نیست چون گوید، روز دهم، غیر از روز سی‌ام هست که از آن تعبیر به بعد از ۲۹ روز شده است.

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۰۳

[۲۴- ایضا از ابن عبّاس]

۲۴- عبد الرزّاق: ابن جریج برای ما خبر نقل کرد و گفت: عطاء خبر داد مرا که از ابن عبّاس شنید که درباره روزه عاشورا می‌گوید: با یهود مخالفت کنید و روز نهم و دهم را روزه بگیرید. (۶۹)

مؤلّف: مفادش این است که یهود هیچ‌گاه روز عاشورا روزه نمی‌گرفتند بلکه آن را جزء اعیاد خود می‌دانستند، و حال آنکه سخن فوق منافات دارد با آنچه که در مورد یهود نقل شده که در روز عاشورا روزه می‌گرفتند. و اینکه پیامبر فرمود: ما سزاوارتر به موسی هستیم ...

[۲۵- دستور پیامبر صلّی اللّه علیه و اله و سلّم به روزه روز عاشورا]

۲۵- عبد الرزاق از ابن جریح نقل می‌کند که وی می‌گوید از عطاء شنیدم که گمان می‌کرد، پیامبر صلّی اللّه علیه و اله و سلّم دستور به روزه روز عاشورا داد ... اصحاب گفتند روزه در مورد کسانی که طعام خوردند چگونه است؟ فرمود: همگی چه آنهائی که غذا خوردند و چه آنهائی که غذا نخوردند، روزه بگیرند. (۷۰) مؤلّف: اوّلا حدیث فوق مرسله است، ثانیا بحث و اشکال در مورد نظیر این حدیث گذشت و تکرار نمی‌گردد.

[۲۶- فتوای علی ع به روزه روز عاشورا]

۲۶- ابن عبـد البّر: ابن ابی خیثمه گویـد: محمـد بن سـعید اصـفهانی برای ما حـدیث نقل کرد، معاویهٔ بن هشام از سـفیان از قلیب از جابر، از عایشه برای ما نقل کرده که وی گوید:

چه کسـی فتوا به روزه روز عاشورا داد؟ گفتنـد علیّ. عایشه گفت: بدانید که علیّ، داناترین مردم به سـنّت است و دربارهٔ بسـیاری از مسائل به او مراجعه می گردد. (۷۱)

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۰۴

مؤلف: در سند عبارت فوق، افراد مجهول الحال وجود دارنـد، و از سوئی، حـدیث اجمال دارد، چون از حدیث بدست نمی آید که علی- علیه السـلام- آیا فتوا به وجوب داد یا حرمت و یا استحباب؟ و علاوه بر آن، واقعا بعیـد هست که بتوان فتوا به استحباب داد، بخـاطر اینکه، نصوص و روایات فراوانی دربارهٔ پیامبر- صـلّی اللّه علیه و اله و سـلّم نقل کردهانـد که آن حضـرت بعـد از نزول روزه رمضان نه دسـتور به روزه روز عاشورا می‌داد و نه از آن نهی می کرد، و نیز بحثی نیست که علیّ علیه السلام، داناترین فرد صحابه به سنّت رسول خدا صلّی اللّه علیه و اله و سلّم و به کتاب خدا، بوده است. (۷۲)

[۲۷- عمار و روزه روز عاشورا]

۲۷- هیثمی: از عمـار نقـل شـده که گفت: مـا قبـل از نزول روزه رمضـان به روزهٔ عـاشورا مـأمور شـدهایم و وقتی روزه رمضان نازل گردیـد، دیگر مأمور به روزه گرفتن در روز عاشورا نشدهایم. (۷۳) هیثمی گویـد: متن فوق را طبرانی در الکبیر و رجالش که رجال صحیح است روایت نموده است.

[۲۸- روایت ابو سعید خدری]

۲۸- هیثمی: از ابو سـعید خدری نقل شده که رسول خدا- صـلّی اللّه علیه و اله و سـلّم، دستور به روزه عاشورا داده امّا خود حضرت آن روز را روزه نمی گرفت (۷۴) مؤلّف: آیا رسول خدا دستور به روزه داده ولی خودش روزه نمی گیرد.

و این دو روایتی که هیثمی نقل نمود، دلالت بر عکس مدعا و مطلوب دارد-

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۰۵

چون پیامبر، به صیام عاشورا دستور نداد، و حتی ایشان بعد از نزول روزه رمضان، روزه نگرفته بودند- شاهدش آن است که هیثمی در کتاب خود نزدیک به سی حدیث دربارهٔ روزه عاشورا نقل کرده و بیشتر آنها را تضعیف نمود. (۷۵)

[۲۹- روایت دختر رزینهٔ خادمهٔ رسول خدا ص]

۲۹- بیهقی: وی در کتاب خود بابی را به شـیرخواره گانی که رسول خدا صلّی اللّه علیه و اله و سلّم در دهان آنان آب دهان مبارک خود می‌ریخت و تا شب آنها را کفایت می کرد، می‌نویسد.

به دو سند از علیّهٔ دختر کمیت عتکیه از مادرش امیمهٔ نقل می‌کند که وی می‌گوید به کنیز خداوند، دختر رزینهٔ خادمهٔ رسول خدا صلّی اللّه علیه و اله و سلّم گفتم: ای کنیز خداوند، از مادر تو رزینهٔ شنیدم، که یادآوری می‌کرد که از رسول خدا- صلّی اللّه علیه و اله و سلّم شنید، که حضرت روزه روز عاشورا را گوشزد نمود؟ آن زن گفت: آری. حضرت این روز را بزرگ می‌شمرد و شیرخواره‌گان دخترش فاطمه و شیرخواره‌گان دیگر را می‌خواست و در دهانشان آب دهان مبارك خود می‌ریخت و به مادرانشان می‌گفت: تا شب به آنها شیر ندهید. (۷۶) ابن حجر می‌گوید: این روایت را ابن ابی عاصم و ابن مندهٔ از طریق علیلهٔ- بنت کمیت، که وی از طریق مادرش از امهٔ خدا، دختر- رزنیهٔ، نقل نموده است (۷۷) و ابو مسلم گنجی و ابو نعیم، از مسلم بن ابراهیم از علیلهٔ... (۷۸)

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۰۶

به‌هرحال، برای ما علیّه یا علیله و امنیه یا امیمهٔ، شخصیتشان مشخص نیست. همچنانکه هیثمی می‌گوید: و علیله و کسانی که در سند این روایت قرار دارند، کسی را که شرح حال آنها را نوشته باشد، نیافتم. (۷۹) اشکالی که در این روایت وجود دارد اینکه: از چه زمانی فاطمهٔ- علیها السلام، بچه‌های شیرخوار داشت؟ آیا بعد از نزول آیه شهر رمضان بود یا قبل آن؟

امام حسن علیه السّلام که اولین فرزند فاطمهٔ زهرا علیها السّلام هست در نیمه رمضان سال سوّم هجری (۸۰) به دنیا آمد، در حالی که وجوب روزه رمضان در سال دوّم هجرت (۸۱) بود.

و اساسا چه ارتباطی بین این روز و اطفال شیرخواری که مکلّف به روزه گرفتن نیستند وجود دارد. تا در آن روز، از شیرخوردن منع گردند؟

[۳۰- روایت عبد اللّه بن عمر از رسول خدا- ص]

۳۰- سیوطی: ابن منذر از عبد اللّه بن عمر از رسول خدا- صلّی اللّه علیه و آله و سلّم نقل میکند که حضرت فرمودند: هرکس در روز زینت روزه بگیرد، روزه‌هائی که از او در طول سال فوت شد، جبران میگردد. و هرکس در این روز صدقه بدارد، هر روزی را که در طول سال صدقه نداده است، جبران می‌گردد- منظور: روز عاشورا است. (۸۲)

مقصود از روز زینت چیست؟ مفسّرین در تفسیر روز زینت، چهار مصداق بیان نمودند ۱- منظور روز عیدشان هست که در آن روز خود را زینت می‌دادند.

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۰۷

۲- از مقاتل نقل شده که این روز را به نوروز تفسیر نمود. ۳- مراد روزی هست که عرب، برای خرید و فروش بازار تشکیل می‌دهند که ابن جبیر، این تفسیر را مطرح نمود.

۴- روز عاشورا، همچنانکه به ابن عباس چنین تعبیری نسبت داده شد. (۸۳)

اما در تفاسیر و روایات شیعه، روز زینت را به روز عاشورا تفسیر نکرده‌اند، (۸۴) شاید تفسیر به روز عاشورا، از بدعت‌های اموی هست و نقشه‌ای گمراه کنند جهت سرپوش گذاشتن بر جنایاتی هست که ال زیاد، آل مروان و ال ابو سفیان و یارانشان لعنهم اللّه تعالی در کربلاء در حقّ سیّد شباب اهل الجنّهٔ و اهل بیت رسول صلّی اللّه علیه و آله و سلّم، مرتکب گردیدند، بوده است. و برای اینکه، احساسات ضد شجره خبیثه اموی، که با فرارسیدن روز عاشورا، در مردم شدیدتر می‌شد، کاهش دهند و خود را در این جنایت هولناك حق‌دار جلوه دهند، به چنین بدعتها و دروغهائی دست می‌زدند. ماجرای کربلاء گرچه به ظاهر پیروزی برای آل ابی سفیان بود، اما در واقع، آنان با چنین عملی زشتی، خود را خوار و ذلیل نمودند که با فرارسیدن ماه محرم و روز عاشورا، احساس

کوچکی و ذلّت می‌نمودند، به طوری که در میان مردم، مثل گردید که هر فرد ذلیل را به ذلت امویان در روز عاشورا، تشبیه می‌نمودند- همچنانکه میدانی این مثل را در کتاب خود

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۰۸

بدون هیچ نقض و ایرادی نقل کرده است. وی می‌گوید: - فلانی- ذلیل‌تر از اموی در کوفه در روز عاشوراست. (۸۵) و روایتی که به ابن عباس نسبت داده شد که وی یوم الزینهٔ را به روز عاشورا تفسیر نمود، محل اشکال و نقد هست. (۸۶) چرا که در سند آن، افرادی هستند که مورد تائید نمی‌باشند. علاوه بر آن اگر هم مراد از یوم الزینهٔ، عاشورا باشد، با سالهای قمری منطبق نیست چون محاسبهٔ آنان بر وفق سال شمسی بود و نه قمری.

و همچنانکه واجب و لازم هست که در این روز مخالفت با آنان نمود نه اینکه توافق با آنها داشت.

و آنان این روز مصیبت بار و هولناك را روز شادمانی، سرور و جشن می‌دانند.

۳۰- شوکانی می‌نویسد: پیامبر- صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود: براستی که جغد اولین پرنده‌ای هست که در روز عاشورا روزه گرفت. این روایت را خطیب از ابو غلیط به سند مرفوع روایت کرده. و در میان صحابه کسی به این نام، معروف و شناخته نبوده است (۸۷) و در سند روایت: عبد اللّه بن معاویه هست که منکر الحدیث می‌باشد.

و حکیم ترمذی از ابو غلیط از ابو هریره نقل کرده که و می‌گوید: جغد اولین حیوانی بود که روزه گرفت. (۸۸) عمدهٔ القاری در توضیح سخن فوق گوید: این مطلب ناشی از کمی فهم است چون پرنده که متصف به صوم- روزه- نمی‌شود. (۸۹) از حاکم نقل شده که می‌گوید:

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۰۹

از جمله احادیثی که قاتلین حسین- رضی اللّه عنه- آن را جعل کردند، همین حدیث می‌باشد. که حدیثی باطل بوده و راویان آن مجهول می‌باشند. (۹۰) مضافا بر اینکه این روایت هیچ‌گونه دلالتی بر استحباب روزه روز عاشورا ندارد.

[۳۱- روایت صاحب لئالی مرفوعا از ابن عباس مرفوعا]

۳۱- شوکانی: هرکس که در روز عاشورا روزه بگیرد، ثواب ده هزار ملك به او داده می‌شود. وی می‌نویسد: این حدیث را صاحب لئالی، به طور تفصیل از ابن عباس مرفوعا ذکر کرده است. و این هم از جعلیّات، بنی امیّه و قاتلین حسین- علیه السلام- می‌باشد. (۹۱)

پاورقی‌ها:

- ۱: بخاری ج ۱ ص ۳۴۱، عمدهٔ القاری ۱۸ ص ۱۰۳، فتح الباری ج ۸ ص ۲۸

- ۲: میزان الاعتدال ج ۳ ص ۲۲۰

- ۳: الضعفاء الکبیر ج ۲ ص ۲۲۳، میزان الاعتدال ج ۲ ص ۳۲۵

- ۴: بخاری ج ۱ ص ۳۴۱- ابن ماجه ج ۱ ص ۵۵۲/ ح ۱۷۳۳- مصنّف عبد الرزّاق ج ۴ ص ۲۸۸ ح ۷۸۴۲

- ۵: میزان الاعتدال ج ۱ ص ۵۸۲

- ۶: عمدهٔ القاری ج ۱۱ ص ۱۲۰

- ۷: بخاری ج ۱ ص ۳۴۱ و ج ۳ ص ۱۰۳- مصنّف عبد الرزّاق ج ۴ ص ۲۸۹/ ح ۷۸۴۴- مسند حمیدی ج ۱ ص ۱۰۲ ح ۲۰۰- با

اختلاف اندک.

– ۸: میزان الاعتدال ج ۴ ص ۳۰۱

– ۹: عمدة القاری ج ۱۱ ص ۱۲۱ و برای توضیح بیشتر به: المعجم الکبیر ج ۵ ص ۱۳۸ ح ۴۸۷۶- لطائف المعارف ص ۱۹۰، فتح الباری ج ۴ ص ۲۴۸، مجمع الزوائد ج ۳ ص ۱۸۷

– ۱۰: المفصّل فی تاریخ العرب ج ۶ ص ۳۴۲)

– ۱۱: فتح الباری ج ۴ ص ۲۸۹- نیل الاوطار ج ۴ ص ۲۴۳

– ۱۲: در مورد این شخص به این کتابها مراجعه کنید: سیر اعلام النبلاء ج ۳ ص ۲۰۴/ ج ۴ ص ۲۳۷ کتاب الاحکام ج ۵ ص ۹۲

– ۱۳: عمدة القاری ج ۱۱ ص ۱۲۱

– ۱۴: ارشاد الساری ج ۴ ص ۶۴۸

– ۱۵: بخاری ج ۱ ص ۳۴۱، کتاب صوم- مسلم ج ۱ قسم دوم ص ۴۷۲. سنن نسائی ج ۴ ص ۲۰۴، الموطأ ج ۱ ص ۲۹۹- کلام پیامبر را تا آخر ننوشت: التوشیح ج ۲ ص ۴۰۳

– ۱۶: عمدة القاری ج ۱۱ ص ۱۲۱

– ۱۷: همان

– ۱۸: فتح الباری ج ۴ ص ۲۹۰

– ۱۹: بخاری ج ۱ ص ۳۴۱، مسند حمیدی ج ۱ ص ۲۳۹ ح ۵۱۵- دارمی ج ۲ ص ۳۶ ب ۴۶ ح ۱۷۵۹، ابو داود ج ۲ ص ۳۲۶ ح ۲۴۴۴، ابن ماجهٔ ج ۱ ص ۵۵۲ مصنّف عبد الرزّاق ج ۴ ص ۲۸۸ و ۲۹۰ ح ۷۸۴۸

– ۲۰: فتح الباری ج ۴ ص ۲۹۴- التوشیح علی الجامع الصحیح ج ۲ ص ۴۰۴

– ۲۱: عمدة القاری ج ۱۱ ص ۱۲۲

– ۲۲: سیر اعلام النبلاء ج ۱۰ ص ۶۲۳

– ۲۳: قدریّه، منسوب به قدر هستند و گمان می‌کردند که هر کسی خالق فعل خود هست و معاصی و کفر را به تقدیر و مشیّت خداوند نمی‌دانند که لذا منسوب به قدر شدند. در شرح مواقف آمده است: گفته شده که قدریّه همان گروه معتزله هستند چون افعال خود را به قدرت خود

نسبت و اسناد می‌دادند- مجمع البحرین ج ۳ ص ۴۵۱- مقباس الهدایهٔ ج ۲ ص ۳۶۴

– ۲۴: وی ابو عثمان عمرو بن عبید بصری، بزرگ معتزله که در راه مکه در سال ۱۴۴ ه درگذشت تاریخ بغداد ج ۱۲ ص ۱۶۲. سیر اعلام النبلاء ج ۶ ص ۱۰۵

– ۲۵: میزان الاعتدال ج ۲ ص ۶۷۷

– ۲۶: سیر اعلام النبلاء ج ۸ ص ۳۰۱

– ۲۷: میزان الاعتدال ج ۲ ص ۶۷۷

– ۲۸: بخاری ج ۱ ص ۳۴۱- الکامل فی الضعفاء ج ۴ ص ۱۷۲

– ۲۹: فتح الباری ج ۴ ص ۲۹۲

– ۳۰: ارشاد الباری ج ۴ ص ۶۵

– ۳۱: تهذیب الکمال ج ۱۵ ص ۳۳۷

– ۳۲: سیر اعلام النبلاء ج ۲ ص ۳۹۴

- ۳۳: الاستیعاب ج ۴ ص ۳۲۶

- ۳۴: بخاری ج ۱ ص ۳۴۲. مسلم ج ۱ قسم دوم ص ۴۷۲، نسائی ج ۴ ص ۲۰۴- مسند احمد ج ۱ ص ۲۲۲، مصنّف عبد الرزاق ج ۴ ص ۲۸۷ ح ۸۷۳، سنن کبری ج ۴ ص ۲۸۴

- ۳۵: فتح الباری ج ۴ ص ۲۹۲- التوشیح علی الجامع الصحیح ج ۲ ص ۴۰۴

- ۳۶: بخاری ج ۱ ص ۳۴۱ و ج ۳ ص ۱۰۲. عمدهٔ القاری ج ۱۸ ص ۱۰۳

- ۳۷: مراجعه به کلام ابن عماد به نقل از ذهبی در شرح حال اعمش. شذرات الذهب ج ۱ ص ۲۲. مقباس الهدایهٔ. ج ۵ ص ۴۱۳

- ۳۸: میزان الاعتدال ج ۲ ص ۱۷۰

- ۳۹: عمدهٔ القاری ج ۲ ص ۲۷۳

- ۴۰: بخاری ج ۳ ح ۱۰۳

- ۴۱: سیر اعلام النبلاء ج ۱ ص ۴۶۱- ۵۰۰

- ۴۲: شافعی ج ۴ ص ۲۸۳

- ۴۳: معجم رجال الحدیث ج ۱۰ ص ۳۲۳- امّا مرحوم خوئی از این مبناء قبل از وفاتش برگشت.

- ۴۴: قاموس الرجال ج ۶ ص ۶۰۸- مراجعه شود به کتاب دراسات فقهیه فی مسائل خلافیّه ص ۱۹

- ۴۵: بخاری ج ۱ ص ۲۷۸- فتح الباری ۳ ص ۵۳۱

- ۴۶: بحث از نسی، به طور مفصّل در آینده بیان خواهد شد.

- ۴۷: بخاری ج ۱ ص ۳۴۲. دارمی ج ۲ ص ۳۶ ب ۴۶ ح ۱۷۶۱

- ۴۸: سنن ابی داود ج ۲ ص ۳۲۷ ج ۲۴۴۷. ابن ماجه ج ۱ ص ۵۵۲/ ح ۱۷۳۵ تهذیب الکمال ج ۱۶ ص ۳۷۷- مصنّف عبد الرزّاق ج ۴ ص ۲۸۶/ ح ۷۸۳۴- از معبد قرشی- مجمع الزوائد ج ۳ ص ۱۸۵...

- ۴۹: فتح الباری ج ۴ ص ۱۶۸ و ۲۹۲

- ۵۰: مسلم ج ۲ ص ۴۸۹، ابن ماجه ج ۱ ص ۵۵۳، احمد ج ۵ ص ۳۰۷ و ص ۳۰۸ و ۳۱۱ و ۲۹۶ و ۳۰۴ و ۲۹۵- مصنّف عبد الرزّاق ج ۴ ص ۲۸۶ ح ۷۸۳۲- السنن الکبری ج ۴ ص ۲۸۶- حمیدی ج ۱ ص ۲۰۵ ح ۴۲۹

- ۵۱: الجامع الصحیح ج ۳ ص ۱۲۶ ب ۴۸ ح ۷۵۲

- ۵۲: تهذیب التهذیب ج ۶ ص ۳۶

- ۵۳: الکامل فی الضعفاء ج ۴ ص ۲۲۴

- ۵۴: الطیالسی ص ۱۶۷ ح ۱۲۱۲. مصنّف عبد الرزّاق ج ۴ ص ۲۸۷ ح ۷۸۳۶

- ۵۵: سیر اعلام النبلاء ج ۵ ص ۳۹۸- ۳۹۹- وی را شیخ عبد الغنی النابلسی در کتاب معجم القواعد العربیّه با عبارت: عثمان بن مطر، منکر الحدیث است، تضعیف نمود.

- ۵۶: الطیالسی ص ۱۰۶ ح ۷۸۴. کنز العمّال ج ۸ ص ۶۵۶ ح ۲۴۵۹۲

- ۵۷: الطیالسی ص ۱۶۸ ح ۱۲۱۱- کنز العمّال ج ۸ ص ۶۵۶ ح ۲۴۵۹۴

- ۵۸: الموطّأ ج ۱ ص ۲۹۹ ح ۲۵- مصنّف عبد الرزّاق ج ۴ ص ۲۸۷ ح ۷۸۳۸

- ۵۹: ابو داود ج ۲ ص ۳۲۷ ح ۲۴۴۵ مسلم ج ۱ قسم دوّم ص ۴۷۳، طیالسی ص ۳۴۲ ح ۲۶۲۵- المعجم الکبیر ج ۱۰ ص ۳۲۲ ح ۱۰۷۸۵

- ۶۰: ممکن است کسی بگوید که شاید دستور پیامبر به روزه عاشورا قبل از روزه ماه رمضان بوده است، در جواب گفته می‌شود:

امر به روزه رمضان در سوره بقره بود و این سوره از سوره‌های اولیّه‌ای هست که در مدینه نازل شد و ابن عباس در آن روزگار، بچه بود.

– ۶۱: سیر اعلام النبلاء ج ۸ ص ۶

– ۶۲: ابن ماجه ج ۱ ص ۵۵۲/ ح ۱۷۳۶

– ۶۳: سیر اعلام النبلاء ج ۹ ص ۱۵۵

– ۶۴: سنن ابن ماجه ج ۱ ص ۵۵۳ ح ۱۷۳۷

– ۶۵: سنن دارمی ج ۲ ص ۳۶ ح ۱۷۶۲

– ۶۶: سنن ترمذی ج ۳ ص ۱۲۹، شرح زرقانی ج ۲ ص ۱۷۸

– ۶۷: سنن نسائی ج ۴ ص ۲۰۴

– ۶۸: المصنّف ج ۴ ص ۲۸۸ ح ۷۸۴۰

– ۶۹: المصنّف ج ۴ ص ۲۸۷ ح ۷۸۳۹، السنن الکبری ج ۴ ص ۲۸۷

– ۷۰: المصنّف ج ۴ ص ۲۹۱ ح ۷۸۵۱

– ۷۱: الاستیعاب ج ۲ ص ۴۶۲. شرایع الاسلام ج ۱ ص ۲۴۰– تحقیق محمد علی البقّال.

– ۷۲: شواهد التنزیل– از حاکم حکانی حنفی ج ۱ ص ۵۷

– ۷۳: مجمع الزوائد ج ۳ ص ۱۸۸ و ۱۸۶– کنز العمّال ج ۸ ص ۶۵۶ ح ۲۴۵۹۳

– ۷۴: همان

– ۷۵: مجمع الزوائد ج ۳ ص ۱۸۸

– ۷۶: دلائل النبوۀ ج ۶ ص ۲۲۶

– ۷۷: الاصابۀ ج ۴ ص ۳۰۲

– ۷۸: همان: عن علیلۀ مطوّلا و لفظه: حدّثتنا علیلۀ بنت الکمیت سمعت امّی امینۀ

– ۷۹: مجمع الزوائد ج ۳ ص ۱۸۶

– ۸۰: تاریخ طبری ج ۲ ص ۸۶– العبر ج ۱ ص ۶

– ۸۱: العبر ج ۱ ص ۵

– ۸۲: الدّر المنثور ج ۴ ص ۳۰۳

– ۸۳: التفسیر الکبیر ج ۷۳ ص ۲۲، بیضاوی ج ۲ ص ۵۳

– ۸۴: مجمع البیان ج ۷ ص ۱۲، تفسیر صافی ج ۳ ص ۳۱۰، تفسیر کنز الدقائق ج ۶ ص ۲۸۸– تفسیر المیزان ج ۱۴ ص ۱۸۶، تفسیر التبیان ج ۷ ص ۱۸۱

– ۸۵: مجمع الامثال ج ۲ ص ۲۱ شماره/ ۱۵۱۳

– ۸۶: الدّر المنثور ج ۴ ص ۳۰۳

– ۸۷: الفوائد المجموعۀ ص ۱۰۰

– ۸۸: الفوائد المجموعه ص ۱۰۰. الکامل فی الضعفاء ج ۲ ص ۱۰۶

– ۸۹: عمدۀ القاری ج ۱۱ ص ۱۱۸

– ۹۰: الفوائد المجموعۀ ص ۹۸. الکامل فی الضعفاء ج ۲ ص ۱۰۶

- ۹۱: الفوائد المجموعهٔ ص ۱۰۰، الکامل فی الضعفاء ج ۲ ص ۱۰۶

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۱۵

بخش سوّم [نقل نظریات فقهاء امامیّه و اهل سنّت]

اشاره

۱- نظریه‌های فقهاء الف: سخنان کسانی که قائل به حرمت روزهٔ روز عاشورا هستند

ب: سخنان کسانی که قائل به استحباب روزهٔ روز عاشورا هستند

ج: سخنان کسانی که قائل به استحباب روزهٔ عاشورا بخاطر ناراحتی از مصیبتی که بر خاندان رسول اکرم وارد شد.

د: سخنان کسانی که قائل به امساک از خوردن و آشامیدن تا عصر

ه: سخنان کسانی که معتقد به کراهت روزهٔ عاشورا هستند

۲- نظریه‌های فقهای اهل سنّت

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۱۶

در بخش پیشین، روایاتی که منع از روزه گرفتن در روز عاشورا می‌نمود و نیز روایاتی که جواز روزه گرفتن در این روز را صادر کرده بود، نقل گردید و به مناقشات سندی و دلالی و جواب از آن، پرداختیم، اینک در این بخش درصدد نقل نظریات فقهاء امامیّه و اهل سنّت هستیم: فقهاء امامیه درباره حکم شرعی روزه عاشورا، نظریه‌هایی را ابراز نمودند، به عنوان نمونه، بعضی مثل صاحب حدائق، محدث برانی و صاحب مرآة العقول، علامه مجلسی و استاد وحید خراسانی، معتقد به حرمت گشتند و کسانی مثل مرحوم خوانساری در جامع المدارک و مرحوم نراقی در مستند، تمایل به این نظر پیدا نمودند. برخی دیگر از فقهاء که اکثر معاصرین را در برمی‌گیرد، از قبیل، سیّد کاظم یزدی و مرحوم بروجردی و حکیم و جمع کثیری از کسانی که بر عروهٔ الوثقی تعلیقه زدند و سبزواری، قائل به کراهت شدند. البته، هر دو نظریه بر این امر اتفاق دارند که امساک از خوردن و آشامیدن تا عصر استحباب دارد که روزهٔ اصطلاحی به آن نمی‌گویند و فقط صرف امساک می‌باشد، همچنانکه از ظاهر عبارت علامه حلّی در بعضی از کتابهایش و شهید اول در دروس و غایهٔ المراد و شهید ثانی در مسالک و سبزواری در ذخیره و کاشف الغطاء در کشف الغطاء و شیخ بهائی در جامع و فیض در وافی و مفاتیح و نخبه و سیّد طباطبائی در

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۱۷

ریاض و شرح صغیر و مقدس اردبیلی در مجمع الفائده و مرحوم نراقی در مستند و سیّد خوانساری در مدارک و مرحوم پدر در ذخیره، برمی‌آید که روزهٔ روز عاشورا را به مجرد امساک تا عصر تفسیر نمودند. طایفهٔ دیگر از فقهاء، بر این باورند که روزه در چنین روزی، استحباب دارد این گروه نیز خود به دو دسته تقسیم می‌شوند: الف: کسانی که به طور مطلق قائل به استحباب هستند مثل مرحوم صدوق در هدایه و محقق در نکت النهایهٔ و آقا جمال خوانساری در مشارق و سیّد خوئی در مستند. ب: کسانی که معتقد به استحباب روزه عاشورا بخاطر ناراحتی از مصیبتی که بر خاندان پیامبر اکرم وارد گردید، شدند، این گروه مشهور فقهاء را تشکیل می‌دهند مانند: شیخ طوسی در کتاب تهذیب و استبصار و اقتصاد و رسائل عشر. و شیخ مفید در مقنعه و ابن براج در مهذّب و ابن زهره در غنیه و صهرشتی در اشاره السبق و ابن ادریس حلی در سرائر و یحیی بن سعید در جامع و محقّق حلّی در شرایع و رسائل تسع و علامه حلّی در منتهی و ارشاد و سبزواری در کفایه و محقق نجفی در جواهر.

امّا دلایل: دلیل کسانی که معتقد به حرمت هستند.

۱- بسیاری از اخبار و روایات ظهور و بلکه صراحت در حرمت دارند، مانند:

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۱۸

خبر زراره و محمّد بن مسلم از امام صادق علیه السّلام- خبر جعفر بن عیسی- روایت یزید- زید- نرسی- روایت نجبهٔ بن حارث- خبر زرارهٔ،- خبر حسین بن ابی غندر- خبر عبد الملک- روایت جبلهٔ المکّیهٔ. (۱)

۲- ضعف برخی از این روایات با وجود روایات صحیحه در میان آن، بواسطه نقلشان در کتب معتبره، جبران می گردد. و حتی گفته شده که روایات مانعه، به حدّ استفاضه و بلکه به اندازه تواتر رسیده است که همین، در حصول علم به صدور اینگونه از روایات از طریق معصوم- علیه السلام- کفایت میکند.

۳- روایاتی که جواز روزه عاشورا را صادر نموده است و یا دستور به روزه گرفتن در این روز می‌دهد، حمل بر تقیّه می گردد، چون این دسته از روایات موافق با فقه و حدیث اهل سنّت می‌باشد، لذا، اصالهٔ الجدّ و الجههٔ، در این اخبار، احراز نگردیده است، و دیگر نوبت به تعارض بین روایات مانعه و روایات مجوّزه، نمی‌رسد. و اگر فرض کنیم بین این دو دسته تعارض باشد، روایاتی که مخالف با نظریات اهل سنّت هست، اخذ می گردد.

۴- روزه پیامبر- صلّی اللّه علیه و آله و سلّم- قبل از نزول روزهٔ ماه رمضان بوده است.

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۱۹

و سپس بعد از آن نسخ گردیده است.

۵- معنا ندارد که ما روایاتی که جواز روزهٔ روز عاشورا را صادر کرده بر استحباب بخاطر حزن و ناراحتی حمل کنیم، چون ظهور روایت حسین بن ابی غندر در این است که، در مصیبت وارده روزه گرفته نمی‌شود. بلکه روزه گرفتن بخاطر شکر و سلامتی و عافیت می‌باشد.

۶- باید به صحیحهٔ ابن سنان که مفادش، مجرد امساک از خوردن و آشامیدن تا عصر می‌باشد و روزهٔ اصطلاحی نامیده نمی‌شود، عمل نمود. همچنانکه صاحب مدارک و صاحب حدائق و دیگران، همین نظر را پذیرفتند. و روایت ابن سنان، جزء اخبار ضعیفه نیست لذا، مجموع این ادّله به صورت مانعهٔ الخلوّ، دلیل قائلین به حرمت روزهٔ روز عاشورا می‌باشد. ۲- دلیل کسانی که معتقد به استحباب هستند:

۱- اجماع: همچنانکه صاحب کتاب غنیه ادعا نمودند. و مرحوم محقق نجفی در جواهر، گوید:

در این مسئله اختلافی در استحباب آن نیست. امّا این اجماع مدرکی یا احتمال مدرکی بودن آن وجود دارد.

۲- روایتی که ابی همّام از ابو الحسن علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند: پیامبر- صلّی اللّه علیه و آله و سلّم در این روز، روزه می گرفتند. (۲) امّا این روایت گرچه موثّق هست لکن همچنانکه

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۲۰

مرحوم محقّق قمی و دیگران فرمودند، حمل بر تقیّه می گردد. (۳)

۳- روایت قدّاح از امام صادق علیه السلام که آن حضرت فرمود: روزهٔ روز عاشورا کفّاره یک سال گناهان می‌باشد. (۴) امّا این روایت، همچنانکه علامه مجلسی فرمودند، ضعیف است. (۵)

۴- خبری که مسعدهٔ از امام صادق علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمود: عاشورا را روزه بدارید. (۶) لکن این روایت ضعیف و حمل بر تقیّه می‌شود. (۷)

۵- روایت کثیر النّواء: (۸) این روایت هم مثل روایات گذاشته، ضعیف و حمل بر تقیّه می گردد چون، وقوع این نوع از برکات که در روایت آمده از دروغ‌ها و افترائات عامّه می‌باشد. (۹)

۶- ادّعا شده که تمام روایاتی که نهی از روزهٔ روز عاشورا دارند، ضعیف می‌باشند. (۱۰)

در جواب از این ادعا گفته شده که: با توجه به عدد روایاتی که منع از روزه روز عاشورا دارند و کیفیّت برداشت و برخورد بزرگان شیعه با این روایات و نیز با توجه به سیرهٔ قطعیّه متشرعه که مطابق با روایات مانعه هست و جمع نمودن شیخ طوسی رحمه اللّه تعالی بین روایات مانعه و روایات مجوّزهٔ، این نتیجه را به همراه دارد که روایات مانعه را از روایات و مستندات ضعیفه، خارج می‌نماید و به آنها قوّت می‌بخشد. (۱۱)

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۲۱

این شش دلیل، ادّله قائلین به استحباب مطلق روزه روز عاشورا بوده، بدون اینکه این استحباب صوم را به صورت حزن و اندوه، قید بزنند.

۷- بعد از آنکه روایاتی که صوم روز عاشورا را جایز می‌داند با روایاتی که منع از روزه روز عاشورا نموده، با یگدیکر تعارض نمودند، بین آنها به این طریق جمع برقرار می‌شود که روزه روز عاشورا به صورت حزن و اندوه، مستحب است و اگر این روزه از روی شکر و شادمانی باشد، حرمت دارد. جوابی که از این دلیل داده شد به شرح ذیل می‌باشد:

بر طبق روایاتی که نهی از روزه روز عاشورا دارد، ماهیّت صوم اصطلاحی، مجوّز شرعی ندارد، بلکه اساسا روزه در این روز بدعت شمرده می‌شود و موجب هلاک می‌باشد.

و اینکه روزه به صورت حزن و اندوه، استحباب دارد، فاقد معنای درستی از نظر شرعی می‌باشد، چون سبب استحباب روزه، حزن نیست، و آنچه که می‌تواند سبب باشد، خوشحالی و شادمانی و مجالس جشن و سرور بر پاکردن می‌باشد و حال آنکه، روز عاشورا برای شیعیان و خاندان رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم، روز مصیبت، عزاء بوده است. این جواب متین و مقبولی هست که باید خوب در آن دقت و تأمل نمود.

۸- روایت ابن سنان که می گفت: روزه بگیرید امّا نه تا شب، ضعیف است.

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۲۲

از این سخن جواب داده شد که، روایت فوق اگر به طریقی که شیخ طوسی در مصباح المتهجّد نقل کرده، ضعیف باشد، امّا در طریق دیگری که مشهدی در المزار بر این روایت آورده است، هیچگونه ضعفی وجود ندارد. علاوه بر آن: ما قبول نداریم روایتی که به طریق شیخ نقل شده، ضعیف باشد، بلکه هر دو طریق، صحیح است و قطعا روایت از معصوم نقل گردیده است.

۹- ما قبول نداریم که کسی قائل به حرمت یا کراهت روزه روز عاشورا شده باشد و اگر چنین نظریّه‌ای باشد، خیلی کم مطرح شده است. و اعتقاد به حرمت یا کراهت، منافات با ظاهر اتفاقی که اصحاب امامیّه بر استحباب دارند، می‌باشد.

اما، این سخن استبعاد محض می‌باشد و هیچ گاه نمی‌تواند به عنوان دلیلی فقهی شمرده شود.

مضافا بر اینکه: جمع کثیری از فقهاء امامیه، بناء را بر کراهت و حرمت گذاشتند که اسامی آنها در مباحث پیشین، بیان شد و در سطور بعدی بحث، نظریاتشان نقل می گردد.

۱۰- روزه در روز عاشورا، از باب همراهی با اهل بیت علیهم السلام هست که در آن روز بخاطر عطش و گرسنگی، توان خود را از دست داده بودند:

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۲۳

مؤلّف: برای همراهی و همدردی با ائمه علیهم السلام، عمل به روایت ابن سنان، کفایت می کند که می گفت: روزه بگیرید اما نه تا شب، و افطار کنید امّا نه از روی شادمانی و بد- اهل بیت علیهم السلام را، خواستن. علاوه بر آن: همراهی و همدری، نمی‌تواند دلیل شرعی شمرده شود تا ما به این طریق بگوئیم فلان عمل، مستحب است، بلکه در استحباب نیاز به دلیل خاصّ می‌باشد: دلیل

قائلین به کراهت.

۱- روزه گرفتن در روز عـاشورا، از سنّت‌های دشـمنان اهل بیت پیامبر صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و متصّف به صـفات آنها شـدن، می‌باشـد، لـذا، همچنانکه اتصاف به اوصاف یهود و نصاری، مکروه هست، روزه گرفتن در روز عاشورا نیز چون اتصاف به صـفات دشمنان می‌باشد، کراهت دارد. (۱۱)

۲- در یک روایت، هم روزهٔ عاشورا منع شـده و هم روزه روز عرفه منع گردیـده است، و از طرفی در بین اصـحاب امامیه اتفاق نظر وجود دارد که می‌توان در روز عرفهٔ روزه گرفت لذا، چون این دو نهی در یک سیاق وارد شده است، پس منع از روزه عاشورا، به معنای کراهت است،

۳- استناد به ظهور سخن امام ابو جعفر علیه السلام: که آن حضرت فرمودند:

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۲۴

آیا پس در آن روز- روز عاشورا- روزه- گرفته می‌شود؟ هرگز، قسم به پروردگار بیت حرام، آن روز، روز روزه گرفتن نیست. آن روز فقط، روز حزن و اندوهی هست که بر اهل آسمان و زمین وارد گردید.

۴- روایـات کـه دسـتور بـه روزه گرفتـن در روز عـاشورا می‌داد بر امسـاک از خـوردن و آشامیـدن بـه صـورت حزن و انـدوه حمل می‌گردد. و یـا این دسـته از روایـات حمل بر تقیّهٔ می‌شود. ۵- مشـخص و معلـوم نیست که ائمه علیهم السـلام و اصـحابشان در روز عاشورا روزه می‌گرفتند. مؤلّف: دلیل اوّل و سوّم و پنجم، دلالتشان بر حرمت، بیشتر از کراهت می‌باشد. اما جواب از دلیل دوم: بر فرض که وحدت سیاق اقتضاء کند و نیز قرینه باشد که فقره اوّل روایت را حمل بر کراهت کنیم، لکن بواسطه روایات متعدده‌ای که مفادشان تحریم هست باید از این اقتضاء و قرینه دست برداشت.

جواب از دلیل چهارم: این حمل را ما هم قبول داریم ولی می‌گوئیم به درد قول به کراهت نمی‌خورد چون حتی بنابر قول به حرمت، روایاتی که دستور به روزه عاشورا می‌داد، حمل بر امساک از اکل و شرب به صورت حزن و اندوه، و یا حمل بر تقیّه می‌گردد.

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۲۵

و بعضـی از فقهاء با توجه به روایت ابن سنان که شیخ و مشهدی در کتابشان ذکر کرده‌اند و نیز با توجه به روایتی که میثم تمّار نقل (۱۲) نموده است، معتقـد شدند که روزهٔ روز عاشورا، هیچ‌گاه مورد تأکید نبوده و نیست و کسـی که در این روز روزه بدارد گرچه نیست‌اش حزن و انـدوه، باشـد، در صورت عمـل، با دشـمنان اهل بیت که نیّت‌شان تبرک و شادمانی هست، شـریک می‌باشـد. بله- اسـتحباب این روزه به عنوان صوم اصطلاحی، فقط برای کسی هست که قدرت افطار نمودن و لو به خاطر تقیّه را ندارد، لذا، در این صورت، قصد روزه از روی حزن و اندوه بخاطر مصیبت و عزای وارده بر خاندان عصمت، می‌نماید. (۱۳)

مؤلّف: پیشتر بیـان شـد که مـاهیّت صوم- روزه اصـطلاحی- در روز عاشورا موجب هلاکت و عـذاب، حتی به عنوان حزن و انـدوه، می‌گردد.

دلیل کسانی که قائل به حرمت روزه روز عاشورا هستند:

۱- مرحوم بحرانی می‌نویسـد: خلاـصه اینکه دلاـلت این اخبـار به طور مطلق بر تحریم، ظـاهرترین ظـاهر هست، لکن اصـحاب ما در آنچه که ذکر کرده‌انـد- غیر از تحریم- معذورند. چون به صورت کامل تتبع در روایات نکرد. و خوب در آن، به اندیشه نپرداختند. و در ادامه می‌گوید:

تحریم روزه روز عاشورا از این اخبار، ظاهرترین ظاهر هست. (۱۴)

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۲۶

۲- علامه مجلسی می گوید: خلاصه سخن آنکه: احتیاط ترک روزه روز عاشورا به طور مطلق می‌باشد. (۱۵)
۳- مرحوم خوانساری در جامع المدارک می‌نویسد: امّا استحباب روزهٔ روز عاشورا به خاطر روایتی هست که عبد الله بن میمون قداح از جعفر از پدرش علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمود: روزهٔ روز عاشورا کفّاره یک سال- گناه- می‌باشد. و مصنّف و جماعتی از فقهاء روایت را به روزه بخاطر حزن و اندوه بر مصیبتی که بر سیّد شباب اهل بهشت وارد آمده، قید زدند. که این روزه از باب تبرک و شکر که جزء اعمال بنی امیه و پیروان لعنتهم اللّه تعالی، آنها می‌باشد، نیست و لذا، شیخ مفید و شیخ طوسی- قدس سرّهما- بین روایت فوق و روایاتی که متضمّن نهی از روزه روز عاشوراست مثل صحیح زرارهٔ و محمد بن مسلم جمع کردند. روایت زراره و محمد بن مسلم این است که این دو بزرگوار از امام باقر علیه السلام در مورد روزه روز عاشورا از ماه محرم سئوال نمودند، حضرت فرمود: عاشورا روزی هست که حسین محاصره شد ... و بعضی از متأخرین از متأخرین، به خاطر ترجیح نصوصی که نهی از روزه روز عاشورا داشت، یقین به حرمت پیدا نمودند. و روایات دالّ بر استحباب را حمل بر تقیّه نمودند. و ظاهرا همین نظری که متأخرین از متأخرین ابراز نمودند، و با توجه به روایت عبد الله بن سنان از امام صادق علیه السلام، به واقع نزدیکتر است.
روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۲۷
که راوی فوق می گوید: روز عاشورا بر امام صادق علیه السلام، وارد شدم، و حضرت را در حالی که رنگ صورتش تیره شده بود، ملاقات نمودم ... و مشخص هست که روزه که این فرد به عنوان تبرک نبوده است. (۱۶) ۴- استاد وحید خراسانی می گوید: روزه گرفتن در روز عاشورا بنابر احتیاط واجب، جایز نمی‌باشد. (۱۷)

قائلین به استحباب روزهٔ روز عاشورا:

مرحوم سیّد خوئی بعد از آنکه روایات مانعهٔ را ضعیف دانست و مدعی شد که این روایات از حیث سند، منقّه نیست و اینکه صحیحه زراره و محمد بن مسلم، متضمن هیچ گونه نهی‌ائی نمی‌باشند و بلکه نهایتا می گویند روزه روز عاشورا متروک و منسوخ شده که شاید در سابق واجب بوده، و بعدها، روزه ماه رمضان جایگزین آن شد، فلذا دلالت بر نفی استحباب هم ندارد، می گوید: امّا نفس روزه گرفتن در این روز، از باب قضاء یا استحباب مخصوصا از روی حزن و اندوه، شکی در جوازش نیست و حتی کراهت هم ندارد، چه بسا از اینکه بخواهد حرام باشد. ایشان پیش از این مطالب می گوید:
امّا روایاتی که متضمن امر و استحباب روزه گرفتن در این روز می‌باشد، بسیارند، مانند صحیحه قدّاح ... و موثّقه مسعدهٔ بن صدقه ...که نظریه استحباب را مساعدت می‌نماید
روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۲۸
علاوه بر آن، روزه گرفتن در این روز، همراهی و همدردی با اهل بیت وحی می‌باشد که در این روز، بخاطر تشنگی و گرسنگی توان خود را از دست داده بودند و دردها و مصیبت‌های بزرگی بر آنان وارد شد که افهام و اوهام، از درکش عاجزند. لذا، اقوی، روزه گرفتن در این روز فی نفسه، استحباب دارد. بله، اگر روزهٔ این روز به عنوان تیّمن و تبرّک و فرح و سرور که ارازل و اوباش آل زیاد و بنی امیه- خذلهم اللّه تعالی فی الدنیا و الآخره- بجای می‌آورند، باشد، حتی اگر یک روایت هم در جهت تحریم وارد نشده باشد، هیچ اشکال و اختلافی در حرمت روزهٔ آن روز نیست. و بلکه روزه آنچنانی از بزرگترین محرماتی هست که از پلیدی فاعل آن، خبر می‌دهد. و چنین فردی در دین و مذهبش، خلل وارد کرده و از یاران و پیروان مورد لعن در زیارت عاشورا گردیده است. لذا در این مطلب هیچ شک و شبهه‌ای نیست امّا خارج از بحث می‌باشد. (۱۸)
استاد وحید خراسانی به ایشان اشکال کرده که: در اجود التقریرات شما تصریح نمودید که ائمه علیهم السلام مداومت بر ترک روزه این روز داشتند و اصحابشان را به همین صورت، امر می‌نمودند. (۱۹) لذا، این سخن شما چطور با اعتقاد به استحباب سازگار

هست؟

و نیز اشکال دیگری که بر ایشان وارد است اینکه: شما در حاشیه عروة الوثقی و نیز در-

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۲۹

توضیح المسائل، فتوا به کراهت دادید. پس چگونه با اعتقاد شما به استحباب هماهنگ هست؟

مؤلف: احتمال دارد که ایشان از نظر خود در مورد کراهت روزه روز عاشورا، برگشته باشند که در این صورت این اشکال به وی وارد نیست.

شاید همین نظر مرحوم خوئی از کلام شیخ صدوق نیز بدست آید، ایشان می گوید:

اما روزه‌ای که صاحبش در بجای آوردنش اختیار دارد، روزه روز جمعه و روز عاشورا می‌باشد که، صاحبش اگر خواست، می تواند روزه بگیرد و اگر خواست می تواند افطار نماید. (۲۰)

استحباب روزه روز عاشورا بر وجه اندوه و ناراحتی:

۱- شیخ مفید- رحمهٔ اللّه علیه- می‌نویسد: امّا روزه‌ای که صاحبش در آن اختیار دارد، روزه روز عاشوراست آنهم به صورت امساك از خوردن و آشامیدن بخاطر اندوه از مصیبتی که بر آل محمّد- صلّی اللّه علیه و آله و سلّم- وارد آمد. (۲۱)

مؤلف: از این سخن شیخ، استحباب فهمیده نمی‌شود.

۲- شیخ طوسی می گوید: اما روزه‌های مستّحب ... و روزهٔ روز عاشورا به صورت حزن و مصیبت که به اهل بیت رسول- صلّی اللّه علیه و آله و سلّم، وارد گشت. (۲۲)

۳- و نیز می گوید: روزه‌های مستحبی در تمام ایّام سال می‌باشد البته به غیر از آن روزهائی

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۳۰

که روزه گرفتن حرمت دارد. ولی در طول سال چهارده قسم روزه استحباب مؤکد دارد،- که یکی از آن قسم- روزه روز عاشورا به صورت و نیت حزن و اندوه و مصیبت می‌باشد. (۲۳)

۴- و نیز شیخ طوسی علیه الرحمهٔ در جمع بین اخبار متعارضهٔ می گوید: توجیه این احادیث به این شکل هست که: هرکس در روز عاشورا بخاطر اندوه بر مصایبی که بر رسول خدا- صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و عترتش علیهم السلام وارد گردید، روزه بدارد، به طریق صواب رفته است اما اگر کسی روزه‌اش بخاطر آنچه که مخالفین ما معتقدند که روزه گرفتن، فضیلت دارد، و بر این باورند که روزه این روز، برکت می‌آورد و شخص را سعادتمند می کند، واقعا به خطاء رفته و مرتکب گناه شده است. (۲۴)

۵- ابن برّاج می‌نویسد: امّا روزه‌های مستحب، دو قسم هستند: یک قسم در بجای آوردنش تشدید و تأکید شده است و آن روزه روز عاشورا به صورت و نیّت اندوه بخاطر مصیبتی که بر اهل بیت علیهم السلام وارد گردید. (۲۵)

۶- ابن زهره معتقد است: اما روزهٔ مستحب ... روزهٔ عاشورا به صورت اندوه می‌باشد (۲۶)

۷- صهرشتی دربارهٔ روزه مستحب می گوید: روزه دهم محرّم به خاطر حزن و مصیبت. (۲۷)

۸- ابن ادریس می‌نویسد: روزه روز عاشورا بخاطر اندوه بر مصائب آل رسول صلّی اللّه علیه و آله و سلّم- مستحب هست. (۲۸)

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۳۱

۹- یحیی بن سعید می گوید: روزهائی که مستحب هستند ... و روزهٔ روز عاشورا از جهت حزن و اندوه می‌باشد و روایت شده که این روزه را بعد از عصر افطار نمایند. (۲۹)

۱۰- محقّق حلّی می‌نویسد: روزه‌های مستحب مختّص به وقت خاصّی هستند، که چهارده قسم مستحب مؤکد می‌باشند - ... یکی-

روزه روز عاشورا به صورت و نیت حزن و اندوه. (۳۰) ۱۱- و نیز می گوید: روزه روز عاشورا بخاطر اندوه، مستحب است (۳۱)
۱۲- و نیز می گوید: روزه که صاحبش در گرفتن آن اختیار دارد، روزه روز جمعه و روز پنج‌شنبه و ... روز عاشورا می‌باشد. (۳۲)
مؤلّف: شاید این عبارت محقّق برگرفته یا اشاره به روایتی هست که زهری از امام زین العابدین علیه السّلام نقل نموده است، باشد که مرحوم مجلسی در مرآة العقول، آنرا تضعیف نمود (۳۳) و پدرش مجلسی اوّل، این فقره از روایت را که می گوید: صاحبش اختیار دارد به این صورت تفسیر نمود که جایز است برای صاحبش بعد از شروع به روزه، افطار کند و یا روزه‌اش واجب نمی‌باشد. (۳۴)

۱۳- علامه حلّی می‌نویسد: و روزه روز عاشورا از روی حزن و نه بخاطر تبرک، مستحب می‌باشد، چرا که در این روز بزرگترین مصائب که همان قتل حسین بن علی علیهما السّلام

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۳۲

و هتک حریمش، اتفاق افتاد، لذا، از روی حزن و اندوه، اکل و شرب، ترک گردد.

و دلیل استحباب روایاتی هست که سعد بن صدقه و ابو همّام- و ابو عبد اللّه بن میمون قدّاح و جمهوری از علماء از ابن عباس نقل نموده‌اند. و احادیثی هم در کراهت روزه عاشورا وارد شده که حمل بر روزه‌ای می‌شود که تبرّکا بجای آورده شود. و هرکس بخاطر آنچه که مخالفین ما اعتقاد دارند که همان تبرک جستن به این روز، و اینکه با روزه گرفتن اهل سعادت می‌شوند، روزه به جای آورد، به خطاء رفته و مرتکب گناه گردیده است. (۳۵)

۱۴- شیخ مفید در ارشاد می گوید: روزه چهار قسم هست: واجب ... و مستحب که روزه عاشورا از روی اندوه و ناراحتی. (۳۶)

۱۵- محقق محمد باقر سبزواری در کفایة الاحکام می‌نویسد: روایات دربارهٔ روزه روز عاشورا، اختلاف دارد. بعضی از روایات مفادشان استحباب هست و اینکه روزه این روز کفّاره یک سال- گناه- می‌باشد. دسته دیگر از روایات مفادشان منع از روزه عاشور است و اینکه هرکس در این روز، روزه بجای آورد، بهره‌اش از آن روز، همان بهره‌ای است که ابن مرجانه و آل زیاد بردند و آن آتش است.

و شیخ طوسی در استبصار بین اخبار جمع نموده و گوید: کسی که در روز عاشورا

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۳۳

به صورت حزن و اندوه بر مصایب آل محمد علیهم السلام و سختی‌هائی که عترت پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم دچار شدند، روزه بدارد، به طریق صواب رفته است...

که این وجه جمع بعید نیست و در بعضی از روایات آمده که: افطار تو باید بعد از عصر به اندازه یک جرعه آب باشد. (۳۷)

۱۶- شیخ محقق، محمّد حسن نجفی صاحب جواهر می‌نویسد: امّا روزه‌های مستحب...

روزه‌هائی که مستّحب مؤکّد هستند، چهارده قسم می‌باشند ... هشتم: روزه روز عاشورا هست که هیچ‌گونه اختلافی در استحبابش نیافتم و بلکه ظاهر عبارت غنیه، اجماع بر این استحباب منعقد می‌باشد. و دلیلش: روایت ابی همّام از ابو الحسن و روایت عبد اللّه بن میمون قدّاح از جعفر از پدرش و خبر مسعدهٔ بن صدقه از امام صادق علیه السّلام و روایت کثیر النّواء از امام باقر علیه السلام می‌باشد.

امّا مصنّف- صاحب شرایع- و گروهی از علماء، استحباب روزه عاشورا را مقید به صورت حزن و اندوه نموده‌اند که شخصی به جهت حزن و ناراحتی بر مصائب سیّد جوانان اهل بهشت و اتفاقاتی که در این روز به وقوع پیوست، که شایسته هست، در این روز، روزه بگیرد. نه اینکه روزه‌اش از جهت تبرک و شکر، همچنانکه بنی امیّه، انجام می‌دادند، باشد.

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۳۴

و به این طریق شیخ طوسی و شیخ مفید و دیگران بین روایات مانعه و روایاتی که جواز روزه عاشورا را صادر کرده بود. جمع نمودند. و از طرفی این نظریه با ظاهر اتفاق اصحاب منافات دارد که حرمت صوم عاشورا، منحصر در غیر آن موردی هست که در وجه الجمع ذکر نمودند. لکن در جواب می‌توان گفت: نهایت چیزی که از نصوص مانعه می‌توان فهمید کراهت هست. مخصوصا در آن روایتی که بین صوم عاشورا و صوم دوشنبه و روز عرفهٔ جمع نموده است. لذا، مذموم و منهی بودن روزه روز عاشورا، آنجائی هست که به مانند اعتقاد مخالفین که از روی تبرک و اظهار شادمانی روزه می گرفتند، روزه به جای آورده شود. امّا مطلق صوم در این روز، هیچ‌گونه نهی‌ایی به دنبال ندارد.

و اینکه روزه گرفتن در روز عاشورا همانند روزه عید و ایام تشریق می‌باشد.

و گر بر امثال کسانی مثل زراره و محمد بن مسلم، حکم اصل روزه عاشورا مخفی نبوده است تا سئوالشان از حضرت علیه السلام در این مورد باشد. البته ممکن است گفته شود، که روزه عاشورا مؤکد نیست، چون روزه گرفتن در این روز در صورت، با روزه دشمنان خدا، یکی می‌شود گرچه از جهت نیّت فرق دارد.

که می‌توان در جواب گفت: شاید چنین روزهٔ اصطلاحی برای کسی باشد که متمکّن از

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۳۵

افطار و لو از جهت تقیّه نمی‌باشد لذا، قصد وجه مذکور می‌نماید- روزه به جهت حزن بر -...

و نیتش بدون قصد و وجه مذکور نباید باشد. و این نفی تأکّد روزه عاشورا با توجه و اهمیّت، خبر عبد الله بن سنان از امام صادق علیه السلام و خصوصا با توجه به آنچه که از میثم تمّار نقل شده ... که دلالت می کنند بر کذب حوادثی از امت‌های گذشته- مثل خروج یونس از شهر- در این روز می‌باشد به همین جهت روایتی که کثیر النواء ذکر کرده که در بردارندهٔ حوادثی از گذشته در این روز بوده، ضعیف می‌باشد. علاوه بر آن، گفته شده که وی، تبری عامّی می‌باشد و امام صادق علیه السلام در دنیا و آخرت از وی تبرّی جسته است.

بهرحال، شکی در جواز روزه روز عاشورا مخصوصا به آن وجهی که اصحاب ذکر کرده‌اند، نیست. و آنچه که صاحب کتاب مسالک در تفسیر سخن فقهاء که گفتند: باید روزه به جهت حزن و اندوه باشد- گفته است مراد: همچنانکه در خبر آمده امساک از خوردن و آشامیدن تا عصر می‌باشد، ضعفش روشن است.

و حتی با اندک تأمل می‌توان قطع به فساد گفته‌ها وی، پیدا نمود. (۳۸)

مؤلف: مراد مرحوم محقق نجفی رحمهٔ اللّه علیه آن است که تفسیری که شهید ثانی از کلام فقهاء نموده و گفته‌اند، مرادشان از روزه عاشورا، فقط امساک از خوردن و آشامیدن هست و نه صوم اصطلاحی، تفسیر درستی نیست، چون ظهور و

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۳۶

و حتّی صراحت کلام فقهاء، چنین توجیه و تفسیر را پذیرا نیست. البته، ما منکر آن نیستیم که جمعی از فقهای ما تصریح کردند که مراد از صوم روز عاشورا، امساک از خوردن و آشامیدن تا عصر می‌باشد که به زودی اقوالشان، نقل خواهد شد، لکن این بمعنای ارجاع سخنان همه فقهاء به تفسیر مذکور نیست.

سخنان و دلایل کسانی که معتقد به استحباب امساک تا عصر عاشورا هستند.

۱- شهید ثانی علیه الرحمهٔ در شرح نظر مرحوم محقّق که گفته: از جمله روزه‌های مستحبی، روزه روز عاشورا به جهت حزن و اندوه می‌باشد، می‌نویسد: اینکه ایشان قید جهت حزن و اندوه را مطرح کرده، می‌خواهند اشاره کنند به این مطلب که روزه روز عاشورا، روزهٔ شرعی معتبر نیست، بلکه صرف امساک از خوردن و آشامیدن بدون نیّت روزه می‌باشد، چون روزه این روز، همچنانکه روایات می گوید، روزه‌ای متروک می‌باشد. و اینکه در روایتی از امام صادق علیه السّلام نقل شده که آن حضرت فرمود: روزه

بگیرید این روز را امّا نه تا شب و افطار کنید اما نه از باب اینکه ناراحتی اهل بیت را طلب کنید و افطارت باید بعد از عصر باشد، مراد این است که شما تا بعد از عصر مفطّرات را ترک کرده و همچنان به حالت حزن و مصیبت باقی بمانید. و سزاوار هست که این امساک، چون عملی عبادی هست،

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۳۷

بـه همراه نیّت باشـد. (۳۹). ۲- محقّق کرکی در شـرح سـخن علامه در قواعـد که گفته بود، روز عـاشورا را به خـاطر انـدوه، روزه بداریـد، می گویـد: یعنی روزه روز عاشورا، روزه‌ای شـرعی- اصـطلاحی- نیست، بلکه مجرّد امساک بدون نیّت صوم می‌باشد چون روزه این روز، همچنانکه روایت می گوید، متروک هست. لذا، مستحب هست امساک از خوردن و آشامیدن، به خاطر حزن و اندوه تـا بعـد از عصـر. و روزه گرفتن در این روز، از شـعارهای بنی امیّه لعنهم اللّه تعالی هست که بخاطر شادمانی به قتل امام حسـین علیه السلام، آن را بجای می آورند. (۴۰)

۳- علّامه حلّی می‌نویسد: روزه روز عاشورا از جهت ناراحتی بر مصـیبتی که بر اهل بیت علیهم السلام وارد شد و نه از جهت تبرک، مسـتحبّ هست، چرا که، این روز، روز کشـته شدن یکی از دو آقای جوانان اهل بهشت یعنی حسـین بن علی- صـلوات اللّه علیه- و هتک حریم وی می‌باشـد. لذا بخاطر این مصـیبت بزرگ که بر اهل بیت علیهم السـلام وارد گشت، سـزاوار هست که در این روز از خوردن و آشامیـدن، صـرف‌نظر شود. بـا توجه به این مطلب، شایسـته هست که تمـام آن روز، روزه بجـای آورده نشود بلکه بعـد از عصر، روزهٔ خود را افطار نماید،

چون روایتی از امام صادق علیه السـلام نقل شده که حضرت فرمودند: روزه عاشورا بواسطهٔ نزول ماه رمضان متروک گشته، و انجام چیزی که ترک گشته، بدعت محسوب می‌شود. (۴۱)

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۳۸

۴- و نیز می‌نویسـد: مسـتحب است نـه روز- اول- محرّم روزه بجـای آورده شـود و زمـانی کـه روز دهـم فرا رسـید، از خـوردن و آشامیدن تا بعد از عصـر امساک نماید و سپس مقداری از خاک تناول نماید. (۴۲) ۵- شهید اوّل می گوید: درباره روزه عاشورا، در اینکه تمام روز را با حالت حزن و انـدوه یا تا موقع عصـر و یا اساسا روزه این روز را ترک کنـد، روایاتی نقل شـده است. در روایتی آمـده است، عاشورا را روزه بداریـد اما نه تا شب و روزه آن روز را افطار کنیـد اما نه در حالتی که خواهان بدحالی اهل بیت علیهم السلام باشید.

که از این روایت استحباب ترک مفطّرات نه از باب روزه حقیقی، فهمیده می‌شود که چنین امری، بجای آوردنش نیکو هست. (۴۳)

۶- و نیز می گویـد: مستحب هست روزهٔ نه روز اول محرّم و زمانی که روز دهم فرارسـید، بدون اینکه نیّت روزه کند، بعد از عصـر افطار نماید. و نیّتش فقط امساک از خوردن و آشامیدن، در آن روز باشد. (۴۴) ۷- مرحوم مقدّس اردبیلی می‌نویسد: بعید نیست که مجرد امتنـاع از خوردن و آشامیـدن، مثل سایر مشـتهیات، که به صورت روزه نباشـد، مسـتحب باشـد. و در این جهت- یعنی صـرف امتناع- فرقی نیست تا بخاطر عدم صدق روزهٔ اصـطلاحی بعد از عصر افطار کند- همچنانکه مشهور همین کار را انجام می‌دهند و یا تا شب بر مجرد امتناع باقی باشد

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۳۹

لـذا امکان دارد، مثل چنین متنی را بر اسـتحباب حمل کنیم، همچنانکه ظاهر همین هست و نیز می‌توان بر آنچه که بعدا ذکر خواهد شد حمل نمود. پس خوب دقت بنما (... ۴۵)

۸- شـیخ بهـائی معتقـد است: سـیزدهمین روزهٔ مسـتحب، روزه روز عـاشورا هست. که این روزه، در روز دهـم محرم تـا زمـان عصـر می‌باشد سپس با آب یا تربت کربلا به نیّت شفاء، آنهم به شرط آنکه به اندازهٔ یک نخود بیشتر نشود، افطار نماید. (۴۶)

۹- سبزواری می گوید: عمل به مضمون این روایت یعنی روایت ابن سنان، که از امام صادق علیه السلام نقل شده است، نیکو می‌باشد، و گویا مقصود بعضی از اصحاب همین می‌باشد، مگر اینکه مقصود بعضی از اصحاب خلاف آنچیزی هست که گروهی از فقها به آن تصریح نمودند. (۴۷)

۱۰- مرحوم فیض کاشانی معتقد است: اولی ترک روزه روز عاشورا درهرحال می‌باشد. چون ترغیب به روزه روز عاشورا، موافق با عمل مردم عامّه می‌باشد که آن را به ائمه علیهم السلام اسناد می‌دهند، درحالی‌که این نشانه‌های تقیّه است لذا، نباید بر طبق آن عمل نمود. و نیز روزه عاشورا بواسطه روزه ماه رمضان متروک گردید و انجام عمل متروک، بدعت شمرده می‌شود.

و اگر ترغیب به روزه این روز بر امساک از مفطّرات در طول روز بدون اینکه منتهی به شب بشود آنهم بخاطر حزن و اندوه، همچنانکه در بعضی از روایات آمده، نیکو می‌باشد. که همین را،

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۴۰

صاحب تهذیبین در مصباح المتهجّد از عبد اللّه بن سنان از ابی عبد الله علیه السلام نقل نموده که راوی از روزه روز عاشورا سئوال میکند و حضرت در جواب می گوید: این روز را روزه بگیر اما نه تا شب (... ۴۸) ۱۱- صاحب کتاب مفاتیح آورده است: از جمله مستحبات، روزهٔ تأدیب می‌باشد. روزهٔ تأدیب امساک از خوردن و آشامیدن در بخشی از روز بخاطر تشبّه به روزداران، می‌باشد. و چنین روزه‌ای با روایات و اجماع در هفده جا ثابت گشته است: ۱- مسافری که به خانه‌اش رسید ... و اظهر آن است که روزه روز عاشورا از همین قبیل می‌باشد، چون روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده که آن حضرت فرمودند: روز عاشورا، روزه بگیرید اما نه تا شب و آن را افطار کنید درحالی‌که خواهان بدحالی اهل بیت علیهم السلام نیستید.

و بخاطر اعتبار سند این روایت، شایسته است که بر طبق این حدیث عمل گردد. (۴۹)

۱۲- و نیز می گوید: مستحب هست روزه گرفتن در روز عاشورا، بخاطر اندوه و ناراحتی از مصیبتی که بر اهل بیت علیهم السلام وارد شد، تا بعد از عصر. (۵۰)

۱۳- شیخ حرّ عاملی گوید: روزه روز نهم و دهم از محرّم به قصد تبرک و نه به نیت حزن و اندوه، حرام می‌باشد. (۵۱)

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۴۱

۱۴- مرحوم مجلسی معتقد است: امّا روزه روز عاشورا؛ روایات در این مورد، اختلاف دارند. که مرحوم شیخ رحمهٔ اللّه علیه بین آنها به این صورت جمع نمود که هرکس در روز عاشورا به خاطر حزن و اندوه بر مصائبی که بر آل محمد علیهم السلام وارد شد، روزه بدارد، به طریق صواب رفته است ... اما اظهر نزد من آن است که: اخبار وارده در فضل روزه عاشورا حمل بر تقیّه می گردد و آنچه که مستحّب هست امساک از خوردن و آشامیدن به صورت حزن تا عصر می‌باشد که روزه اصطلاحی بر آن صدق نکند. همچنانکه این مطلب را شیخ در مصباح المتهجّد از عبد الله بن سنان از ابی عبد اللّه علیه السلام نقل فرموده است که حضرت می‌فرماید: روز عاشورا را روزه بدارید امّا نه تا شب. و خلاصه اینکه احتیاط ترک روزه عاشورا به طور مطلق می‌باشد. (۵۲)

۱۵- مرحوم کاشف الغطاء می‌نویسد: درباره روزهٔ روز تاسوعا و عاشورا، وارد شده که روزه آن- دو روز- معادل یک سال روزه گرفتن می‌باشد. و اولی آن است که روز دهم روزه گرفته نشود مگر تا یک ساعت بعد از نماز عصر. و سزاوار هست بر روزه‌دار که در این زمان با جرعه‌ای از آب، افطار بنماید. (۵۳)

۱۶- طعّان در رساله عاشورائیه می‌نویسد: آنچه که مشهور به آن تمایل پیدا کردند،

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۴۲

منهدم‌کنندهٔ ارکان و ویران‌کنندهٔ بنیان می‌باشد. اما استدلالی که برای مشهور آورده شد نفی خلاف و اجماع منقول و اخبار می‌باشد. درحالی‌که همهٔ این ادّله، ضعیف هستند.

امّا وجه مخدوش بودن، نفی خلاف و اجماع منقول آن است که اگر کسی، هر چند در این مورد تحقیق کند و فهم خود را بالا ببرد، متوجه می‌شود که اختلاف زیادی در مسئله وجود دارد بطوری که مناط حجیّت که همان کشف از نظر معصوم علیه السلام می‌باشد، بطورکلی، مخفی می‌باشد. امّا اخبار: اجمالاً باید گفت این اخبار با اخبار و روایاتی که از حدیث سند قوی و از حیث عدد، کثیر می‌باشند، و از حیث موافقت با مذهب مخالفین فاصله زیاد دارد، در تعارض هستند. و روایات فراوانی از ائمه علیهم السلام در بیان میزان ترجیح خبر، وارد شده که معیار را این‌طور معرفی کردند: هر روایتی که موافق با عقائد آن اشرار می‌باشد، طرد شود که رشد در عمل به خلاف معتقدات آن فجّار می‌باشد.

و این اخباری را که مشهور به آن استناد نموده‌اند، موافق با مذهب مخالفین – لعنهم الله تعالی – می‌باشد و لذا، از درجه اعتبار، ساقط می‌شوند (... ۵۴)

وی بعد از نقل کلام شهید در مسالک، در نقد نظر وی می گوید:

لکن سخن شهید، در نهایت بعد بوده و با قواعد مشهور، در نهایت تنافی می‌باشد.

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۴۳

چون آنچه که نزد مشهور فقهاء مسلّم هست اینکه اسماء عبادات که در زبان متشرعه جاری هست، حمل بر معانی شرعیه می گردد نه بر معانی لغویّه. و از طرفی در اصل مسئله بین علماء امامیه از قدیم تا حال، اختلاف وجود دارد، و لذا، حتی وجهی که مرحوم شهید ذکر کرده است صحیح باشد، باز اختلاف از اساس منتفی نیست و البته امکان دارد صیامی که در کلمات پیامبر و ائمه اعلام آمده است به آن معنائی که در روایت صحیحه – ابن سنان – آمده، حمل کنیم، که چنین حملی یا از این جهت هست که، حقایق شرعیّه ثابت شده نیست، و یا بنابراین است که ما حقایق شرعیه داریم و امّا از این معنا به معنای ثانوی نقل داده شده است. اگر شقّ ثانی را قبول کنیم، مشروط به این است که قرینهٔ معیّنه‌ای برای معنای اصلی لغوی وجود نداشته باشد.

درحالی که چنین قرینه وجود دارد و مانع از نقل می‌باشد. و این قرینه گرچه قرینهٔ مقالیّه داخلیه نیست اما قرینهٔ حالیّه خارجیّه وجود دارد و آن نهی از صوم شرعی در اخباری هست که از حیث دلالت و سند قوی می‌باشند. (۵۵)

۱۷– مرحوم سیّد علی طباطبائی صاحب ریاض می‌نویسد: روزهٔ روز عاشورا به خاطر اندوه بر مصیبت‌هائی که بر آل محمد علیهم السلام وارد گشته، مستحب می‌باشد و در این استحباب اختلافی نیافته‌ام و بلکه در غنیه بر این مسئله ادعای اجماع شده است.

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۴۴

بعضی‌ها گفته‌اند: روزه روز عاشورا استحبابش از جهت حزن بر مصائب آل محمّد – علیهم السّلام – از جمع بین روایاتی که دستور به روزه عاشورا می‌داد و اینکه چنین روزه‌ای کفّاره یک سال – گناه – هست و بین روایاتی که می گوید، هرکس در این روز روزه بگیرد، بهره‌اش از این روز، همان بهره‌ای هست که آل زیاد و ابن مرجانه – علیهم اللعنهٔ در این روز برده‌اند می‌باشد، بدست می آید. درحالی که هیچ روایتی چنین جمعی را شهادت نمی‌دهد. بلکه در بعضی از اخبار مانعهٔ خلاف این جمع نمودن، وجود دارد، که البته همانند سایر اخبار مانعه، از حیث سند منقّع نیست.

لذا، بواسطه آن، نمی‌توان فتوا به تحریم و کراهت داد. و بوسیله این اخبار نمی‌توان عموماتی که استحباب صوم را به نحو مطلق ثابت می کند و آن را سپر آتش می‌داند، تخصیص زد. لذا، در استحباب مقید (به حزن) فتوای اصحاب به کمک اجماع که صاحب غنیه ادعا نموده است، کفایت می کند. لکن چنین نظریّه با مراجعه به وجدان، بعید به نظر می‌رسد. مخصوصا عده‌ای از فقهاء براساس روایت، صوم بخاطر حزن را، به استحباب امساک از مفطّرات – خوردن و آشامیدن – تا عصر تفسیر نمودند که شایسته آن است، بر طبق همین تفسیر عمل شود. (۵۶)

۱۸– مرحوم نراقی می گوید: از جمله روزه‌های مستحبّ، روزه روز عاشوراست،

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۴۵

چرا کـه جمعی از اصـحاب امـامیّه قائـل بـه اسـتحباب روزه روز عـاشورا به صـورت حزن و مصـیبت شده‌انـد. و بلکه گفته شـده که اختلافـی در این نظریه وجود نـدارد. درحـالی‌که هیـچ روایتی چه از گروه اخبـار مـانعه و چه از گروه اخبار مجوزّه بر این تقییـد- به صـورت حزن- دلالـت نـدارد. و برای جمعی که بین دو طـایفه از اخبـار اظهـار نمودنـد، شاهـدی نیست ... بلکه مقتضـی این است: اخباری را که صوم روز عاشورا را تجویز نموده، بخاطر اینکه موافقت دارد با اعتقادات خبیث‌ترین مردم عامّه، از اساس، طرح و طرد می‌شونـد و لـذا در کتاب وافی، اولی را در ترک روزه روز عاشورا دانست. و بعضـی از اساتید ما، روزه عاشورا را حرام دانسـتند که این نظر در نهایت حسن می‌باشد. که حرمت این روزه بخاطر خصوصیتی هست و گرنه از جهت مطلق صوم حرمتی ندارد. و از طرفی چون این اخبـار مانعه در کتب معتبره ذکر شـده است و در میان آنها اخبار صـحیحه وجود دارد، ضـعف سـندی بعضـی از این اخبار ضرری وارد نمی‌سازد. و اشـکال نشود که این نظریه مخالف با مشـهور هست و کسـی قائل به حرمت صوم از اساس نشده است و از طرفی این نظریه با اخباری که اسـتحباب مطلق صوم را ثابت می‌کرد، معارض است. چرا که در جواب می‌گوئیم، همهٔ این اشـکالات زمانی وارد هست که ما از اساس و به طور کلی روزه این روز را تحریم کنیم. درحالی‌که ما

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۴۶

حرمت روزه این روز را بخاطر خصوصـیّتی حرام می‌دانیم و آن اینکه بنی امیـهٔ خـذلهم اللّه تعالی- روزه این روز را سنّت می‌داننـد. لـذا، وقتی که حرمت از جهت خصوصـیت بوده، هیـچ‌گونه مخالفتی با مشـهور نشـده و با اخباری که اسـتحباب مطلق صوم را اثبات می‌کرد، در تعارض قرار نگرفته‌ایم.

پس حقّ آن است که روزهٔ روز عاشورا از این جهت حرام است چرا که نزد آل محمد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم- بدعت و متروک شمرده می‌شود و اگر کسـی این روز را از جهت رجحان مطلق صوم، روزه بدارد، مرتکب بدعت نشده، گرچه مرجوحیّت نسبی این روزه ثابت هست. و اولی عمل به روایت شیـخ در مصباح المتهجّد می‌باشد. اما آنچه که در روایت کثیر النواء از فضائل روز عاشورا وجود دارد با روایتی دیگر که در کتاب مجالس صدوق در تکذیب روایت کثیر النواء وجود دارد، در تعارض می‌باشد. (۵۷)

۱۹- محقّق قمی می‌نویسـد: هیچ‌گونه اشـکالی در این جهت وجود ندارد که روزه روز عاشورا از جهت تیمّن و تبرّک، حرام است و بلکه منتهی به کفر می‌گردد. و اخبار مسـتفیضه‌ای نقل شده که هرکس در این روز از جهت تیمّن و تبرک روزه بدارد در سلک آل زیـاد- لعنهم اللّه تعـالی- قرار می‌گیرد. و نیز اشـکالی در اسـتحباب امسـاک از خوردن و آشامیـدن و نـاراحتی بر مصـائبی که بر آل محمد- صلوات اللّه علیهم اجمعین- در روز عاشورا نیست.

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۴۷

اشکال فقط در استحباب صومی هست که نه به قصد تیمّن و نه به عدم قصد تیمّن باشد.

و آنچه که استحباب دارد امساک از خوردن و آشامیدن تا عصر و سپس با جرعه‌ای از آب افطار شود.

و از سخنان مرحوم محقق در شرایع، استحباب صوم واقعی آنهم به صورت حزن و اندوه، بدست می‌آید. همچنانکه صاحب مدارک همین گفته را از کلمات محقق در شرایع فهمیده است.

که شایـد نظر مرحوم محقّق، به فتوای فقهاست که صوم روز عاشورا را از جهت حزن و انـدوه بر مصائب آل محمد- علیهم السـلام- مسـتحب دانسته‌اند. که قبول چنین فتوائی مشکل به نظر می‌رسد، چون در اینکه مراد از این عبادت چیست؟ اشکال و اختلاف وجود دارد.

آیا همان روزه واقعی- اصطلاحی هست یا مجرد امساک از خوردن و آشامیدن تا عصر؟

...امـا جریـان روزه رسول خـدا- صـلّی اللّه علیه و آله و سلّم، در روز عاشورا، احتمال دارد که منسوخ شـده باشـد ... و بر صـرف

امساک از خوردن و آشامیدن به خاطر حزن و اندوه تا عصر، روایتی وجود دارد که شیخ در مصباح المتهجّد آن را نقل نموده و ظاهر اینکه همین صحیح می‌باشد. (۵۸) ۲۰- و نیز می گوید: اشکال در ترجیح صوم شرعی به صورت تحزّز یا امساک تا عصر، باقی می‌ماند و ظاهرا، هر دو صورت مورد رضایت می‌باشد لکن شق دوّم که امساک تا عصر باشد، ارجح می‌باشد و به همین دلیل، مرحوم کلینی در

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۴۸

جواز روزه عاشورا، هیچ روایتی ذکر نکرد و به ذکر اخبار مانعه اکتفا نمود. و همین کار را بسیاری از فقهاء انجام دادند. لذا، قول به حرمت فقط آنجائی هست که روزه به قصد تیمّن و تبرک باشد، همچنانکه دشمنان اهل بیت، روزه این روز را بخاطر سرور و تیمن و تبرک بجای می‌آوردند.

پس روزه‌ای در روز عاشورا حرام است که به قصد تیمّن باشد. و روزه‌ای در آن روز مستحب هست که چون آن روز، ایام اللّه می‌باشد و یا از حیث اینکه بقصد تحزّن و ترک لذت باشد، بجای آورده شود و روزه‌ای در آن روز کراهت دارد که چون روز عاشوراست. و نه بخاطر تبرک و تیمّن و نه بخاطر تحزّن- که اگر بخاطر تبرک و تیمن باشد، حرام است و اگر بخاطر تحزّن باشد مستحب هست- و این کراهت جهت‌اش این است که در صورت عمل، به حرامزاده‌گان و دشمنان آل محمد- علیهم السلام- تشبّه پیدا می‌شود. (۵۹) ۲۱- مرحوم جبل عاملی در مفتاح الکرامهٔ می‌نویسد: اینجا فوائدی باید گفته شود.

فائده اوّل: شیخ طوسی رحمهٔ اللّه علیه در مصباح المتهجّد از امام صادق علیه السلام نقل می کند که حضرت علیه السلام فرمودند: عاشورا را روزه بگیر امّا نه تا شب و روزه را در آن روز افطار کن بدون اینکه بدحالی اهل بیت را خواهان باشی. و آن روز را تماما، روزه نگیر.

و باید افطار تو به لحظه‌ی بعد از عصر با جرعهٔای از آب باشد...

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۴۹

و سزاوار هست که بخاطر معتبر بودن سند این روایت به مضمون آن عمل شود. امّا امساک از خوردن و آشامیدن به صورت فوق که در روایت آمده، صوم اصطلاحی نامیده نمی‌شود. (۶۰) ۲۲- مرحوم والد- رحمه اللّه تعالی- می‌نویسد: امّیا سخن در روزه مستحبّی...

از جمله روزه‌های مستحبّی، روزه روز عاشورا که مقتل آقای مظلومان می‌باشد، به صورت حزن و اندوه باشد. که گروهی از اصحاب استحباب روزه عاشورا را مقیّد به حزن و اندوه نمودند که گویا این را وجه جمع بین اخبار مانعه و اخبار مجوّزه، قرار دادند. و من معتقدم که شاهد بر جمع فوق، روایت عبد الملک می‌باشد، که شخص اگر به صورت حزن و اندوه، روزه بگیرد، اشکالی ندارد امّیا مشروط بر اینکه روزه‌اش تا شب طول نکشد و بعد از عصر، افطار نماید. که بر همین وجه جمع، روایتی که شیخ در مصباح المتهجّد از عبد اللّه بن سنان از ابی عبد اللّه علیه السلام نقل کرده، دلالت دارد.

و انصاف آن است که این روایت- عبد الله بن سنان- از جمله روایاتی هست که آثار صدق از آن می‌درخشد و سزاوار هست که بر این روایت استناد و اعتماد نمود. و اللّه العالم (۶۱) مؤلّف: اما مرحوم والد تعلیقه‌ای بر کلام استاد خود مرحوم اصفهانی در بحث روزهٔ مستحب دارد که می گوید: روز اوّل و سوم و هفتم و بلکه در همهٔ روزهای محرّم، روزه گرفتن استحباب دارد. (۶۲)

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۵۰

اما شاید مقصود ایشان غیر از روز عاشورا می‌باشد، چون نظر ایشان همچنانکه بیان گردید، استحباب امساک از خوردن و آشامیدن تا عصر عاشورا می‌باشد.

فرع: سئوال: حکم روزه نذر معیّن یا غیر معیّن و یا به جای آوردن روزهٔ قضاء به سبب ضیق وقت، در روز عاشورا، چگونه هست؟

مرحوم محقّق قمی در جواب می‌فرمایـد: اگر صوم روز عـاشورا به سـببی مثل قضاء رمضان باشـد که مثلا بخاطر ضـیق وقت در سایر ایـام فقـط در این روز می‌توانـد روزه بگیرد، چنین روزه‌ای بجای آوردنش در روز عاشورا هیـچ گونه کراهتی نـدارد و حتی ترکش، حرام هست. و نیز نذر کرد که اگر فلان حاجت برآورده شود یک روز در ایام سال روزه بدارد و اتفاقا در طول سال نمی‌تواند روزه بگیرد به غیر از روز عـاشورا، اینجـا نیز بایـد روزهٔ خود را در این روز اتیان نمایـد. و اگر نـذرش معین بود ولی از جهت روز عاشورا نبود مثلا نذر کند که اگر عاشورا در روز پنج‌شنبه واقع شد، آن روز را روزه بگیرد، این هم جای اشکال نیست. امّا اگر نذرش معین بود از این جهت که روز عاشوراست چنین نذری موقوف بر رجحان می‌باشد- چون اگر متعلّق نذر مرجوح باشد، نذر صحیح نیست لذا، این نذر مقبول نیست و در آنجائی که نذر کند تمام ماه محرّم را روزه بگیرد، درحالی که

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۵۱

غافـل از این است که روز عـاشورا در محرّم واقع شـد، این نظر محـلّ اشـکال است که آیـا رجحـان دارد یـا رجحـان نـدارد. به نظر می‌رسـد که در هر دو مورد آخری، نـذر منعقـد می‌شود و بایـد بر طبقش عمـل نمود- چون شـخص که به صورت فوق نـذر کرده، بخـاطر خصوصـیّت روز عـاشورا که همان تبرک و تیمّن جسـتن به این روز، نمی‌باشـد بلکه چون روزی از روزهای خداونـد هست، روزه نـذر نموده است. که این مطلب بـا مراجعـهٔ فرد به وجـدان خود مشـخص می گردد که چرا در این روز، نـذر روزه نموده است. وقتی در حال خود تفحّص و جستجو می‌نماید یقین دارد که بحث تبرک و تیمّن نیست و اصـلا این مفاهیم در ذهنش خطور ننموده است و روزه می گیرد از این جهت که روزی از روزهای سال هست و نه از آن جهت که چون روز خاصّـِی می‌باشد، روزه می گیرم. پس روزه‌اش مرجـوح نیست، و متعلّق نـذر واقع می‌شود. لـذا، روزهٔ حرام در روز عـاشورا، روزه‌ای است که به قصـد تیمّن باشـد. و روزه‌ای مسـتحب هست که چون روزی از روزهـای خداونـد تعـالی می‌باشـد و یـا از جهت نفس روزه یا از این جهت که چون روز تحزن و اندوه می‌باشد.

و روزه‌ای در روز عاشورا کراهت دارد که چون عاشوراست روزه میگیرد.

نه بخاطر اینکه برای تبرک و تیمن باشد، که قطعا روزه با این حالت، حرمت دارد.

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۵۲

و کراهتش به این جهت است که صورت عمل با آنچه که حرامزاده گان و دشـمنان اهل بیت، به جای می‌آورند، شباهت دارد. (۶۳) مؤلـف: البتـه، فرض بر ایـن اسـت که قسم آخر- کراهت بخـاطر شـباهت- حرمت نداشـته باشـد. که در صـورت حرمت نـذر منعقد نخواهد شد، چون متعلّق نذر نباید مرجوح باشد.

سخنان کسانی که قائل به کراهت روزهٔ روز عاشورا هستند

کراهت به معنای قلّت ثواب می‌باشد، همچنانکه مبنای سیّد یزدی می‌باشد و یا بمعنای ملازمت با امر مرجوح یا مزاحمت با امری که آن امر ارجح می‌باشد. همچنانکه مبنای سیّد حکیم و دیگران می‌باشد. و از کلمات سیّد علی طباطبائی در ریاض بدست می‌آید که وی معتقد هست. هیچ یک از فقهاء امامیه قائل به کراهت روزه عاشورا نیست و اگر هم قائلین به کراهت وجود داشته باشند، بسیار کم هست. امّـا ظاهر کلمات معاصـرین و کسانی که قبل از آنها بودنـد، کراهت را می‌رسانـد. که شاهـدش این است، وقتی که سیّد کـاظم طباطـبائی رحمـهٔ اللّه علیه در عروهٔ الوثقی فتوا به کراهت داده، کسـی از فقهـاء متـأخر بر کلام ایشان تعلیقه نزده است. نهایت چیزی که در ذیل فتوای سیّد، ابراز داشتند این است که صرف امساک از اکل و شرب از روی حزن و اندوه تا عصر، جزء روزهٔ

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۵۳

مکروه شمرده نمی‌شود. ۱- مرحوم سیّد یزدی در عروهٔ الوثقی فتوا می‌دهد: امّا کراهت داشتن روزه که بمعنای کمی ثواب می‌باشد،

در مواردی، از جملهٔ آن موارد، روزه روز عاشوراست. (۶۴) ۲- کتاب شریف عروهٔ الوثقی را بسیاری از فقهاء معاصر مانند مرحوم سیّد حکیم و سیّد خوئی و شاهرودی و گلپایگانی و امام خمینی و اراکی حاشیه زدند، (۶۵) با این حال، هیچ یک از این فقهاء بزرگوار بر فتوای سیّد یزدی تعلیقه نزدند و فقط مرحوم شاهرودی- رحمهٔ اللّه علیه- در تفسیر دایرهٔ صوم مکروه گفته است:

مجرّد امساك از خوردن و آشامیدن به خاطر ناراحتی بر مصائبی که بر سیّد الشهداء علیه السلام وارد شده، تا موقع عصر، از صوم مکروه، خارج می‌باشد. لذا، نظر فقهاء مطابق نظر صاحب عروهٔ الوثقی که همان کراهت است، می‌باشد.

۳- مرحوم سبزواری می‌گوید: اما روزهٔ مکروه که بمعنای ثواب اندك داشتن یا سایر معانی که درباره عبادات مکروه گفته شده، از قبیل مزاحمت با مورد افضل و...

دربارهٔ روزهٔ روز عاشورا صادق هست. چرا که در روایتی از امام ابو جعفر علیه السلام وارد شده که آن حضرت فرمودند: آیا پس در آن روز، روزه ثابت می‌باشد؟

هرگز قسم به پروردگار کعبه که آن روز، روز روزه گرفتن نیست. آن روز فقط،

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۵۴

روز اندوه می‌باشد که بر اهل آسمان و زمین وارد گشت. لذا، روایاتی که در فضیلت روزه عاشورا وارد گشته، عمل بر امساك از خوردن و آشامیدن تا موقع عصر آنهم نه به قصد روزه اصطلاحی می‌گردد و یا از اساس حمل بر تقیّه می‌شود. (۶۶)

۴- مرحوم سیّد شهاب الدین مرعشی نجفی می‌نویسد: روزه گرفتن در روز عاشورا، مکروه می‌باشد. (۶۷)

آراء فقهاء اهل سنّت:

نیازی نیست که ما در کلمات فقهاء اهل سنت، استقراء و تتبع کرده و به طور مفصّل به نقل آن بپردازیم، چون آنچه که نزد آنان مسلم و مؤکد هست، نظریّه استحباب روزه عاشورا می‌باشد که به رغم ثبوت کراهت نزد بعضی از صحابه مثل ابن مسعود و ابن عمر، بر استحباب روزه عاشورا، اجماع نمودند. علاوه بر آن این نظریّه با روایتی که از رسول اعظم- صلّی اللّه علیه و آله و سلّم، نقل می‌کنند، منافات دارد. آنان درباره پیامبر نقل می‌کنند که حضرت در ماه شعبان و نه ماه محرم، زیاد روزه می‌گرفتند که با ادعای آنها در مورد فضل روزه ماه محرّم و عاشورا، در تهافت می‌باشد. بعضی از آراء آنان به شرح ذیل می‌باشد:

۱- شوکانی گوید: ابن عمر، قصد روزه روز عاشورا را مکروه می‌دانست. (۶۸)

۲- بیهقی می‌نویسد: عبد اللّه- بن عمر- روز عاشورا را روزه نمی‌گرفت مگر اینکه روزه‌اش

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۵۵

به طور اتفاقی در روز عاشورا واقع می‌شد. (۶۹) ۳- زین الدین حنفی گوید: چیزی از ابن مسعود و ابن عمر روایت شده که دلالت می‌کند بر اینکه، اصل استحباب روزه عاشورا، از بین رفته است. (۷۰) ۴- نووی می‌گوید: اصحاب ما و دیگر اتّفاق بر استحباب روزه عاشورا و تاسوعاء دارند. (۷۱) ۵- ابن قدامهٔ می‌نویسد: روزه عاشورا، کفّاره یکسال- گناه- می‌باشد و خلاصه اینکه، روزه در این دو روز مستحبّ می‌باشد. (۷۲)

۶- ابن حزم گوید: مسألهٔ: روزه روز عاشورا که روز نهم از محرّم می‌باشد، مستحب می‌دانیم. و اگر بعد از روز نهم، دهمین روز را روزه بدارد، نیکوست.

که بر این مطلب، روایتی از ابو قتاده ... و حدیث حکم بن اعرج از ابن عباس و حدیث عطاء از ابن عباس، استدلال شده است. (۷۳)

۷- شوکانی معتقد است: اما روزه ماه محرم، بدلیل روایتی هست که احمد و مسلم و صاحبان کتب سنن از ابو هریره نقل کرده‌اند. از ابو هریره سئوال شد: کدامین روزه بعد از ماه رمضان فضیلتش بیشتر هست؟ گفت: ماه خدا: محرّم و مؤکدترین آن روز

عاشوراست (... ۷۴) و نیز شوکانی گوید: ابن عبد البر، بر استحباب روزه عاشورا، نقل اجماع نموده است و ابن عمر قصد روزهٔ روز عاشورا را، کراهت می‌شمرد. (۷۵)

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۵۶

۸- ابن حجر می‌گوید: روز عاشورا، روز دهم از ماه محرّم می‌باشد. و سزاوار هست که یک روز قبل از عاشورا و یک روز بعد از آن، به خاطر مخالفت با یهود روزه گرفته شود. (۷۶)

۹- صنعانی می‌نویسد: اما روزه روز عاشورا که دهمین روز از ماه محرم می‌باشد، نزد جمهوری از علماء ما، استحباب دارد. چون، روزهٔ این روز قبل از نزول روزه رمضان واجب بود و بعد از وجوب روزه رمضان، مستحب گشت. (۷۷)

۱۰- جزیری معتقد هست: از جمله روزه‌های مستحب، روزه ماه محرّم می‌باشد.

که با فضیلترین آن، روز نهم و دهم محرّم می‌باشد. حنیفه می‌گویند: روزه روز عاشورا، سنّت هست و نه مستحب. اما دانستی که شافعیّه و ضابله موافق بر این نامگذاری‌اند چرا که از نظر آنها فرقی ندارد که بگوئیم روزه عاشورا سنّت است یا مستحب. ولی مالکیه، این وجه از نامگذاری را قبول ندارند چرا که نزد آنها بین مندوب (مستحب) و سنّت، فرق وجود دارد. همچنانکه حنفیّه قائل به فرق بودند. (۷۸)

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۵۷

- ۱): این روایت در اواخر کتاب در فصل اهل بیت علیهم السّلام خواهد آمد.
- ۲): التهذیب ج ۴ ص ۲۹۹/ ح ۹۰۶)
- ۳): غنائم الایام ج ۶ ص ۷۶)
- ۴): التهذیب ج ۴ ص ۳۰۰/ ح ۹۰۷)
- ۵): ملاذ الاخیار ج ۷ ص ۱۱۶)
- ۶): التهذیب ج ص ۲۹۹ ح ۹۰۵)
- ۷): روضهٔ المتّقین ج ۳ ص ۲۴۸)
- ۸): اختیار معرفهٔ الرجال ص ۲۳۰)
- ۹): الموضوعات ج ۲ ص ۲۰۰)
- ۱۰): مستند العروهٔ الوثقی ج ۲ ص ۳۰۴)
- ۱۱): مجمع الفائدهٔ ج ۵ ص ۱۸۹)
- ۱۲): علل الشرایع ج ۱ ص ۲۱۷- در آخر کتاب این روایت مطرح شده است)
- ۱۳): جواهر الکلام ج ۱۷ ص ۱۰۸)
- ۱۴): الحدائق الناضره ۱۳ ص ۳۷۶)
- ۱۵): مرآهٔ العقول ج ۱۶ ص ۳۶۱ و مانند آن در: زاد المعاد ۳۷۸- ۳۸۸)
- ۱۶): جامع المدارک ۲ ص ۲۲۷)
- ۱۷): توضیح المسائل- چاپ اوّل- ص ۴۹۴ مسأله ۱۷۵۵)
- ۱۸): مستند العروهٔ الوثقی ج ۲ ص ۳۰۵)
- ۱۹): اجود التقریرات ج ۱ ص ۳۶۴)
- ۲۰): الهدایهٔ ص ۳۰۳. دار المحّجهٔ البیضاء)

- ۲۱): المقنعة ص ۳۶۷)
- ۲۲): الاقتصاد، الهادی الی طریق الرشاد ص ۲۹۳ نشر جامع چهلستون تهران)
- ۲۳): الرسائل العشر ص ۲۱۸ نشر جامعه مدرّسین)
- ۲۴): التهذیب ج ۴ ص ۳۰۲، استبصار ج ۲ ص ۱۳۵)
- ۲۵): المهذّب ج ۱ ص ۱۸۸)
- ۲۶): الغنیة ص ۱۴۸)
- ۲۷): اشارة السبق ص ۱۲۱)
- ۲۸): سرائر ج ۱ ص ۴۱۹)
- ۲۹): الجامع للشرایع ص ۱۶۲)
- ۳۰): شرایع الاسلام ج ۱ ص ۲۳۸)
- ۳۱): الرسائل التسع ص ۳۵۳ نشر مکتبة النجفی- قم)
- ۳۲): النهایه و نکتها ج ۱ ص ۴۱۴)
- ۳۳): مرآة العقول ج ۱۶ ص ۲۴۶)
- ۳۴): روضة المتّقین ج ۴ ص ۲۳۰)
- ۳۵): منتهی المطلب ج ۲ ص ۶۱۱)
- ۳۶): ارشاد الاذهان ج ۱ ص ۳۰۰)
- ۳۷): کفایة الاحکام ص ۵۰)
- ۳۸): جواهر الکلام ج ۱۷ ص ۸۹- ۱۰۹)
- ۳۹): مسالک الافهام ج ۲ ص ۷۸)
- ۴۰): جامع المقاصد ج ۳ ص ۸۶)
- ۴۱): تذکرة الفقهاء ج ۶ ص ۱۹۲)
- ۴۲): تحریر الاحکام ج ۱ ص ۸۴ مسأله ۱۲۹)
- ۴۳): الدروس الشرعیّه ج ۱ ص ۲۸۲)
- ۴۴): غایة المراد ج ۱ ص ۳۲۹)
- ۴۵): مجمع الفائده ج ۵ ص ۱۸۸)
- ۴۶): جامع عباسی ۱۰۶)
- ۴۷): کفایة الاحکام ص ۵۲۰)
- ۴۸): الوافی ج ۱۱ ص ۷۶)
- ۴۹): مفاتیح الشرایع ج ۱ ص ۲۸۴- همین را شیخ عباس قمی در بدایة الهدایه ج ۱ ص ۲۴۲ آورده است)
- ۵۰): النخبة الفیضیّة ص ۱۴۴- ادوار فقه ص ۱۶۳)
- ۵۱): بدایة النهایة ج ۱ ص ۲۳۸)
- ۵۲): مرآة العقول ج ۱۶ ص ۳۶۱)
- ۵۳): کشف الغطاء ۳۲۳)

- ۵۴): الرسالهٔ العاشورائیّه ص ۲۷۹)

- ۵۵): الرسالهٔ العاشورائیّه (در ضمن رسائل احمدیّه) ص ۲۹۰)

- ۵۶): الشرح الصغیر ج ۱ ص ۲۹۲ و مانند آن در الریاض ج ۵ ص ۴۶۱)

- ۵۷): مستند الشیعهٔ ج ۱۰ ص ۴۸۷)

- ۵۸): غنائم الایام ج ۶ ص ۷۸- ۷۹)

- ۵۹): همان)

طبسی، نجم الدین - مترجم: داداش زاده، مصطفی، روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، در یک جلد، قم - ایران، اول، ۱۴۲۹ ه ق روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی؛ ص: ۱۵۷

- ۶۰): مدارک الاحکام ج ۶ ص ۲۶۸)

- ۶۱): ذخیرهٔ الصالحین ج ۳ ص ۱۱۱/ کتاب الصوم)

- ۶۲): وسیلهٔ النجاهٔ ۱۷۵)

- ۶۳): غنائم الایام ج ۶ ص ۸۰)

- ۶۴): العروهٔ الوثقی ص ۳۷۶ دار الکتب الاسلامیه- تهران)

- ۶۵): العروهٔ الوثقی ج ۲ ص ۷۱- نشر دار التفسیر)

- ۶۶): مهذّب الاحکام ج ۱۰ ص ۳۴۹)

- ۶۷): رساله توضیح المسائل ۲۷۴ شماره ۱۷۵۶)

- ۶۸): نیل الاوطار ج ۴ ص ۲۴۳)

- ۶۹): السنن الکبری ج ۴ ص ۴۸۰)

- ۷۰): لطائف المعارف فیما لمواسم العام من الوظائف ص ۱۰۲)

- ۷۱): المجموع ج ۶: ص ۳۸۳)

- ۷۲): المغنی ج ۳ ص ۱۷۴)

- ۷۳): المحلّی ج ۷ ص ۱۷. التهذیب ج ۳ ص ۱۹۱)

- ۷۴): الدراری المضیئهٔ ج ۲ ص ۲۷)

- ۷۵): نیل الاوطار ج ۴ ص ۲۴۳)

- ۷۶): بلوغ المرام ص ۲۶۸)

- ۷۷): سبل السلام ج ۲ ص ۱۶۷)

- ۷۸): الفقه علی المذاهب الاربعهٔ ج ۱ ص ۵۵۶. التاج الجامع للأصولی ج ۲ ص ۹۰)

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۶۰

بخش چهارم: دروغ‌ها و دیدگاهها

اشاره

۱- احادیث دروغین درباره سخاوت ورزیدن نسبت به خانواده و سرمه کشیدن در روز عاشورا

۲- برخورد اهل بیت علیهم السلام با اینگونه از سخنان دروغگویان

۳- چگونه نسئی با روزهٔ عاشورا قابل جمع می‌باشد؟

۴- اصرار و تاکید بر مطلبی اشتباه

۵- عاشورا عید اموی‌ها

۶- معاویهٔ- لعنهٔ اللّه علیه- روز عاشورا را عید اعلان کرد.

۷- وظایف شیعهٔ در روز عاشورا

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۶۱

احادیث دروغین دربارهٔ سخاوت ورزیدن نسبت به خانواده و سرمه کشیدن در روز عاشورا:

دشمنان رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و خاندان گرامی آن حضرت، احادیثی به دروغ در فضل روز عاشورا جعل کرد، و ستمکارانه به آن حضرت، نسبت دادند.

که مفاد برخی از این گونه احادیث دروغین به شرح ذیل می‌باشد:

توسعه بر خانواده و از روی سخاوت با آنان برخورد نمودن، در روز عاشورا، فضیلت دارد.

و اینکه خوب هست در این روز، سرمه کشیدن، و روغن مالی نمودن موی سر، و استفاده از بوهای خوش و نیز آراستن ظاهری و...

که تمامی این روایات از جمله روایاتی می‌باشد که از جنبه سند ضعیف و دارای متون و محتوائی غریب هست و علمای عامّه با صراحت بیان داشتند که این احادیث از ساخته‌های نادانان اهل سنت می‌باشد. عینی می گوید: این احادیث را دروغگویان، جعل کرده‌اند.

ابن جوزی تصریح نموده است: در میان این احادیث، دروغهائی وجود دارد که پوست بدن انسان از آن به لرزه درمی‌آید. حاکم نیشابوری و دیگر از علمای عامّه نوشتند:

این نوع از روایات را قاتلین حسین- بنی امیّه لعنهٔ الله علیهم- جعل کردند.

این تصریحات و اعترافات مهم، ما را بی‌نیاز می کند از اینکه در سند این گونه از اباطیل،

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۶۲

به کنکاش پرداخته و وقت خود را در آن صرف نمائیم. لذا، به نقل برخی از این جعلیات پرداخته و سپس نظر علماء اهل سنّت را در پیرامون آن، بیان می‌نمائیم:

۱- شوکانی نقل کرده است: هرکس در روز عاشورا بر عیال و خانوادهٔ خود از در سخاوت وارد شود و بر آنان وسعت و راحتی بخشد، خداوند، بقیّه سال را با او از در وسعت و سخاوت وارد خواهد گردید. طبرانی این روایت را به صورت مرفوع از انس نقل نموده است و در سندی که وی این حدیث را نقل کرده، هیصم بن شداخ قرار دارد که فردی مجهول می‌باشد. و عقیلی این روایت را از ابو هریره نقل نموده و درباره سلیمان بن ابی عبد اللّه که در سند واقع شده، او را مجهول توصیف نمود. و حدیث را غیر محفوظ قلمداد کرد.

در لئالی آمده است: حافظ ابو الفصل عراقی در امالی خود می گوید: گاهی حدیثی از چند طریق از ابو هریره نقل می‌شود که ابو الفضل بن ناصر، بعضی از آن طریق را صحیح دانسته است و همین نظر را ابن جوزی در کتاب الموضوعات آورده است. در فتوائی که از ابن تیمّیه نقل شده گوید: آن دو- ابن ناصر و ابن جوزی- حکم کردند که نقل احادیث از غیر آن طریق صحیح درست نیست و همگی آن جعلی می‌باشد. و آنچه که این دو تن به آن معتقد شدند حقّ است (۱)

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۶۳

مؤلف: هیثمی دو حدیثی را که در مضمون شباهت به حدیث قبلی دارد، نقل کرده است که در سند یکی، محمد بن اسماعیل جعفری قرار دارد که حاکم دربارهٔ او می گوید: وی منکر الحدیث است و در سند دیگری، ابن شداخ وجود دارد که به یقین وی فردی ضعیف می‌باشد. (۲)

تصریح ابن جوزی: وی می گوید: گروهی از نادانان اهل سنت به خاطر خشم و کینه‌ای که از رافضه داشتند، احادیثی را در فضیلت روز عاشورا جعل کرده، و به دروغ به آن معتقد گشتند. و ما از هر دو فرقه بیزاریم. و آنچه که از رسول خدا- درباره روز عاشورا به سند صحیح از آن نقل شده این است که آن حضرت دستور به روزهٔ روز عاشورا دادند و گفتند، روزه گرفتن در این روز، کفّارهٔ یک سال گناه می‌باشد. امّا، این گروه نادان به روایت صحیح قانع نشده، و مطالب زیادی در فضل عاشورا جعل کرده و به دروغ به رسول خدا- صلّی اللّه علیه و آله و سلّم- نسبت دادند. (۳)

مؤلف: ما بر قسمتی از سخن ابن جوزی، ایراد و اشکال وارد می‌دانیم:

اوّلا- در صفحات قبل دانستی که حدیث کفّارهٔ سنهٔ، صحتش نزد علمای بزرگ اهل سنت ثابت نگردید و لذا بخاری آن را در کتاب خود، نقل ننمود. و برخی از رجالیون اهل سنّت گفتند: معبد- که در سند حدیث قرار دارد- معروف و مشخّص نیست که وی از ابی قتاده،

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۶۴

استماع حدیث نموده باشد. و نیز ابن عدی وی را در جرگهٔ ضعفاء دانسته است.

ثانیا: اگر بپذیریم که امر به روزه عاشورا از حضرت رسیده باشد، ولی این ملازم با استمرار داشتن و عدم نسخ روزه روز عاشورا نیست، به همین جهت نزد ابن عمر، که جایگاه بزرگی از لحاظ فقهی نزد شما- اهل سنت- دارد، کراهت روزهٔ عاشورا ثابت گشته است.

۲- و نیز ابن جوزی نقل میکند: همانا خداوند، بر بنی اسرائیل، روزهٔ یک روز را در طول سال واجب نمود و آن روزهٔ روز عاشوراست. عاشورا روز دهم محرّم می‌باشد. پس این روز را روزه بدارید. و بر خانواده خود، وسعت بخشیده- یعنی راحتی در این روز را برای آنها فراهم نمائید- چرا که عاشورا روزی هست که خداوند، توبه آدم را قبول کرده است. شوکانی می‌نویسد: این روایت را ابن ناصر از ابو هریره، به طریق مرفوع، نقل کرده است و در اللئالی به طور مفصّل پیرامون این روایت سخن گفته است. وی در پاره‌ای از سخنان خود می گوید: محتوای روایت دروغی هست که به خداوند و رسول او، نسبت داده شده که پوست بدن انسان، از شنیدنش به لرزه درمی‌آید. پس خداوند لعنت کند کسانی را که دروغ می گویند و این حدیث

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۶۵

بدون شک جعلی می‌باشد. (۴) ۳- عبد الرزاق از ابن جریج از یک مردی از عکرمهٔ، نقل می کند که عاشورا روزی هست که خداوند توبه آدم را پذیرفت. (۵) مؤلّف:

اوّلا، این روایت مرسل است چون در سند آمده: از یک مردی (عن رجل).

ثانیا: در سند عکرمهٔ واقع شده که از ابن سیرین و یحیی بن سعید انصاری نقل شده که وی را کذّاب دانستند. ابن ابی ذئب می گوید: عکرمهٔ ثقه نیست.

محمد بن سعد معتقد هست: به حدیث عکرمه احتجاج نمی‌شود و مردم دربارهٔ او صحبتهائی می کنند. از علی بن عبد اللّه بن عباس نقل شده که گوید: این خبیث- عکرمهٔ- بر پدرم دروغ می‌بست.

و مسلّم از نقل احادیثی که عکرمهٔ فقط نقل کرده بود، دوری می‌نمود و معمولا روایاتی که عکرمه نقل کرده و دیگران هم نقل

نموده بودند- هر چند به مقدار اندك، از وی نقل كرده است. (۶)

۴- قاری می‌نویسد: هركس با سنگ سرمه، در روز عاشورا، سرمه بكشد، هیچگاه مبتلا به چشم درد نخواهد شد. این روایت را حاكم از ابن عباس به صورت مرفوع ذكر كرده است. كه در سند آن، فردی بنام جویبر قرار دارد كه حاكم درباره او می گوید:

من به سوی خدا، از جویبر دوری می‌جویم. در لئالی آمده است: بیهقی وی را در كتاب

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۶۶

الشعب، آورده و گوید: سندی كه در آن جویبر واقع شده، از اساس، ضعیف می‌باشد.

و نیز روایت را ابن نجّار در تاریخ خود، جزء احادیثی دانست كه ابو هریره آن را نقل نمود.

كه در سندش اسماعیل بن معمر بن قیس واقع شده و صاحب كتاب میزان الاعتدال وی را ثقه ندانسته است. (۷) قاری می گوید: احادیثی كه در مورد سرمه كشیدن، روغن مالی نمودن و استعمال بوی خوش در روز عاشورا، وارد شده است، همگی از سوی دروغ گویان جعل شده است. مؤلّف: زیعلی، طرق این روایت را نقل كرده و تمام آنها را باطل نمود. در یكی از این طرق، روایت ضحّاك از ابن عبّاس است. در حالی كه ضحّاك نه ابن عباس را ملاقات كرد و نه هیچگاه در طول عمرش، ابن عباس را دیده بود. (۸)

۵- ابن جوزی در كتاب الموضوعات، كه احادیث جعلی را مطرح نموده است، می گوید:

از جمله احادیثی كه جعل گردیده است، روایتی از اعرج از ابو هریره می‌باشد كه پیامبر- صلّی اللّه علیه و اله و سلّم فرمودند: همانا خداوند، بر بنی اسرائیل روزهٔ یك روز را در طول سال واجب نمود و آن روز عاشورا بود. روز عاشورا، روز نهم از محرّم می‌باشد. پس این روز را روزه بدارید. (۹) و بر خانوادهٔ خود از در

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۶۷

وسعت وارد شوید- راحتی آنها را در این روز فراهم سازید- چرا كه هركس در این روز بر خانواده‌اش، با مال خود از در وسعت وارد شود، خداوند در بقیّه سال با او از در وسعت وارد خواهد شد. پس این روز را روزه بدارید. در این روز، خداوند توبه حضرت آدم علیه السلام را پذیرفت و عاشورا روزی هست كه ادریس علیه السلام به جایگاه بلندی راه یافت و در همین روز، خداوند ابراهیم علیه السّلام را از آتش نجات داد و نیز نوح- علیه السلام- از كشتی بیرون آمد. روز عاشورا روزی هست كه خداوند تورات را بر موسی علیه السلام فرو فرستاد، و در همین روز خداوند، قربانی به جای ذبح اسماعیل فدیه داد، و در همین روز خداوند یوسف علیه السّلام را از زندان خارج نمود و عاشورا روزی هست كه بینائی را به حضرت یعقوب علیه السّلام بازگرداند و در این روز، خداوند، از ایّوب علیه السلام مصیبت و بلاء را برطرف نمود و عاشورا روزی هست كه خداوند، یونس علیه السّلام را از شكم ماهی خارج نمود و در همین روز خداوند دریا را برای بنی اسرائیل، شكافت. و همین روز بود كه خداوند، گناهان گذشته و آینده را كه به محمّد نسبت داده بودند، آمرزید. و در همین روز موسی علیه السّلام از دریا عبور نمود. و نیز- در همین روز خداوند توبه را بر قوم یونس علیه السلام فرو فرستاد

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۶۸

پس هر كس این روز را روزه بدارد، كفّاره چهل سال- گناه- برایش محاسبه می گردد.

و اوّلین روزی را كه خداوند در دنیا خلق كرد، روز عاشورا بود ... و اوّلین بارانی كه از آسمان نازل شد، در روز عاشورا بود. و اولین رحمتی كه نازل شد، در روز عاشورا بود. پس هركس روز عاشورا روزه بدارد، پس گویا تمام دهر را روزه گرفت.

كه این روزهٔ انبیاء هست ... و هركس شب عاشورا احیاء بدارد، پس گویا، خداوند تعالی را مثل عبادت اهل آسمان هفتگانه، عبادت نموده است. و هركس چهار ركعت نماز بجای آورد و در هر ركعت یك بار الحمد و ۵۰ بار «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»، بخواند

خداونـد گناهـان پنجـاه سال قبل و پنجاه سال آینـده او را، مورد غفران قرار می‌دهـد و در ملأ اعلی هزار هزار منبر از نور برایش بناء می‌کند. و کسی که به یک جرعه از آب سقایت کند، پس گویا به یک چشم برهم زدن خداوند را معصیت نکرده است.

و هرکس در روز عاشورا اهل بیت مساکین را سیر نمایـد، مانند برق خاطف از روی صـراط می‌گذرد. و هرکس در روز عاشورا به یک درهم صـدقه دهـد، پس گویا هیـچ فقیری را رد ننموده است و هرکس در روز عاشورا غسل نمایـد، به هیـچ مرضـی جز مرض موت دچار نمی‌شود و هرکس در روز عاشورا، سرمه

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۶۹

بکشـد، در طول آن سال، هیچگاه به چشم درد مبتلاء نخواهـد شد. و هرکس، در این روز دسـتش را بر سـر یتیم بکشد پس گویا به تمام یتیمان فرزندان آدم، نیکی نمود. (۱۰)

و هرکس در روز عـاشورا روزه بـدارد، ثواب هزار حـجّ کننـده و عمره بجای آوردنـده، به او داده می‌شود و هرکس در روز عاشورا روزه بدارد، ثواب هزار شهید به او داده می‌شود و هرکس در روز عاشورا روزه بگیرد اجر آسمان هفتگانه برایش نوشته می‌شود.

و در روز عاشورا خداونـد آسـمانها و زمین‌ها و کوهها و دریاها را خلق نمود و در روز عاشورا بود که خداونـد عرش را آفرید ... و در روز عـاشورا قلم را خلق نمود و در روز عاشورا لوح را آفریـد و در روز عاشورا جبرئیل را آفریـد. و در روز عاشورا، عیسـی علیه السلام را به آسمان برد و در روز عاشورا ملک به سلیمان اعطاء نمود.

و قیامت در روز عاشوراست. و هرکس در روز عاشورا مریضـی را به سـلامت برگردانـد پس گویا تمام مریض‌ها از فرزنـدان آدم را برگرداند. (۱۱)

ابن جوزی می‌گوید: در جعلی بودن این حدیث هیچ عاقلی شک نمی‌کند.

جاعل این حـدیث از مطالبی اسـتفاده نمود که جزء محالات می‌باشـد- گوید: اولین روزی را که خداوند در دنیا خلق نمود، عاشورا بود، و حال آنکه واضع و دروغ پرداز، از معنای

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۷۰

کلمه عـاشورا، غافـل شـده است. چرا که عاشورا را بخاطر اینکه پیش از آن روز نهم هست، عاشورا می‌نامنـد- یعنی نه روز گذشـته است، پس چطور اوّلین روز می‌شود:

و نیز گویـد: آسـمانها و زمین و کوهها در روز عاشورا خلق شده‌اند. درحالی‌که در حدیث صـحیحی نقل شده که خداوند تعالی در روز شـنبه خاک را آفریـد و کوهها را در روز یک‌شـنبه خلقت نمود. و نیز در این حـدیث درباره انـدازه ثواب تحریف شده که این نـوع از ثـواب دادن‌هـا، سزاوار محـاسن شـریعت نیست ... و گمـان من آن است که در احـادیث افراد ثقه دست برده شـد. و به نظر می‌آیـد که راوی این حدیث دچار نوعی تغفّل شده، که چنین تغفّلی در میان متأخرین بوده است. البته در سـند روایت ابن ابی الزناد واقع شـده که یحیی بن معین در مورد او می‌گویـد: وی فرد قابل توجهی نیست و به حـدیثش احتجاج نمی‌شود. و اسم ابو زناد، عبد اللّه بن ذکـوان و اسم- پسـرش عبـد الرحمن که ابن مهـدی از او حـدیث نقـل نمی‌گردد. احمـد می‌گویـد: وی مضـطرب الحـدیث می‌باشـد. و ابو حـاتم رازی می‌گویـد: به حـدیث او احتجـاح نمی‌شود که شایـد بعضـی از اهل هوا و هوس، چیزهایی در حـدیث او داخل کردند. (۱۲)

تصریح و اعتراف قاضی عبد النبیّ ...:

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۷۱

اعمالی را که در روز عاشورا انجام می‌دهند، هیچ یک بوسیلهٔ احادیث صحیحه، ثابت نشده است.

چرا که احادیث منقوله همگی جعلی می‌باشـد ... و بـدان که فقهاء و بنـدگان خدا، در این روز ملتزم نماز و ادعیه می‌باشـند و برای

آن سندهائی از احادیث ذکر می‌کنند و حال آنکه نزد اهل حدیث، به غیر از روایاتی که دربردارنده روزه گرفتن و طعام‌دادن... هست، بقیّه احادیث ثابت شده نیست.

مؤلّف: بحث در مورد احادیثی که محتوایش فراهم کردن راحتی خانواده و روزه گرفتن در این روز بوده در مباحث پیشین گذشت.

هیثمی می‌گوید: طبرانی روایت نمود: و در ماه رجب خداوند نوح- علیه السلام- را در کشتی قرار داد و آنها هفت ماه، بر روی آب بودند که آخرین روز، روز عاشورا بوده است. هیثمی گوید: در سند روایت، عبد الغفور واقع شده که از نظر علماء رجال فردی متروک می‌باشد و احادیث او را نقل نمی‌کنند. (۱۳)

۳- ابن جوزی می‌نویسد ... حبیب بن ابی حبیب از ابراهیم صائغ از میمون بن مهران از ابن عباس برای ما حدیث نقل کرده که رسول خدا- صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود:

هرکس در روز عاشورا روزه بگیرد، خداوند برای او، عبادت شصت سال به همراه روزه و نماز آن را، می‌نویسد و هرکس در روز عاشورا روزه بدارد، ثواب ده هزار ملک به او داده می‌شود.

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۷۲

و هرکس در روز عاشورا روزه بگیرد ثواب هزار حجّ انجام دهنده و عمره بجای آورنده به او داده می‌شود و هرکس در روز عاشورا روزه بگیرد ثواب ده هزار شهید به او اعطاء می‌شود و هر کس در روز عاشورا روزه بگیرد خداوند برای او اجر آسمان هفتگانه را می‌نویسد.

و هرکس در روز عاشورا، مؤمنی نزدش افطار کند پس گویا تمام امّت محمّد نزدش افطار نمودند. و هرکس در روز عاشورا گرسنه‌ای را سیر کند پس گویا تمام فقیران امت محمّد را طعام داده و شکمشان را سیر نمود و هرکس- در این روز- بر سر یتیمی دست بکشد، به اندازه موهائی که بر سر یتیم روئیده است، در بهشت، ارتقاء درجه پیدا می‌کند. ابن عباس می‌گوید: عمر گفت: ای رسول خدا، آیا خداوند عزّ و جلّ، بواسطه روز عاشورا، ما را فضیلت و برتری داد؟ حضرت فرمود: بله خداوند عزّ و جلّ روز عاشورا را خلق کرد و نیز زمین را آفرید. و در روز عاشورا، کوهها را خلقت نمود و در مثل روز عاشورا، ستاره‌گاه را آفرید و در روز عاشورا، قلم را، آفرید و لوح را در مثل روز عاشورا خلق کرد و در روز عاشورا جبرئیل را خلقت نمود و فرشتگان را در روز عاشورا آفرید. و آدم را در روز عاشورا خلق کرد و در روز عاشورا ابراهیم چشم به جهان گشود و در روز عاشورا خداوند او را از آتش نجات بخشید

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۷۳

و در روز عاشورا ادریس را بالا- برد و ادریس در روز عاشورا متولّد شد. و خداوند در روز عاشورا توبه آدم را قبول نمود و گناه داود را در روز عاشورا بخشید و به سلیمان در روز عاشورا، ملک عطاء کرد و پیامبر در روز عاشورا متولّد شد ... و خداوند در روز عاشورا بر عرش مستقر شد و روز قیامت در روز عاشورا واقع می‌شود. (۱۴)

۱- ابن جوزی می‌نویسد: بدون شک این حدیث جعلی می‌باشد. احمد بن حنبل می‌گوید:

حبیب بن ابی حبیب- که در سند روایت قرار گرفته- زیاد دروغ می‌بست. ابن عدی در مورد وی می‌گوید: ابن ابی حبیب، حدیث جعل می‌نمود و در میان راویان کسی که بین حبیب و ابراهیم داخل شد، شترش می‌باشد.

ابو حاتم بن حیان می‌گوید: این حدیث باطل هست و اساس و پایه‌ای ندارد. در ادامه گوید: حبیب از اهالی مرو بود که بر افراد ثقه دروغ می‌بست، کتابهای حدیثی او جز برای نقدش استفاده دیگر از آن- مثل نقل حدیث- جایز و حلال نیست. (۱۵)

مؤلف: از ابو داود نقل شده که حبیب را از دروغگوترین مردم دانسته است. و از رازی و ازدی نقل شده که، حدیث وی را متروک شمردند. ابن عدی می‌نویسد:

احادیثی که حبیب از مالک و دیگران نقل نموده، همگی جعلی و دروغ می‌باشد و شماری از آن احادیث،

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۷۴

دروغ را برشمرده و گوید: این احادیث و دیگر احادیثی که حبیب از هشام بن سعد نقل نموده، همگی دروغ و عامّه می‌باشد. حدیث حبیب از جنبه متن، دروغ، از حیث اسناد، تغییر یافته می‌باشد. و در جعل حدیث بر افراد ثقه، شرم نداشت و کار او در دروغگوئی واضح و آشکار می‌باشد. (۱۶)

۲- قاری می‌گوید: از جمله احادیث جعلی- سرمه کشیدن در روز عاشورا و آراستن ظاهری و از در وسعت بر خانواده وارد شدن و نماز، در این روز می‌باشد. که هیچ یک از این فضائل و فضیلت‌های دیگر درست نمی‌باشد و حتی یک حدیث در این مسئله وارد نشده است و از پیامبر صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فقط احادیث روزه نقل‌اش، ثابت است و بقیه باطل می‌باشد. (۱۷) واضحترین حدیث از حیث دروغ بودن، روایتی است که از پیامبر نقل می‌کنند که حضرت فرمود: و هرکس در روز عاشورا بر خانواده خودش از در وسعت وارد شود، خداوند در باقی مانده از سال، با او از در وسعت وارد می‌شود. امام احمد گوید: این حدیث صحیح نمی‌باشد، و در عدم صحت، روایت سرمه‌کشیدن در این روز می‌باشد ... حدیث اول را بیهقی از ابن عباس ... نقل کرده است که ابن عباس می‌گوید: هرکس در روز عاشورا بر خانواده خود، از در وسعت وارد شود (... ۱۸)

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۷۵

زرکشی می‌گوید: نقل این حدیث از ابن عباس ثابت نگردیده است. و این از کلمات محمد بن منتشر می‌باشد. (۱۹) و در ادامه می‌گوید: در روایت آمده: هرکس در روز عاشورا روزه بگیرد، خداوند برای او عبادت شصت سال را می‌نویسد. و حال آنکه این روایت باطل هست و هیچگونه پایه و اساس ندارد. و راوی‌اش حبیب بن ابی حبیب از ابراهیم صانع از میمون بن مهران از ابن عباس می‌باشد. که فردی نیکو نمی‌باشد و احادیثی را جعل می‌نمود. (۲۰)

۳- زین الدین حنفی می‌گوید: اما وسعت بخشیدن و راحتی خانواده را در روز عاشورا فراهم کردن...

از جمله احادیث جعلی می‌باشد که به صورت متعدد نقل شده و هیچ یک از آن صورتها، صحیح نمی‌باشد. و نیز از جمله کسانی که این حدیث را نقل کرده، محمد بن عبد اللّه بن عبد الحکم می‌باشد که عقیلی در مورد او می‌گوید: وی فردی دارای حافظهٔ نیکو، نبوده است. و از قول وی، همین سخن از عمر نقل شده که در اسناد آن افراد مجهول وجود دارند که نزد رجالیون شناخته شده نیستند. (۲۱)

۴- عینی می‌گوید: آنچه که درباره نماز شب عاشورا و روز عاشورا و نیز دربارهٔ فضیلت سرمه کشیدن وارد شده، صحیح نمی‌باشد. از جمله احادیث جعلی، این روایت است که: هرکس در روز عاشورا با سنگ سرمه، سرمه بکشد ... که جعل کننده‌گان این حدیث قاتلین

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۷۶

امام حسین علیه السّلام می‌باشند. احمد می‌گوید: سرمه‌کشیدن در روز عاشورا، از رسول خدا صلّی اللّه علیه و اله و سلّم، روایت نشده است. و چنین عملی، بدعت می‌باشد. (۲۲)

۵- شیخ یوسف قرضاوی می‌گوید: در بیشتر بلاد مسلمین، مردمانی را دیده‌ایم که در روز عاشورا، جشن بر پا کرده و قربانی ذبح نموده و این روز را عید یا موسم می‌دانند. و در این روز بر اهل و عیال خود، راحتی فراهم می‌نمایند و شادمانی به راه می‌اندازند.

که دلیلشان را روایتی می‌دانند که در فضیلت روز عاشورا، وارد شده است، در حالی که این روایت ضعیف و حتی دروغ می‌باشد که ابن تیمیه و دیگران، فتوا به جعلی بودن آن داده‌اند. آن روایت که بر سر زبانهای مردم جاری است، روایت معروف به توسعه می‌باشد که: هرکس بر اهل و عیال خود در روز عاشورا از در وسعت وارد گردد، خداوند در باقی مانده از سال با او از در وسعت

وارد می‌شود.

منذری گوید: بیهقی و دیگران، این روایت را از طرق- متعدد- از جماعتی از صحابه نقل نموده‌اند. که بیهقی معتقد هست: سند این چند طریقه گرچه ضعیف می‌باشد ولی اگر روایات منقوله در این زمینه را مجموعا بنگریم، ضعف سندی، جایش را به قوّت می‌دهد.

قرضاوی می گوید: در پذیرش سخن بیهقی، اشکال وجود دارد. چرا که ابن جوزی

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۷۷

و نیز ابن تیمیه در منهاج السنهٔ و دیگران، این حدیث را جعلی دانستند امّا طبرانی و دیگران درصدد دفاع از بیهقی برآمده و به اثبات حسن بودن روایت برای خوش خدمتی به دیگری، پرداختند و بسیاری از متأخرین، برایشان مشکل بود به‌به این حدیث برچسب جعلی بودن بزنند. ولی آنچه که برای من ترجیح دارد این است که این حدیث را بعضی از جهّال اهل سنّت در ردّ بر مبالغات شیعه که روز عاشورا را روز حزن و ناراحتی و عزا و مصیبت قرار دادند، جعل کرده و برعکس معتقدات شیعه، روز عاشورا را روز، سرمه‌کشیدن و غسل نمودن و توسعه بر خانواده، دانستند. (۲۳)

برخورد اهل بیت علیهم السّلام با اینگونه از سخنان دروغین:

ائمه علیهم السّلام با این نقشه خبیثانه امویان، که روز عاشورا را عید اعلان نمودن، به مبارزه برخاستند و تا انجا که توان داشتند و شرایط زمان و مکان به آن حضرات مقدّسه، اجازه می‌داد، جلوی این جریان ظالمانه را که بدعتی زشت شمرده می‌شد، گرفتند، و نقشه‌های شیطانی اموی‌ها را نقش بر آب نمودند. ائمه بزرگوار علیهم السلام، با صدائی بلند و با محتوائی پر مغز و معنا، اعلان نمودند که در روز عاشورا به خاطر کشته‌شدن حسین علیه السلام، دست از فعالیّت دنیوی برای تأمین مایحتاج خود برداشته و این روز را روز ناراحتی و

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۷۸

گریه قرار دهند. و کسانی که عاشورا را روز برکت قرار داده بودند، تقبیح نموده و نفرین می‌نمودند که خداوند آنان را در قیامت با بنی امیه و طرفدارانشان که این بدعت شیطانی را بنیان نهادند محشور گرداند. لذا، اوامری که از سوی ائمه علیهم السلام دربارهٔ عزاداری در روز عاشورا که همان گریه و زاری نمودن و دستور گریه به اعضای خانواده دادن، و با همدیگر گریه نمودن، همگی اوامری هست مؤکّد که اگر کسی آن را اجراء کند، بهشت نصیب او خواهد شد.

ائمه علیهم السلام، این پندار را که کسانی در روز عاشورا، مایحتاج یک سال خود را ذخیره می‌نمودند تا برایشان برکت داشته باشد، محکوم می‌نمودند و اعلام می‌کردند که چنین تفکری ناشی از بنی امیه- لعنهم اللّه تعالی- می‌باشد. و نیز بنی امیّه به وعّاظ خود در سراسر مملکت اسلامی دستور داده بودند که روز شهادت امام حسین علیه السلام را روز عید و برکت بشمارند تا به این ترتیب، ذهن مردم از فاجعهٔ هولناکی که اموی‌ها بر آقای جوانان اهل بهشت روا دانستند، به شادی نمودن در این روز منصرف شده و از حساسیّت فاجعهٔ عاشورا، کاسته شود، و حال آنکه در نقشه خود توفیقی نداشتند، چرا که امامان بزرگوار علیهم السلام، از این نیرنگ آل ابی سفیان- لعنهم اللّه- پرده برداشته، و با زبان و عمل روز عاشورا را روز گریه، عزاداری بر سیّد مظلومان عالم حضرت سیّد الشهداء علیه السلام اعلان نمودند

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۷۹

و خداوند روی بنی امیه و یاران آنان را سیاه گرداند، همچنانکه دارای قلب سیاه بودند.

۱- ابن طاووس می‌نویسد: ما با اسناد خود از علی بن موسی الرضا- علیهما السلام- روایت کرده‌ایم که حضرت علیه السّلام

فرمودند: هرکس، در روز عاشورا، سعی در برآورده کردن نیازهای خود را، ترک نماید، خداوند حوائج دنیا و آخرت او را برآورده می‌کند. و هرکس روز عاشورا را روز مصیبت و ناراحتی و گریه، قرار دهد، خداوند، قیامت را روز شادی و سرور او قرار می‌دهد و بواسطهٔ ما چشمش را روشن می‌سازد. و هرکس روز عاشورا را روز برکت بنامد و برای منزل خود چیزی ذخیره کند، در آنچه که ذخیره نموده، برکتی نمی‌بیند. و در روز قیامت با یزید و عبید اللّه بن زیاد و عمر بن سعد، که خداوند همگی آنان را لعنت کند- در پائین‌ترین طبقه آتش جهنم، محشور خواهد شد. (۲۴)

۲- شیخ طوسی: محمد بن حسن در مصباح از محمد بن اسماعیل از صالح بن عقبه از پدرش از علقمهٔ از ابو جعفر- امام باقر علیه السلام- در حدیثی که زیارت حسین علیه السلام را در روز عاشورا از دور و نزدیک، تعلیم می‌دهد نقل می‌کند که آن حضرت فرمودند...:

پس ندبه کند بر حسین علیه السلام و بگرید بر او و امر کند کسانی را که در خانه‌اش هستند، هرگاه از ایشان تقیّه نمیکند، به گریستن بر آن حضرت. و در خانهٔ خود مصیبتی به

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۸۰

به اظهار کردن جزع بر آن حضرت بر پا دارد. و یکدیگر را به مصیبت حسین علیه السلام، تعزیت بگویند. و من ضمانت می‌کنم که هرکس این اعمال را انجام داد، خداوند عزّ و جلّ تمام ثواب دو هزار حجّ و دو هزار عمره و دو هزار غزوه، به او داده شود. گفتم: ضامن می‌شوی برای آنان این ثوابها را و کفیل می‌شوی در اعطای ثوابها به آنان؟ حضرت فرمود:

ضامن و کفیلم از برای کسی که این عمل را بجا آورد. گفتم: چگونه یکدیگر را تعزیت بگو فرمود که بگویند: اعظم اللّه اجورنا و اجورکم بمصابنا بالحسین علیه السلام- و جعلنا و ایّاکم من الطالبین بثأره مع ولیّه الامام المهدی من آل محمّد- بزرگ فرماید خداوند اجرهای ما را به مصیبت ما به حسین علیه السّلام و قرار دهد ما و شما را از طالبین خون او با ولیّ او امام مهدی از آل محمّد- علیهم السّلام- و اگر بتوانی که بیرون نروی آن روز را در پی حاجتی، چنان کار را انجام ده. زیرا که آن روز نحسی است که برآورده نمی‌شود در آن حاجت مؤمن و اگر برآورده شود مبارک نخواهد بود از برای او. و در آن خیر و رشدی نخواهد دید. البته هیچ یک از شما برای منزلش در آن روز چیزی را ذخیره نکند. پس هر که ذخیره کند در آن روز چیزی را، در آنچه که ذخیره نموده، برکت نخواهد دید و برای او و در اهلش آن امر ذخیره شده، مبارک نخواهد بود. پس هرگاه،

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۸۱

این عمل را بجا آوردند خداوند، بر ایشان ثواب هزار حجّ و هزار عمره و هزار جهاد با رسول خدا، صلّی اللّه علیه و آله و سلّم را می‌نویسد و برای اوست مزد و ثواب مصیبت هر پیغمبری و رسولی و وصیّ‌ایی و صدّیق و شهیدی که مرده باشد یا کشته شده باشد از آن زمانی که خداوند، دنیا را خلق فرموده تا زمانی که قیامت بپا شود. (۲۵)

شیخ صدوق می‌نویسد: حدیث کرد ما را حسین بن ادریس که وی گوید: حدیث کرد ما را پدرم از محمد بن حسین بن ابی خطاب از نصر بن مزاحم از عمر و بن سعید از ارطاهٔ بن حبیب از فضیل الرسّان.

۳- شیخ صدوق از جبله المکیّهٔ نقل می‌کند که از میثم تمّار- قدس اللّه روحه- شنیدم که می‌گفت:

به خداوند قسم که این امت پسر پیامبر خود را در ده روز گذشته از محرّم، می‌کشند.

و دشمنان خدا، روز کشته شدن حسین علیه السلام را روز برکت، قرار می‌دهند.

و این جریان در علم خداوند تعالی وجود داشت و من در عهد و حکومت امیر المؤمنین علیه السلام از سوی حضرت به آن آگاهی پیدا کردم. و حضرت به من خبر داد که تمام چیزها حتی جانوران وحشی در بیابانها و ماهیان در دریا و پرندگان آسمان بر آن حضرت می‌گریند. و- نیز- خورشید و ماه و ستارگان و آسمان و زمین و مؤمنین از انس و جنّ و تمامی ملائکهٔ آسمانها

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۸۲

و زمین‌ها و رضوان و مالک و حاملین عرش بر آن حضرت می گریند و آسمان، باران خون و خاکستر می‌بارد. سپس حضرت فرمود: همچنانکه بر مشرکین که با خدا، خدایانی را قرار دادند، لعنت واجب هست و نیز همچنانکه بر یهود و نصارا و مجوس، لعنت فرستادن واجب می‌باشد، بر قاتلین حسین علیه السلام، واجب است که مورد لعن قرار گیرند. جبلهٔ می گوید به تمار گفتم: ای میثم، چگونه است که مردم روزی را که حسین به قتل رسید، روز برکت می‌دانند؟ میثم- که رضوان خدا بر او باد- گریست و گفت: اینها بخاطر حدیثی که دروغگویان جعل نمودند، این روز را با برکت قلمداد نمودند.- حدیث جعلی این است- که در روز عاشورا خداوند، توبه آدم را پذیرفت، درحالی که پذیرش توبه آدم از سوی خداوند، در ماه ذی الحجّهٔ بود. اینها گمان می کنند که خداوند توبه داود را در این روز، قبول کرد درحالی که توبه آدم علیه السلام در ذی الحجّهٔ بود.

و نیز گمان می کنند که خداوند در روز عاشورا یونس را از شکم ماهی بیرون آورد، و حال آنکه خداوند عزّ و جلّ یونس را در ماه ذی الحجّهٔ از شکم ماهی خارج نمود. و نیز گمان می کنند که در روز عاشورا، کشتی نوح بر روی کوه جودی مستقر شد و حال آنکه، استقرار کشتی بر روی کوه جودّی در روز هشتم از ماه ذی الحجّهٔ بود. و نیز گمان می کنند:

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۸۳

که خداوند در روز عاشورا دریا را برای بنی اسرائیل، شکافت و حال آنکه آن واقعه در ماه ربیع الاول بود. سپس میثم گفت: ای جبلهٔ، بدان که حسین بن علی در روز قیامت سیّد شهداء می‌باشد. و برای اصحاب او، بر سایر شهیدان از نظر درجه برتری هست.

ای جبلهٔ: هر گاه آسمان را سرخ دیدی (۲۶) که گویا مثل خون می‌باشد پس بدان که سیّد الشهداء حسین علیه السلام، کشته شد. جبله گوید: روزی از خانه خارج شدم که ناگهان- نور- خورشید را بر روی دیوار مثل ملافهٔ رنگ شده دیدم که صیحه‌ائی زدم و گریه نمودم و گفتم: به خدا قسم آقای ما حسین بن علی- علیهما السلام- کشته شد. (۲۷)

۴- از جمله دعاءهائی که در قنوت نماز، امام صادق علیه السلام به عبد الله بن سنان آموخت این است که در روز عاشورا در قنوت خوانده شود: پروردگارا، هلاک کن، کسی را که قتل اهل بیت پیامبرت را عید قرار داد و در این روز بانگ شادی و سرور، سر داد. و خذ آخرهم بما اخذت به اوّلهم. پروردگارا، بلاء و عذاب و زجر را بر ظالمین از اولین و آخرین و بر ظلم‌کننده‌گان آل بیت پیامبرت- صلّی اللّه علیه و آله و سلّم، چند برابر کن و عذاب و لعنتشان را زیاد نما و یاران و رهبرشان و گروهشان را هلاک فرما. (۲۸)

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۸۴

۵- زراره از ابو عبد اللّه علیه السّلام نقل می کند که آن حضرت فرمود: ای زرارهٔ، همانا آسمان بر حسین چهل صباح خون گریست و همانا زمین چهل صباح، با سیاه شدن گریست و همانا خورشید چهل صباح با گرفتگی و سرخ شدنش بر حسین گریه کرد. و همانا کوهها، قطعه‌قطعه شد و پراکنده گردید و همانا دریاها شکافت و همانا ملائکه چهل صباح بر حسین گریستند و هیچ یک از زنان ما، خضاب نکرده و روغن به سر نکشید و سرمه به چشم نزد و موی خود را شانه نزد تا اینکه سر عبید الله بن زیاد- که خداوند او را لعنت کند- نزد ما آوردند. و ما همیشه بعد از آن- مصیبتی که بر حسین وارد شده در اشک بودیم (... ۲۹)

۶- شیخ صدوق می‌نویسد: حدیث کرد ما را محمد بن علی بن بشّار قزوینی- که خداوند از او خشنود باد- و وی گوید: ابو الفرج مظفّر بن احمد قزوینی برای ما حدیث نقل نمود. که وی گوید: حدیث نقل کرد برای ما محمد بن جعفر کوفی اسدی که وی گوید، حدیث کرد ما را سهل بن زیاد آدمی، و گوید، سلیمان بن عبد اللّه خزّار کوفی برای ما حدیث نقل نمود و وی گوید: عبد اللّه بن فضل هاشمی برای ما حدیث نقل کرده که گوید به امام ابو عبد اللّه جعفر بن محمد صادق علیه السّلام گفتم: ای فرزند رسول خدا، چگونه روز عاشورا، روز مصیبت و غم و جزع و گریه، گردید ولی روزی که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم از

دنیا رفت و روزی که فاطمه علیها السلام از دنیا رفت

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۸۵

و روزی که امیر المؤمنین در آن روز کشته شد و روزی که حسن علیه السلام بوسیلهٔ سمّ، به قتل رسید، روز عزا، مصیبت غم و گریه، نشد؟

امام فرمود: همانا روزی که حسین علیه السلام- به شهادت رسید- مصیبتش از تمام آن روزها، عظیمتر بود، چرا که اصحاب کساء که گرامی‌ترین مخلوقین نزد خدا بودند، پنج نفر بودند- و زمانی که پیامبر- صلّی اللّه علیه و آله و سلّم از میانشان رفت، امیر المؤمنین و فاطمه و حسن و حسین- علیهم السّلام باقی بودند. که وجودشان برای مردم تعزیت و دلداری بود و زمانی که فاطمه علیها السلام از دنیا رفت، وجود امیر المؤمنین علیه السلام و حسن علیه السلام و حسین علیه السلام، تسلّی و آرامش بود و زمانی که حسن علیه السّلام از دنیا رفت، وجود حسین علیه السلام برای مردم دلگرمی و آرامش بود و وقتی که حسین علیه السلام به قتل رسید دیگر از اهل کساء فردی باقی نماند تا مردم را آرامش و دلگرمی دهد، لذا، رفتن حسین مثل رفتن همهٔ آنها بود و بقاء حسین گویا بقاء همهٔ اصحاب کساء بود، به همین جهت، روز حسین، مصیبتش، بزرگتر بود.

عبد اللّه بن فضل هاشمی می‌گوید به امام عرض کردم ای پسر رسول خدا- صلّی اللّه علیه و آله و سلّم: پس چرا مردم با وجود امام علی بن حسین، دلگرمی و آرامش نداشتند، آنگونه که

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۸۶

نسبت به وجود پدرانش- علیهم السلام- بعد از شهادت یکی- آرامش نداشتند؟ حضرت فرمود: آری. همانا علی بن الحسین سید عبادت کننده‌گان- علیه السلام- و امام و حجّت بر خلق بعد از پدران گذشته‌اش بود لکن وی رسول خدا- صلّی اللّه علیه و آله و سلّم را ملاقات ننموده و سخنی از آن حضرت نشنید و علم او، از پدرش از جدّش از پیامبر- صلّی اللّه علیه و آله و سلّم- به ارث رسیده بود. و امیر المؤمنین و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام، آنان را با رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم در حالتها و لحظات مختلف، مشاهده می‌نمودند، پس هر گاه یکی از این پنج تن را می‌دیدند، آن حالتی که با رسول خدا داشتند و سخن آن حضرت درباره آنان، به یادشان می‌آمد و وقتی که همگی از دنیا رفتند مردم گرامی‌ترین مخلوقین نزد خداوند عزّ و جلّ را از دست دادند، و از دست رفتن هیچکدام از این پنج تن، به غیر از حسین، از دست رفتن همه نبود چرا که حسین آخرین داشتند و سخن آن حضرت درباره آنان، به یادشان می‌آمد و وقتی که همگی از دنیا رفتند مردم گرامی‌ترین مخلوقین نزد خداوند عزّ و جلّ را از دست دادند، و از دست رفتن هیچکدام از این پنج‌تن، به غیر از حسین، از دست رفتن هم نبود چرا که حسین آخرین فرد بود و به همین جهت روز حسین، از حیث مصیبت، بزرگترین روزهاست.

عبد اللّه فضل هاشمی می‌گوید: به حضرت گفتم: ای فرزند رسول خدا- صلّی اللّه علیه و آله و سلّم پس چطور عامّه روز عاشورا را روز برکت می‌دانند؟ پس حضرت گریست سپس فرمود: وقتی که حسین علیه السلام کشته شد، مردم در شام برای اینکه به یزید تقرّب بجویند

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۸۷

احادیثی را به دروغ جعل کرده و هدایائی از اموال- از او گرفتند. و از جمله چیزهائی که در مورد این روز جعل کردند، این بود که روز عاشورا، روز برکت هست تا مردم در این روز از جزع و گریه و مصیبت و حزن، دست برداشته و به شادی و شادمانی و تبرك و تهیه رفاه و آسایش در این روز بپردازند. خداوند بین ما و آنها حکم نماید. (۳۰)

مؤلّف: علاوه بر قرائن خارجیه و داخلیه مثل قوّت متن روایت فوق، نشانه‌ها و شواهدی دیگر بر صدق این روایت وجود دارد. لذا، وجهی برای ردّ حدیث به این دلیل که عبد اللّه بن فضل هاشمی مجهول هست، نمی‌باشد. و نمازی می‌نویسد: بر مدح و جلالت

فضل هاشمی به حدیثی از امام صادق علیه السلام تکیه شده است. (۳۱) در حدیث که راوی آن خود وی می‌باشد آمده است امام صادق علیه السلام فرمود: اگر خواستی، اسمت را در صحیفه‌مان- به تو نشان دهیم. فضل هاشمی گوید: در پائین صحیفه نام خود را دیدم. (۳۲)

لکن نمی‌توان برای توثیق شخصی، به روایتی که خود وی از امام نقل می‌کند، استدلال نمود.

چون مستلزم دور واضح هست. و حتی می‌توان گفت که برای انسان سوء ظن ایجاد می‌کند همچنانکه امام خمینی رحمهٔ الله علیه، به این مسئله تصریح نمودند. وی گوید: زمانی که ناقل وثاقت، راوی خود باشد، این سوء ظن را ایجاد می‌کند که وی برای موّجه جلوه دادن خود-

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۸۸

به نقل مدایح و فضایل در میان مسلمین، پرداخته است. (۳۳) علامه خوئی می‌گوید: اثبات وثاقت شخص به روایتی که خود نقل می‌کند- (۳۴) و در آن به مدح خود پرداخته- امکان ندارد.

اما مرحوم تستری، علاوه بر وثاقت فضل هاشمی، در اثبات جلالت وی نیز بـه همین روایت تکیه کرده است. مرحوم تستری می‌نویسد: شاهد بر اتحاد و جلالت او، روایتی است که صاحب کتاب الاختصاص نقل کرده است...

علاوه بر آن مرحوم تستری، عبد اللّه بن فضل هاشمی را همان عبد اللّه بن فضل بن عبد اللّه بن نوفل نوفلی که فردی ثقه می‌باشد، می‌داند.- (۳۵)

و همین مطلب را مرحوم حائری نیز استظهار نموده است. (۳۶)

۳- چگونه نسیء با روزه روز عاشورا قابل جمع می‌باشد:

عرب قبل از اسلام نخست همه ساله زیارت حج را در ذی الحجهٔ انجام می‌دادند و بعدا بنا را بر این گذاشتند که هر سال حج را در ماهی بجا آوردند و بدین طریق عمل حج را در ماههای سال می گردانیدند و نوبت به هر ماهی که می‌رسید آن سال، آن ماه را ذی الحجهٔ نام می گذاشتند و اسم اصلی‌اش را نمی‌بردند. حال اینکه چه کسی این عمل را در هر سال قانون می‌کرد فرقی ندارد که آیا از قوم بنی فقیم بود یا از سوی مردی از بنی کنانه که نعیم بن ثعلبه. مهم این است که:

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۸۹

هر سالی که عمل حج در آن بوده، مرکب از سیزده ماه باشد و اسم پاره‌ای از ماهها دو بار و یا بیشتر تکرار شود و به همین جهت طبری گفته: اعراب سال را سیزده ماه قرار می‌دادند و در بعضی روایات آمده که دوازده ماه و بیست و پنج روز به حساب می‌آوردند.

لازمهٔ این کار این بود. که تمام ماهها در هر سال اسامی‌شان تغییر کند و هیچ وقت اسم هیچ یک از ماهها با خود ماه موافق نشود، مگر در هر دوازده سال یکبار. البته بشرطی که این تغییر و تبدیل منظم صورت می گرفت و گرنه دوازده سال یکبار هم‌چنین اتفاقی نمی‌افتاد. (۳۷)

و اگر نسئی بمعنای تأخیر باشد معنا این می‌شود که عرب قبل از اسلام، حرمت ماه محرّم را تا صفر تأخیر می‌انداختند و دگر بار در سال آینده، ماه محرّم را حرام اعلان می‌نمودند. این تفسیر و معنا، تفسیری مشهور در کلمهٔ نسئی می‌باشد. بدین ترتیب نمی‌تواند روزه عاشورا در ماه محرّم واقع شود چون اعراب هر از چندگاهی در ماههای حرام دست می‌بردند.

معنای نسئ از دیدگاه علامه طباطبائی رحمهٔ اللّه علیه:

عرب به پاره‌ای از اوقات، از نجنگیدن سه ماه پشت سر هم به زحمت می‌افتادند لذا به یکی از بنی کنانه مراجعه می‌کردند تا او ماه سوم را بر ایشان حلال کند. او در یکی از ایام حجّ در منی در میان آنان می‌ایستاد و اعلام می‌کرد که من ماه محرم را برای،

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۹۰

شما حلال نموده و حرمتش را تا رسیدن ماه صفر تأخیر می‌اندازم. مردم پس از این اعلام می‌رفتند و به قتال با دشمنان خود می‌پرداختند، آنگاه در سال دیگر باز حرمت محرّم را برگردانیده و دست از جنگ می‌کشیدند و این عمل را نسئ می‌نامند.

در ادامه مرحوم علّامه می‌نویسد: قبل از اسلام، عرب محرّم را صفر اوّل و صفر را صفر دوم نامیده و به هر دو می‌گفتند: صفرین، همچنانکه به دو ربیع می‌گفتند: ربیعین و دو جمادی را می‌گفتند: جمادین و نسئ به صفر اول می‌رسید و از صفر دوّم نمی‌گذشت پس از آنکه اسلام حرمت صفر اوّل را امضاء نمود از آن به بعد آن را شهر اللّه المحرّم نامیدند و چون استعمال این اسم زیاد شد لذا آن را تخفیف داده و گفتند: محرّم و از آن به بعد اسم صفر مختّص به صفر دوّم گردید. پس در حقیقت کلمهٔ محرّم از اسمهائی است که در اسلام پیدا شده همچنانکه سیوطی نیز در کتاب المزهر به این معنا اشاره کرده است. (۳۸)

معنائی دیگر برای نسئ: عبد الرزّاق، ابن منذر، ابن ابی حاتم و ابو الشیخ همگی از مجاهد روایت کرده‌اند که در ذیل آیه: إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ- ۳۷- توبه- گفته است: خدای تعالی حج را در ماه ذی الحجهٔ واجب کرد و مشرکین ماههای سال را

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۹۱

به اسامی ذی الحجّهٔ، محرّم، صفر، ربیع، جمادی، جمادی، رجب، شعبان، رمضان، شوّال و ذی القعدهٔ می‌نامیدند و در ذی الحجّهٔ به زیارت و طواف خانه کعبه می‌رفتند آنگاه تا مدتی اسم محرم را نمی‌بردند، یعنی در شمارش ماههای سال می‌گفتند، صفر، صفر، آن گاه رجب را جمادی الآخر و شعبان را رمضان و رمضان را شوال و ذی القعده را شوال و ذی الحجّهٔ را ذی القعده و محرّم را ذی الحجّهٔ می‌نامیدند و در آن ذی الحجهٔ به حج می‌رفتند و حال آنکه ذی الحجّهٔ نبود ولی به حساب آنان، ذی الحجّهٔ شده بود.

و سپس دوباره همین ماجرا را از سر گرفته در نتیجه هر سال در یک ماهی حج بجای آوردند تا آنکه در سال آخری که ابو بکر به حجّ رفت، آن سال عمل حجّ مصادف با ذی القعده شده بود و در سال بعد که رسول خدا- صلّی اللّه علیه و آله و سلّم- به حج رفت، اعمال حجّ، مصادف با ذی الحجهٔ شده بود و به همین جهت بود که رسول خدا، صلّی اللّه علیه و آله و سلّم در آن سال در خطبه‌اش فرمود: روزگار گردش نمود و به صورتی که در روز اوّل خلقت آسمانها و زمین داشت، بازگشت.

علامه طباطبائی گوید: حاصل این روایت با همهٔ تشویش و اضطرابی که در آن می‌باشد...

این است که عرب قبل از اسلام، سه ماه پی‌درپی از جنگ و غارت محروم و ممنوع

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۹۲

بودند، که باعث ناراحتی‌شان شده بود، ناگزیر یک سال حرمت محرم را به صفر داده، سالی دیگر با محرّم را حرام می‌کرد. (۳۹)

اصرار بر یک مطلب باطل:

مرحوم محدّث قمی می‌گوید: از جمله چیزهائی که مرا شگفت‌زده کرده، سخن شیخ عبد القادر گیلانی (جیلانی) در آنچه که از او حکایت شده از کتاب غنیهٔ الطالبین می‌باشد که چاره‌ای در نقل آن نیست. وی می‌گوید: قومی بر روزه گرفتن در روز عاشورا و آنچه که از احترام به این روز وارد شده، عیب گرفته و به گمال خود، چون حسین بن علی- علیه السلام- در این روز کشته شد، روزه گرفتن این روز، جایز نمی‌باشد. و می‌گویند:

سزاوار هست که مردم بخاطر فقد حسین علیه السلام در مصیبت و ماتم بسر برند ولی شما (عامّه) این روز را، روز شادی و شادمانی قرار داد. و در این روز، دستور می‌دهید که مردم از در وسعت با خانواده، خود برخورد کرد. و بر ضعفاء و مساکین انفاق و صدقه، اعطاء نمایند، که این اعمال جایز نیست از سوی جماعت مسلمین در حق حسین روا داشته شود. گوینده این سخن به خطاء رفته و مذهبش قبیح و فاسد می‌باشد.

چرا که خداوند، برای سبط پیامبرش در شریفترین و عظیمترین و جلیلترین و رفیعترین روز، شهادت را اختیار نموده است، تا، بدین وسیله درجات و

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۹۳

کرامت وی چند برابر گردد و به منزلت خلفاء راشدین که شاهدان به شهادت هستند، برسد. و اگر جایز باشد که مردم روز مرگ حسین- علیه السلام- را روز مصیبت و عزا، بدانند، سزاوارتر از آن روز دوشنبه که خداوند نبیّ خود را قبض روح کرد، می‌باشد...

و مردم همگی بر شرافت روز دوشنبه و فضیلت داشتن روزه در این روز، اتفاق نظر دارند و معتقدند که در این روز و در روز پنجشنبه، اعمال عباد، عرضه می‌گردد. و نیز روز عاشورا را روز مصیبت قلمداد نمی‌کنند، و اینکه روز عاشورا روز مصیبت باشد، ترجیحی بر اینکه روز سعید و شادی و شادمانی باشد ندارد. و دلیل آن را همچنانکه گفتیم این است:

در این روز خداوند، پیامبران خود را از دست دشمنانشان نجات داد، و در همین روز، دشمنان انبیاء که همگی کفّار بودند مثل فرعون و قوم او و دیگران هلاک نمود.

و اینکه در این روز خداوند آسمانها و زمین و اشیاء شریفه و آدم و ... را خلق نمود و برای کسی که در این روز روزه بگیرد، ثواب فراوان و عطاء زیاد و بخشیده شدن گناهان و سیّئات، مقرّر کرده است. پس عاشورا بدین ترتیب مثل بقیه ایام شریفه از قبیل عیدین و جمعه و عرفه و ... شریف گردید. و اگر جایز بود که این روز، روز مصیبت قرار داده شود، صحابه و تابعین این کار را می‌کردند چرا که آنان از ما،

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۹۴

در این عمل اقرب و اخصّ بودند. (۴۰)

مؤلّف: گیلانی- جیلانی- اصرار و تأکید دارد که روز عاشورا، روز توسعه و نفقه بر خانواده و صدقه به مساکین بوده و اینکه این روز، روز عید و برکت می‌باشد چرا که خداوند، پیامبرانش را در این روز نجات بخشید ... گویا وی متوجه سخن ابن جوزی نشد که گفت: در جعلی بودن این روایت هیچ عاقلی شک ندارد و این روایت را جاعلین ابداع نمودند و از عمل خود شرم و حیاء ندارند (... ۴۱)

و نیز گویا گیلانی توجهی به سخن عینی نکرد که گفته بود: این حدیث را قاتلین حسین- علیه السلام- جعل کردند. (۴۲) و نیز گویا سخن قاری و شوکانی را نخواند که نوشتند: می‌بینی که در فضیلت عاشورا، اباطیلی را وارد نمودند. و وی از سخنان و نظریات ماهرین فنّ حدیث که درباره این نوع از منقولات گفته بودند: قومی از جهّال به مذهب اهل سنت این نوع از احادیث را جعل کردند ... غافل مانده است. (۴۳)

روایاتی که مضمونشان توسعه بر خانواده در روز عاشورا می‌باشد، مجهول یا ضعیف می‌باشد.

و روایاتی که در آن جریان نجات انبیاء در روز عاشورا مطرح شده، از مراسیل می‌باشد که سند آن منتهی به عکرمهٔ خبیث می‌شود.

و همچنانکه علی بن عبد اللّه بن عباس-

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۹۵

گفته بود؛ عکرمه بر ابن عبّاس دروغ می‌بست. (۴۴) و گویا گیلانی معنای این سخنان را نفهمیده است و این همه اقرارها که از صاحبان فن، صادر شده، درک نکرده است. و همچنان بر اشرفیّت و رفعت ایام عاشورا بر تمام روزهای دیگر اصرار دارد. و گویا از افضل بودن روزها و شبهای ماه رمضان و نیز روز عرفه بر سایر ایام، غافل مانده است. و شاید خود را به غفلت و نادانی زده که اعلان عید در روز عاشورا از ابداعات بی‌شرمانهٔ شجرهٔ ملعونه و خبیثهٔ بنی امیه- لعنهم اللّه تعالی- می‌باشد- که در این‌باره، سخن خواهیم گفت.

و متأسفانه وی، از روی دروغ به شیعهٔ اثنا عشری نسبت می‌دهد که آنان روزه در روز عاشورا را به خاطر کشته شدن حسین- علیه السلام- حرام می‌دانند.

و این از انسانی که مدعی فضل و درک هست غریب می‌باشد، و او هیچ‌گونه اطلاعی به کتب اهل سنّت و مبانی و نظرایات امامیّه ندارد.

چرا که کدامین فقیه امامی قائل است که روزه روز عاشورا بخاطر قتل حسین علیه السلام حرام می‌باشد. مگر قول مشهور طایفه امامیه- که خداوند کلمهٔشان را بالا برد- استحباب نیست. لکن استحباب به صورت حزن و اندوه.

و اگر فقهائی از متأخرین و معاصرین، معتقد به حرمت است، دلیلش آنچرا که جیلانی به

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۹۶

ما- امامیّه- نسبت داده است نمی‌باشد. بلکه علت حرمت این است که: روزهٔ روز عاشورا به ادعای برکت داشتن این روز از بدعت‌های اموی‌ها می‌باشد. چرا که آنان به قصد شکر بر کشته‌شدن حسین- علیه السلام- که نور چشم رسول خدا بود و آقای جوانان بهشت می‌باشد، روزه می‌گیرند. لذا، روزهٔ آنان به این قصد می‌باشد.

و اجر روزه گیرنده در این روز، برگردن یزید بن معاویه و ابن مرجانه که زنازاده پسر زنازاده بود- و بر سایر قاتلین حسین- که بر آنان هزاران لعنت و عذاب دردناک باد- می‌باشد. و به یقین بهرهٔ روزه گیرنده روز عاشورا به قصد فوق، همان بهره، بدعت گذارنده‌گان روزه در این روز که آتش است- ان شاء اللّه، هست مؤلف: جیلانی را سخنی از ذهبی که در مورد وی گفته است کفایت می‌کند: ذهبی می‌نویسد:

شیخ عبد القادر ... بر اوست در بعضی از گفته‌ها و ادّعاهایش، مأخذ ذکر نماید.

و اللّه الموعد!؟ (۴۵)

اما اینکه جیلانی گفته: اگر روز عاشورا روز مصیبت و ناراحتی بود، صحابه و تابعین این کار را انجام می‌دادند، سخنی به گزاف بر زبان رانده است. چرا که ما روایات مختلفی را متعرّض شدیم که مفاد این روایات آن است که اهل بیت علیهم السّلام،

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۹۷

این روز را روز حزن و عزاء، اتّخاذ نمودند و به مسلمین دستور دادند که عاشورا را روز عزاء و گریه ... قرار دهند. و در این موضوع حموی (۴۶) و طریحی (۴۷) روایاتی را نقل کرده‌اند که خواننده می‌تواند به کلماتشان مراجعه نماید.

عاشورا عید اموی‌ها

از لابه‌لای تاریخ و از تصریحات وقایع‌نگاران بدست می‌آید که، برگزاری جشن‌ها در روز عاشورا مثل عید، روز شادی و شادمانی از بدعتهای اوباش بنی امیّه و کارگزاران آنها مثل حجاج بن یوسف- لعنهٔ اللّه علیه- و همفکرانشان از قبیل حاکمان بنی ایّوب، می‌باشد. همچنانکه به این جریان مقریزی در الخطط و ابو ریحان بیرونی در الاثار الباقیه، تصریح نمودند که بنی امیّه- لعنهٔ اللّه علیه- در این روز لباس جدید می‌پوشیدند و خود را آراسته و سرمه به چشم می‌کشیدند. و به همدیگر تبریک می‌گفتند ... و تا حکومت آنان برقرار بود، این گونه از مراسم اجرا می‌شد ... و حتی با زوال سلطنت آنها، آثار جشن‌های روز عاشورا تا به امروز در بعضی از بلاد اسلامی باقی مانده است- بعضی دیگر اضافه کردند که: بنی امیّه روز اوّل ماه صفر را برای خود عید قرار می‌دادند چرا که در این روز، سر حسین- علیه السلام. را به شام آوردند، (۴۸) ۱- ابو ریحان می‌نویسد: مردم روز عاشورا را بزرگ می‌شمردند، تا اینکه شهادت حسین بن علی بن ابیطالب و اصحاب وی، در این روز، به وقوع پیوست، که بر حسین و یارانش

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۹۸

جنایاتی وارد ساختند که هیچ امتی با شریرترین مخلوق، چنین اعمالی را انجام نمی‌دهد. آنان حسین و اصحابش را با زبانی تشنه به شهادت رساندند و سرهایشان را بر نیزه کرده و بر اجساد پاکشان اسب تاختند، لذا مردم این روز، را بدیمن می‌شمارند. امّا بنی امیّه در این روز، لباس نو به تن کرده و خود را آراسته، سرمه به چشم کشیده و به یکدیگر تبریک می‌گفتند و در این روز، ولیمه و مهمانی می‌دادند. و با شیرینی‌ها و نقل و نبات از مهمانان پذیرائی می‌نمودند که این مراسم در آن ایام در میان مردم شایع بوده و بعد از زوال سلطنت آنان، آثارش باقی ماند. اما شیعه، روز عاشورا را در نوحه و گریه بخاطر کشته‌شدن سیّد الشهدا، به سر می‌بردند، و عزاداری بر حسین علیه السلام را در شهر مدینه و سایر شهرها، علنی برپا می‌کردند، و در این روز، خاک قبر حسین را در کربلا زیارت می‌نمودند و به همین جهت عامّه مردم از نو کردن ظروف و اثاث منزل در روز عاشورا، کراهت داشتند. (۴۹)

۲- مقریزی در کتاب الخطط می‌نویسد: وقتی خلفاء فاطمی بر مصر، تسلّط پیدا نمودند، با فرارسیدن عاشورا، بازارها را تعطیل می‌نمودند، و جماعتی بزرگ از مردم که به گروه حزن- نامیده می‌شدند، به عزاداری می‌پرداختند و شتر قربانی می‌نمودند و تا سایهٔ

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۱۹۹

حکومت فاطمیون در مصر، گسترده بود، همین مراسم ادامه داشت، امّا با سرنگونی حکومت فاطمی در مصر و تشکیل دولت بنی ایّوب، حاکمان آنان، روز عاشورا را، روز شادمانی قرار داده و در این روز برای خانواده‌های خود، اموالی را تهیّه می‌نمودند و ظروف منزل را نو کرده، سرمه به چشم می‌کشیدند و به حمّام می‌رفتند، که مطابق عادت شامی‌ها که حجاج- (۵۰) لعنهٔ اللّه علیه- در زمان عبد الملک بن مروان- لعنهما اللّه تعالی- پایه‌گذاری کرده بود، عمل می‌کردند.

تا به این وسیله بینی شیعهٔ علی بن ابیطالب- کرّم اللّه وجهه- را به خاک مالند. چرا که شیعه، روز عاشورا را به خاطر کشته شدن حسین بن علی- علیهما السلام- روز عزا و مصیبت می‌دانستند. مقریزی در ادامه می‌گوید: ما امروزه باقی مانده اعمال بنی امیه- لعنهم اللّه تعالی- که این روز را، روز شادمانی و جشن قرار می‌دادند، شاهد هستیم. (۵۱)

۳- مصاحب در دائر المعارف می‌گوید: در تونس و مراکش و لیبی، روز عاشورا، روز شادمانی می‌باشد که در این روز مراسم خاصّی برپا می‌گردد و مردم به زیارت قبور می‌روند.

و حلقه‌هایی از آتش درست کرده، و از آن می‌پریدند و سپس حلقه‌ها را در نهرها می‌انداختند.

و نیز اعمال دیگری انجام می‌دادند که از بربرها به ارث برده بودند. (۵۲)

بنابراین آنچه که از کلمات مقریزی و دیگران به ذهن تبادر می‌کند این است که: قرار دادن

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۲۰۰

عاشورا را عید و در این روز، سرمه به چشم کردن و خود را آراستن و مراسم شادی برپا کردن، همگی از بدعتهای خبیثانهٔ شجره خبیثه و ملعونهٔ اموی می‌باشد. به طوری که حجّاج بخاطر تأسی به سروران اموی خویش، اصرار زیادی بر اقامهٔ جشن و سرور در روز عاشورا دارد و حجاج کسی هست که از عدم حضورش در کربلاء، تأسف می‌خورد. تأسف از اینکه چرا خود متولّی ریختن خون سیّد شباب اهل بهشت، حضرت حسین بن علی- علیهما السلام، نشد. اما بعضی از عاداتی که مصاحب در دائر المعارف آورده. و کراجکی نیز آن را نقل کرده، برگرفته از بربرها بود که ارازل و اوباش بنی امیّه برای تکمیل شادی و سرور خود در روز عاشورا، در آداب خود وارد کردند، تا شاهدی باشد بر اینکه ریشه‌های شجره ملعونه به کجا منتسب است.

۴- کراجکی می‌نویسد: کار مردم شگفت‌انگیز هست، از یک طرف ادعای دوستی و محبّت با اهل بیت علیهم السّلام دارند و از طرف دیگر، در روزی که حسین علیه السلام، دچار مصائب گردید، اعمالی از قبیل، اعطای صدقه و انفاق و بخشش بر مستمندان، و خریدن نمک یک سال بخاطر متبرک بودن این روز، پوشیدن لباسهای رنگارنگ و فخر نمودن به یکدیگر، استفاده از بوهای خوش، و در اجتماع به‌هم‌دیگر دست می‌دهند و این روز را تبریک می‌گویند،

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۲۰۱

و در این روز به مهمانی رفته و ضیافت فراوانی برپا می‌کنند. و از اینکه توانستند، به جشن در این روز بپردازند، خداوند را شکر می‌نمایند. و دلیلشان این است که این روز از قبیل سایر روزها نیست بلکه روزی مخصوص هست که مناقب زیادی در آن به وقوع پیوست و ادّعا می‌کنند که در چنین روزی خداوند، توبه آدم را پذیرفت.

حال چطور هست که حق آدم در این روز باید اداء گردد و به جشن و شادی پرداخت ولی حق سیّد اولین و آخرین محمّد خاتم- صلّی اللّه علیه و آله و سلّم که در مصیبت نوه و فرزند و ریحانه و نور چشمش و اهل بیتش که اسیر شده و مورد هتك حرمت قرار گرفتند، نباید اداء گردد.

پس برخیز و در این روز با حزن و اندوه بسر ببر و اعمال آن را به نحو کامل انجام ده.

و کاش فرزندان، کینه‌های پدران خود را به ارث نمی‌بردند. (۵۳)

۵- زین الدین حنفی می‌گوید: روایت شده که عاشورا روز زینت است که میعاد موسی- علیه السّلام- با فرعون در همین روز بود. و نیز روایت شده که در این روز موسی- علیه السّلام- پارچه‌ای از کتّان می‌پوشید و با سنگ سرمه، به چشم سرمه می‌کشید. و یهود اهل مدینه و خیبر در زمان رسول خدا- صلّی اللّه علیه و آله و سلّم این روز را عید می‌گرفتند و به همین عمل، عرب جاهلی، اقتداء و تأسّی می‌کرد و در همین روز، پرده بر روی کعبه می‌انداختند. لکن در

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۲۰۲

در شریعت ما، خلاف آن وارد شده است. در صحیحین از ابو موسی روایت شده که:

روز عاشورا، روزی هست که یهود آن را با عظمت می‌شمارد و لذا، عید قرار داده است.

پس شما این روز را روزه بدارید. و در روایتی مسلم نقل کرده: روز عاشورا روزی هست که یهود خیبر آن را بزرگ شمرده و عید قرار می‌دهد. و زنانشان لباس‌های نو پوشیده و خود را بزرگ می‌نمایند. و رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله فرمود: این روز را روزه بدارید. (۵۴)

۶- سقّاف می‌نویسد: ماکیاولی کتابی نوشت که نامش را الامیر گذاشت.

که در آن ویژه‌گی‌های یک سیاستمدار را برشمرد، در جائی از این کتاب آمده که: هدف وسیله را توجیه می‌کند. براین‌اساس برای حاکم سیاسی جایز هست که تلاش کند و از هر وسیله‌ای استفاده نماید تا حادثه کربلاء را دفن کند. هر چند این عمل با دین و اخلاق منافات داشته باشد اما چون در راه خاموش کردن شعله عاشورا و دفن قضیّه کربلا هست، اشکال ندارد. لذا می‌بینیم که حکمرانان ستمگر، شروع به جعل اخبار کرد.

و این احادیث را به جدّ حسین علیه السلام یعنی پیامبر اسلام به دروغ نسبت دادند، امّا چون جاعلین زیاد بودند و روش‌های متفاوتی در جعل حدیث به کار بردند، اخبار متناقض و متضارب در آمد، لذا این اخبار با همهٔ کثرتش نتوانست قضیّه کربلاء

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۲۰۳

را دفن کند، و حادثهٔ هولناك کربلاء، به همان صورت واقعی‌اش باقی ماند که باید گفت:

این حادثه قضیّه‌ای بزرگ می‌باشد که ریختن خون حسین- علیه السلام- را حلال شمردند.

شریف رضی- رضوان اللّه تعالی علیه- در وصف حادثه هولناك کربلاء می‌گوید:

کانت مآتم بالعراق تعدّها امویّة بالشام من اعیادها

جنایتی که در عراق رخ داد، اموی‌ها آن را در شام جزء عید و جشنهای خود می‌شمارند

جعلت رسول اللّه من خصمائها فلبئس ما ادّخرت لیوم معادها

که با این عمل، رسول خدا را از جمله دشمنان خود قرار دادند و بد چیزی برای معاد خود ذخیره کردند

نسل النّبی علی صعاب مطیّها و دم النبیّ علی رؤوس صعادها. (۵۵)

نسل پیامبر زیر فشار اسبان بنی امیّه قرار گرفت و خون پیامبر بر روی بلندی ریخته شد.

معاویه عاشورا را روز عید اعلان نمود.

از جمله چیزهائی که تأیید می‌کند اعلان عاشورا به عنوان عید از بدعتهای بنی امیه- لعنهم اللّه تعالی- هست، روایتی هست که بیان کند معاویه لعنه الله تعالی از روز عاشورا به عید تعبیر نموده است.

درحالی‌که نه از پیامبر گرامی صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و نه از صحابه آن حضرت، چنین تعبیری نرسیده است. البته صحابی اموی یا کسانی که محبّت آل امیّه را در دل داشتند و یا تابع شرع یهود بودند، از عاشورا تعبیر به عید نمودند:

۱- عبد الرزاق از ابن جریج نقل می‌کند که وی گفته است: یحیی بن محمد بن عبد اللّه صیفی (۵۶)، به من

خبر داده که عمرو بن ابی یوسف- برادر بنی نوقل- به او خبر داد: درحالی‌که معاویه بر روی منبر بود، از او شنید که می‌گفت: روز عاشورا، روز عید است پس کسی که این روز را روزه بگیرد، روزه‌اش را گرفت و کسی که روزهٔ این روز را ترک کند، حرجی بر او نیست. (۵۷)

با توجه به این عبارت، مشخص می‌شود که معاویه لعنهٔ اللّه علیه اوّلین کسی هست که بر روز عاشورا، صفت عید اطلاق نموده است. و به نظر می‌آید، مخصوصا معاویه و بنی امیه همگی، انتظار داشتند که مقتل حسین شهید علیه السلام در این روز به وقوع بپیوندد. چرا که اینان عنایت خاصی به خبرهای که پیامبر صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و علی علیه السلام در مورد جنگهای خونین و فتنه‌ها، گزارش داده بودند، داشتند (۵۸) که در میان اخبار جنگهای خونین، روایات زیادی پیرامون مقتل امام حسین علیه السلام وجود داشت، و مشخص شده بود که آن امام همام علیه السلام در چه زمانی و در چه زمینی به شهادت خواهند رسید.

گاهی در بعضی از کتابها می‌نویسند که بر طبق برخی از نصوصی که به پیامبر نسبت می‌دهند، آن حضرت عاشورا را عید نامید. از ابو هریره نقل شده که رسول خدا- صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود: عاشورا عید پیامبر قبل از شما بود پس این روز را شما روزه بگیرید. (۵۹) امّا باید گفت: اوّلا در سند روایت ابراهیم هجری واقع شده است که

دانشمندان علم حدیث او را تضعیف نمودند. (۶۰) و همچنانکه هیثمی گفته، افرادی چون:

ابن عیینه و یحیی بن معین و نسائی، وی را قبول ندارند. (۶۱)

ثانیا: حافظ زین الدین حنبلی، این روایت را از هجری نقل کرده ولی در روایت کلمهٔ عید وجود ندارد. که روایتش این است: عاشورا را انبیاء روزه می‌گرفتند پس شما- هم- این روز را روزه بدارید. (۶۲) ثالثا: به رغم جستجو و مراجعه به احادیث، (۶۳) به روایتی خبر از روایت هجری دسترسی پیدا ننموده‌ام که از روز عاشورا تعبیر به عید کرده باشد، که شبههٔ جعلی بودن حدیث هجری را تقویت می‌کند و یا این احتمال وجود دارد که در حدیث دست برده شد. اما بهر حال، هجری نزد علمای فن رجال ضعیف است.

البته بخاری حدیثی نقل کرده که مضمونش این است:

روز عاشورا را یهود عید می‌شمردند. رابعا: توصیف عاشورا به عید، در زمان انبیای گذشته، ملازم با این نیست که در زمان پیامبر بزرگوار هم، عید شمرده شده است.

وظایف مؤمنین در شب و روز عاشورا:

اشاره

از آنجائی که مباحث این کتاب منتهی به فجایعی شـد که اموی‌ها و کارگزارانشان در روز عاشورا مرتکب گردیدند و به عامهٔ مردم دستور داده تا در این روز به شادی و بر پائی جشن بپردازنـد و به این وسیله درصـدد دفن عاشورا و ماجرای کربلای حسـینی- علیه السلام-

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۲۰۶

بودنـد. لـذا چاره‌ای نیست که در این جـا، با توجه به روایاتی که از ائمه علیهم السـلام رسـیده، اعمالی از شب و روز عاشورا آورده شود تا با انجام آن در این روز، با اهل بیت رسول اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم همدردی شده باشد. و به همین جهت پاره‌ای از روایات در فصل: دوم از بخش چهارم که دیـدگاه ائمه علیهم السـلام درباره روز عاشورا بود، آورده شـد و طایفهٔ دیگر از روایات و نیز سخنان فقهاء- رضوان اللّه علیهم در این فصل مطرح می‌گردد.

[اما در شب عاشورا]

۱- زیارت حسین علیه السلام در شب و روز عاشورا:

الف: ابن طاووس: ما به اسـناد خود از شـیخ ابو جعفر طوسی از جابر جعفی از ابو عبد اللّه علیه السلام روایت کردیم که آن حضرت فرمودنـد: هرکس در شب عـاشورا نزد قبر حسـین بیتوته کنـد، در روز قیامت خداونـد را در حالی که آغشـته به خون حسـین هست ملاقات می‌کند و گویا به همراه حسین در صحراء کربلا کشته شد. (۶۴)

ب: ابن طاووس: شـیخ ما مفید در کتاب التواریخ الشـرعیّه گوید: و روایت شده که هرکس حسـین را زیارت کند و در شب عاشورا نزد او تا به صـبح بیتوته کنـد، خداوند تعالی او را درحالی‌که آغشـته به خون حسـین- علیه السـلام- هست، در جمله شـهدائی که با حسین شهید شدند، محشور می‌گرداند. (۶۵)

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۲۰۷

ج ابن قولویه: از جـابر جعفی نقـل شـده که گویـد: بر جعفر بن محمّـد- علیهمـا السـلام، در روز عاشورا وارد شـدم. حضـرت به من فرمود: اینـان زوّار خداونـد هسـتند بر زیارت شونـده سـزاوار هست تا زائر را تکریم نمایـد. هرکس در شب عاشورا کنار قبر حسـین. بیتوته کند، خداوند را در روز قیامت، درحالی‌که آغشـته به خون حسـین هست ملاقات می‌نماید، که گویا به همراه حسـین در عصر عاشورا کشته شده است. و نیز حضرت فرمود: هرکس قبر حسین علیه السلام را در روز عاشورا زیارت کند یا نزد قبرش بیتوته نماید، مانند کسی می‌باشد که در مقابل حسین- علیه السلام به شهادت رسیده است. (۶۶)

د- ابن قولویه: از حریز از ابی عبـد اللّه علیه السّـلام نقل شـده که آن حضـرت فرمود: هرکس در روز عاشورا حسـین را زیارت کند، بهشت بر او واجب می‌شود. (۶۷)

ه- ابن قولویه: از زید شـحّام از ابو عبد اللّه علیه السلام که حضرت فرمودند: هرکس در روز عاشورا قبر حسین علیه السلام را زیارت کند و عارف به حق حسین باشد، مانند کسی هست که در عرش، خداوند را زیارت نموده است. (۶۸)

و: ابن قولویه: از محمد بن جمهور عمّی از کسی که نام او را ذکر نمود، از ائمه علیهم السلام:

هرکس در روز عاشورا قبر حسین را زیارت کند، مانند کسی هست که خونش را در

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۲۰۸

مقابل امام حسین علیه السلام به زمین ریخت. (۶۹)

ز: ابن قولویه: محمد بن ابی سیّار مدائنی به اسناد خود روایت کرده که: هرکس در روز عاشورا کنار قبر حسین علیه السلام آب دهد، مانند کسی هست که به لشکر حسین آب داده و به همراه حسین به شهادت رسیده است. (۷۰)

ح- ابن قولویه ... از یزید شحّام از جعفر بن محمّد- علیهما السلام که حضرت فرمود:

هرکس حسین را زیارت کند ... و هرکس زیارت کند حسین را در روز عاشورا پس گویا خداوند را در فوق عرش‌اش زیارت نموده است. (۷۱)

ط: مفید: روایت شده که هرکس می‌خواهد حقّ رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و حق امیر المؤمنین علیه السلام و حقّ فاطمه علیها السلام را اداء کند، پس باید در روز عاشورا حسین علیه السلام را زیارت کند. (۷۲)

ی: مفید: روایت شده که هرکس در روز عاشورا حسین علیه السلام را زیارت کند، خداوند گناهان گذشته و آیندهٔ او را مورد مغفرت قرار می‌دهد. (۷۳)

ک: طوسی: از صالح بن عقبهٔ از پدرش از ابو جعفر علیه السلام که حضرت فرمودند:

هرکس حسین- علیه السلام را در روز عاشورا از محرّم زیارت کند و نزدش همچنان با گریه، باشد

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۲۰۹

خداوند عزّ و جلّ را در روزی ملاقات می‌کند، که ملاقاتش به همراه ثواب دو هزار حجّ و دو هزار عمرهٔ و دو هزار غزوه می‌باشد و ثواب هر حجّ و عمرهٔ و غزوه مانند ثواب کسی است که حجّ و عمره بجای آورده و به همراه رسول خدا- صلّی اللّه علیه و آله و سلّم، در غزوه شرکت نموده است. (۷۴)

۲- احیاء شب عاشورا به جهت همدردی با اهل بیت علیهم السّلام:

اشاره

ابن طاووس می‌گوید: بدانکه این شب را مولای ما حسین علیه السلام و اصحابش با نماز و دعا، احیا نمودند، درحالی‌که زنادقهٔ اسلام آنها را احاطه کرده و ریختن خونشان را مباح دانسته و درصدد هتک حرمت و به اسارت گرفتن زنان پرده‌نشین اهل بیت بودند. لذا، سزاوار هست کسی که این شب را درک کرد، با باقی ماندهٔ اهل آیه مباهله و آیه تطهیر، همدردی نماید و به همراه غضب خداوند- جلّ جلاله و رسول او صلوات اللّه علیه، خشمناک از آن فاجعهٔ هولناک باشد و بواسطه اخلاص در موالات اولیاء خدا و دشمنی با دشمنان او، به خداوند- تقرّب بجوید.

اما فضیلت احیاء شب عاشورا:

۱- ما در کتاب دستور المذکّرین روایتی را با سندی که مؤلف ذکر کرده از رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم مشاهده نمودیم که حضرت فرمود: هرکس شب عاشورا را احیاء بدارد، پس گویا عبادت کرد خداوند را به اندازه عبادت تمام ملائکه، و اجر عبادت کننده در آن شب مانند اجر عبادت ۷۰ سال است (۷۵)

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۲۱۰

مؤلف: مؤلف کتاب دستور المذکّرین، همچنانکه پیشتر بیان شد، محمد بن ابی بکر یا محمد بن عمر، ملّقب به ابو عیسی مدینی شافعی است. و ابن طاووس ضامن صحت روایاتی که وی نقل کرده، نشده است. و لذا گوید: ما در کتاب دستور المذکّرین روایاتی دیده‌ایم که امکان دارد به آن روایات از باب تسامح در ادلّه سنن که حمل بر استحباب یا...

می‌شود، عمل نمود.

۲- از امام علی علیه السّلام: اگر قدرت دارید که محافظت کنید بر ... شب عاشورا، پس (همین) کار را انجام دهید و در- این شب- زیاد دعاء و نماز و تلاوت قرآن بجای آورید. (۷۶)

امّا روز عاشورا: که دارای اعمال و تکالیفی هست که به بعضی از آن اشاره می‌نمائیم.

۱- اظهار حزن و اندوه:

ابن طاووس می گوید: کمترین عملی که در روز عاشورا می‌بایست انجام دهی این است که قتل مولایمان حسین- صلوات اللّه علیه و کسانی که با ایشان بودند، از اهل بیت و فرزندان، را به منزله قتل پدر و مادر و فرزند خود یا کسی که کشته شدنش بر تو گران می‌آید، قرار دهی. پس در روز عاشورا حالت چنان باشد که گویا، خاصّ‌ترین و نزدیک‌ترین فرد از خاندان تو از دست رفت. و خود می‌دانی که مرگ عزیزترین فرد خاندان، نه ظلم به تو و نه ظلم به آنان و نیز شکستن حرمت اسلام و کفر دشمنان نسبت به حرمت نیست.

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۲۱۱

لذا، کوشش کن که خداوند- جلّ جلاله- چنان تو را ببیند که هر گاه چیزی بر او گران بود، بر تو هم گران آید. و نیز کوشش کن که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم، تو را چنان ببیند که هرگاه چیزی بر آن حضرت ناخوشایند بود، بر تو هم ناخوشایند باشد. و این کوشش را باید کسانی که خواهان وفای عهد نسبت به خدا جل جلاله و رسول و خاندان او هستند داشته باشند.

و همچنین کسانی که دوست دارند تا خداوند جلّ جلاله و پیامبر و اولیای خدا- علیه و علیهم السلام- در هنگام بدبختی و نیاز، با او باشند، باید آنچنان حالت را در خود پدید آورند. چرا که اگر شخصی در غضب و رضایت و لذت و سرور با آنان همراهی داشته باشد، به یقین آنان نیز در این امور با او خواهند بود. (۷۷)

۲- برپائی عزا:

الف: از امام ابی جعفر- امام باقر- علیه السلام روایت شده که آن حضرت فرمودند ... پس ندبه کند بر حسین و بگرید بر او و امر کند کسانی را که در خانه‌اش هستند، هرگاه از ایشان تقیّه نمی‌کند به گریستن بر آن حضرت. و در خانهٔ خود مصیبتی به اظهار کردن جزع بر آن حضرت برپا دارد و یکدیگر را به مصیبت حسین- علیه السلام- تعزیت بگویند. (۷۸) ب: از امام رضا علیه السّلام نقل شده که آن حضرت فرمودند: هرکس روز عاشورا را روز مصیبت و حزن خود- قرار دهد- خداوند روز قیامت را

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۲۱۲

روز شادی و سرورش قرار می‌دهد و بواسطهٔ ما، چشمش را در بهشت روشن میگرداند. (۷۹).

ج: ابن طاووس می‌نویسد: از امور مهمّه نزد اولیاء در روز عاشورا، مشارکت با ملائکه و انبیاء و اوصیاء در عزا بخاطر آنچه که از حرمتهای الهی نادیده انگاشته شد و مقامات نبویّه، مندرس گشت و بدعتهای که بواسطه حکومت ابلیس و یارانش بر دین وارد

گشت، لذا انسان باید به عزا بنشیند و آنچه که از بی‌حرمتی‌ها بر فرزندان سید الانبیا- صلوات اللّه جل جلاله علیه- جاری کردند به یاد آورد، و با ذکر مصائب و ریخته شدن خون آنان، همدردی نماید.

د: در دمشق روز عاشورا، جمعیت فراوانی اقامهٔ عزاء می‌کردند که سبط ابن جوزی در رثاء حسین مرثیه می‌خواند و مردم به گریه می‌افتادند. ابن کثیر می‌گوید ... در مجلس وعظ سبط بن جوزی، خواننده‌ای بود که شعرهائی با محتوا با صدای نیکو می‌خواند.

در روز عاشورا آنهم در زمان ملک ناصر، حاکم حلب، از سبط بن جوزی خواسته می‌شود تا از مقتل حسین علیه السلام برای مردم ذکر مصیبت نماید. لذا، وی بر بالای منبر رفته و زمان طولانی بدون آنکه سخنی بگوید، می‌نشیند. سپس دستار به صورت نهاده و شدیدا درحالی که می‌گریست این ابیات را می‌خواند:

ویل لمن شفعاؤه خصماؤه: وای بر کسی که شفیعان او دشمنانش هستند و الصور فی نشر الخلائق ینفخ: و زمانی که با نفخ صور، خلایق- در روز قیامت- حاضر می‌شوند

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۲۱۳

لاـ بدّ ان نزد القیامه فاطمه: چاره‌ای نیست از اینکه فاطمه وارد- عرصهٔ قیامت می‌شود و قمیصها بدم الحسین ملطّخ: درحالی که پیراهنش به خون حسین آغشته است.

سپس درحالی که گریان بود از منبر پائین آمد و به طرف صالحیه با چشم اشک‌آلود، حرکت کرد (... ۸۰)

۳- دست برداشتن از کارهای شخصی:

الف: از امام رضا علیه السلام روایت شده که حضرت فرمودند: هرکس در روز عاشورا سعی در حوائج خود را ترک نماید، خداوند حاجات دنیا و آخرت او را برآورده می‌سازد. (۸۱)

ب: امام باقر علیه السلام فرمودند ... و اگر توانستی، روزت را به دنبال حاجت نرو چرا که روز عاشورا، روز نحسی هست که حاجت هیچ مؤمنی در این‌روز برآورده نمی‌شود و اگر هم برآورده شود، با برکت نیست و در آن رشد دیده نشده است (۸۲)

۴- امساک از طعام:

ابن طاووس می‌نویسد: بدان که ما گفتیم: روز عاشورا، روز عیادت از مصیبت‌دیده‌گان می‌باشد که انسان تا آخر این روز مصیبت از خوردن و آشامیدن امساک می‌نماید و سپس از تربت قبر شریف حسین- علیه السلام تناول می‌کند و از دعاهائی که هنگام خوردن ماکولات خوانده می‌شود و ما آن را در جزء سابق بیان نموده‌ایم، می‌خوانند، و علاوه بر آنچه که ذکر کرده‌ایم می‌گوئیم: پروردگارا، همانا ما از خوردن و آشامیدن، از آن جهت که اهل بیت نبوت

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۲۱۴

در جنگ و سختی قرار گرفتند، امساک می‌نمائیم. و امّا زمانی که بواسطه شهادت به دار بقاء منتقل شدند و به مراتب و درجه‌های شهداء و سعداء، دست یافتند و مصداق آیهٔ وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللّهِ أَمْوَاتاً بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ، (۸۳) گردیدند، ما هم با آنها همراهی کرده، و اکنون از آن رهگذر که آنان در دیار رضوان مرزوق حق هستند، طعام تناول می‌نمائیم، لذا ما در امساک از اکل و شرب و بازکردن دهان به مشتهیات، تابع آنان هستیم. پس آن عمل ما را سبب آزادی از جهنم و ملحق‌شدن به آنها در درجات صالحین قراربده، به رحمت تو ای بخشنده‌ترین بخشنده‌گان. (۸۴)

مؤلف: امساکی که ابن طاووس بیان نمودند، به معنای روزه نیست. بلکه شاید اشاره به روایت ابن سنان از امام علیه السلام باشد که

حضرت فرمود: روزه بگیرید اما نه تا شب و افطار شما باید بعد از عصر باشد...

۵- نفرین در حق ظالمین:

الف: از امام صادق علیه السلام فرمود: پس زمانی که از نماز فارغ شدی، در همان موضعی که نماز خواندی بایست و هفتاد مرتبه بگو: پروردگارا، کسانی که با پیامبرانت به جنگ برخواستند، و در برابر- تو مزاحمت ایجاد کردند و غیر تو را عبادت کردند و محارم تو را حلال شمردند، عذاب کن. و رهبر و تابعین و کسانی که از آنها هستند- و نیز- کسانی که

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۲۱۵

به فعلشان رضایت دارند، لعنت زیاد بنما. (۸۵)

ب- و نیز امام صادق علیه السلام فرمودند: در قنوت خود می گوئی: پروردگارا، همانا امّت با ائمه مخالفت کرده و به کلمه کفر ورزیدند و اقامهٔ بر ضلالت و کفر و پستی و جهالت و کوری، نمودند. و کتابی را که تو دستور به شناختنش داده‌ای، وصی‌ائی که به اطاعتش دستور داده‌ای، ترک کردند. پس حق را کشتند و از قسط منحرف گشتند و امت را از حق گمراه نمودند و با سنّت مخالفت ورزیدند و کتاب را جابجا نمودند و مالك گروهها گشتند و وقتی حق به سراغشان آمد، به آن کفر ورزیدند و به باطل چنگ زدند و حقّ را ضایع نمودند و خلقت را گمراه کردند و فرزندان پیامبرت و بهترین بندگان و برگزیده گانت و حاملین عرش و خزنهٔ سرّت و کسانی که تو آنان را حاکمان بر آسمانها و زمینت قرار داده‌ای، کشتند.

پروردگارا، پس قدمهایشان را متزلزل گردان و خانه‌هایشان را خراب بنما و سلاحها و دستهایشان را ببند و در آنچه که بینشان هست، اختلاف افکن و نیرنگ‌شان را سست‌نما و بوسیله شمشیر برندهٔ و سنگ دندان‌شکنت، آنان را بزن و با بلای خانمانسوز، آنها را فراگیر، و به بلای غیب آنها را دچار ساز و آنان را به عذاب سخت و شدید، عذاب نما- و آنان را به قحطی مبتلاء ساز یا در آتش فوران کننده جهنم قرارده-

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۲۱۶

و آنان را سالها بگیر همچنانکه سالها دشمنانت را گرفتی و نابود کن آنها را به آنچه که دشمنانت را با آن نابود کردی. پروردگارا، و بگیر آنان را همانند ظالمان شهرها- روستاها- را گرفتی چرا که گرفتن تو قریه‌هائی که اهلش ظالمند، دردناك و شدید است. (۸۶)

۶- دعاء به فرج:

از جمله دعائی که امام صادق علیه السلام آن را به عبد الله بن سنان آموخت این است که حضرت فرمود: در روز عاشورا بعد از نماز می‌خوانی:

پروردگارا، اهل محمّد همگی را آسایش و آرامش بخشای. و آنان را از دستان منافقین و کفار و منکرین، نجات ده و بر آنان منت بگذار و برای آنان فتح آسان، بکشای.

و برای آنان از نزد خود بر علیه دشمن تو و آنها، سلطان نصیر قرار ده. (۸۷)

۷- زیارت شهداء در روز عاشورا:

ابن طاووس فصل چهاردهم از کتاب خود را به همین عنوان اختصاص داده، سپس زیارت وارده از ناحیه مقدسه و آنچه که متضمّن

اسامی شهداء کربلا بود، ذکر کرده است. (۸۸)

۸- پوشیدن لباس سیاه:

گروه کثیری از علمای اعلام و فقهای بزرگوار امامیّه معتقد به استحباب پوشیدن لباس سیاه در ماتم مولای‌مان حسین علیه السلام هستند، که این بزرگواران نیز در ایام شهادت آن امام همام لباس سیاه به تن می کردند.

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۲۱۷

از جمله کسانی که قائل به استحباب پوشیدن لباس سیاه در عزای امام حسین علیه السلام، هستند عبارتند از ۱- فقیه، محدّث بحرانی در حدائق، دربندی در الاسرار، سیّد اسماعیل عقیلی نوری در وسیلهٔ المعاد فی شرح نجاهٔ العباد، محدّث نوری در مستدرک، شیخ زین العابدین مازندرانی، در ذخیرهٔ المعاد، شیخ محمد تقی شیرازی، شیخ محمد حسین کاشف الغطاء در حاشیه خود بر عروهٔ الوثقی، شیخ محمد علی نخجوانی در الدعاء الحسینّیهٔ- سیّد حسن صدر در تبیین الرشاد فی لبس السواد علی الائمهٔ الامجاد و شیخ ابو الفضل تهرانی در شفاء الصدور، و بعضی از فقهاء از قبیل فقیه سیّد حسین قمی و سیّد حکیم و ... در طول این دو ماه- محرّم و صفر- لباس سیاه به تن می‌نمودند. (۸۹)

و پوشیدن لباس سیاه در ماتم امام حسین علیه السلام بوسیله روایتی که برقی آن را از عمر بن زین العابدین- علیه السلام- نقل کرده است، تأئید می گردد. وی می گوید: وقتی که جدّم حسین علیه السلام کشته شد، زنان بنی هاشم لباس سیاه و پشمینه در ماتم حسین علیه السلام پوشیدند و این لباس همچنان بر تنشان بود و از گرما و سرما، شکایت نمی‌نمودند، و علی بن الحسین علیهما السلام، برای آنان طعام درست می کرد- یا- می آورد (۹۰)

لذا، بعید به نظر می‌رسد که امام علیه السلام از پوشش سیاه که زنان به تن می کردند، خبر نداشته بود

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۲۱۸

و چون آنان را از عملشان منع نکرد، بدست می آید که آن حضرت علیه السلام، پوشش سیاه را تائید فرمود. (۹۱) در این جا اعمال و ادعیه و زیارات دیگری هست که باید در محلش پیدا نمود.

«اللّهم ارزقنی شفاعهٔ الحسین یوم الورود و ثبّت لی قدم صدق عندک مع الحسین و اصحاب الحسین الذین بذلوا مهجهم دون الحسین علیه السلام و الحمد للّه رب العالمین

پاورقی‌ها:

- ۱: الفوائد المجموعهٔ اثر شوکانی ص ۱۰۰

- ۲: مجمع الزوائد ج ۳ ص ۱۸۹- در حقیقت کینه رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و دختر گرامی‌اش فاطمهٔ زهرا علیها السلام را در سینه داشتند و با آل رسول دشمنی می‌ورزیدند- نمونهٔ زیادی از کینه توزی‌ها در کتب تاریخی ثبت شده است و صاحب الغارت در جلد دوم ص ۸۴۳، قضیّه تکان دهنده‌ای که قلم از نوشتن آن شرم دارد، نقل نموده است.

- ۳: الموضوعات ج ۲ ص ۲۰۰

- ۴: الفوائد المجموعهٔ ص ۱۰۰

- ۵: مصنّف عبد الرزّاق ج ۴ ص ۲۹۱ ح ۷۸۵۲

- ۶: میزان الاعتدال ج ۳ ص ۹۳، الضعفاء ج ۵ ص ۲۶۶

- ۷: میزان الاعتدال ج ۱ ص ۲۵۱

– ۸: نصب الرایهٔ ج ۲ ص ۴۵۵

– ۹: ابن تیمیه اعمال بنی امیّه را تقبیح می‌نمود و معتقد بود که آنان احادیث درباره روزه روز عاشورا جعل کرده‌اند– اقتضاء الصراط المستقیم– نشر مکتبهٔ الریاض الحدثیهٔ

– ۱۰: الموضوعات ج ۲ ص ۲۰۰

– ۱۱: همان

– ۱۲: الموضوعات ج ۲ ص ۲۰۲

– ۱۳: مجمع الزوائد ج ۳ ص ۱۸۸

– ۱۴: الموضوعات ج ۲ ص ۲۰۲

– ۱۵: همان

– ۱۶: تهذیب الکمال ج ۴ ص ۱۱۶. الکامل فی الضعفاء ج ۲ ص ۴۱۲، حاشیهٔ الجمل علی شرح المنهج ج ۲ ص ۳۴۷

– ۱۷: سخن در مورد اینگونه از احادیث در صفحات پیشین گذشت

– ۱۸: الاسرار المرفوعهٔ ۳۴۵– ۳۲۰– ۴۰۲– تهذیب التهذیب ج ۲ ص ۱۵۹

– ۱۹: همان

– ۲۰: همان

– ۲۱: لطائف المعارف ۱۱۳

– ۲۲: عمدهٔ القاری ج ۱۱ ص ۱۱۸

– ۲۳: کیف نتعامل مع السنّهٔ النبویّهٔ، ۸۲۵ منشور فی السنّهٔ النبویّهٔ و منهجنا فی بناء المعرفهٔ و الحضارهٔ ج ۲ ص ۱۹۹۲–

– ۲۴: الاقبال ج ۳ ص ۸۲، که بحار از وی نقل میکند ج ۹۵ ص ۳۴۴ و ج ۴۴ ص ۲۸۴ عیون اخبار الرّضا ج ۲ ص ۲۹۹– امالی صدوق ص ۱۱۲، وسائل ج ۱۴ ص ۵۰۴ ب ۶۶ ح ۷

– ۲۵: مصباح المتهجّد ص ۷۱۳، که صاحب وسائل از او در ج ۱۴ ص ۵۰۹ ب ۶۶ ح ۲۰ از او نقل نموده است.

– ۲۶: در بحار ج ۴۵ ص ۲۰۲ عبارت: زمانی که بسوی خورشید نگریستی ... قید شده است

– ۲۷: علل الشرایع ج ۱ ص ۲۲۷ ب ۱۶۲ ح ۳– امالی صدوق مجلس ۲۷ شمارهٔ ۱ بحار الانوار ج ۴۵ ص ۲۰۳. وافی ج ۱۱ ص ۷۶. سفینهٔ البحار ج ۶ ص ۲۷۰

– ۲۸: اقبال ج ۳ ص ۶۸

– ۲۹: بحار الانوار ج ۴۵ ص ۲۰۷

– ۳۰: علل الشرایع ج ۱ ص ۲۲۷ ب ۱۶۲، که بحار در ج ۴۴ ص ۲۶۹، از وی نقل نموده است.

– ۳۱: المستدرکات فی علم رجال الحدیث ج ۵ ص ۷۰

– ۳۲): الاختصاص ص ۲۱۶

– ۳۳: کلیّات فی علم الرجال ص ۱۵۲

– ۳۴: معجم رجال الحدیث ج ۳ ص ۳۱۶ در شرح حال بشر بن سلیمان

– ۳۵: قاموس الرجال ج ۶ ص ۵۵۰

– ۳۶: منتهی المقال ج ۴ ص ۲۱۶، تنقیح المقال ج ۲ ص ۲۰۲

– ۳۷: تفسیر المیزان ج ۹ ص ۲۸۸

– ۳۸: تفسیر المیزان ج ۹ ص ۲۸۷: مؤلف: لذا محرّم در اصطلاح اسلامی، در جاهلیت مطرح نبود

– ۳۹: تفسیر المیزان ج ۹ ص ۲۸۸

– ۴۰: سفینة البحار ج ۶ ص ۲۷۰

– ۴۱: الموضوعات ج ۲ ص ۲۰۰

– ۴۲: عمدة القاری ج ۱۱ ص ۱۲۱

– ۴۳: الموضوعات ج ۲ ص ۲۰۰

– ۴۴: میزان الاعتدال ج ۳ ص ۹۳

– ۴۵: سیر اعلام النبلاء ج ۲۰ ص ۴۵۱

– ۴۶: فرائد السمطین ج ۲ ص ۱۵۴

– ۴۷: مجمع البحرین ج ۳ ص ۴۰۵

– ۴۸: الحضارة الاسلامیّه ج ۱ ص ۱۳۷

– ۴۹: الکنی و الالقاب ج ۱ ص ۴۳۱. عجائب المخلوقات به حاشیة حیاة الحیوان دمیری ج ۱ ص ۱۱۴ و ج ۳ ص ۱۰۴

– ۵۰: ذهبی وی را جنایتکار معرفی نموده است می‌گوید: خداوند، وی را در رمضان سال ۹۵ ه، هلاک نمود و او فردی بسیار ستمکار، جبّار، ناصبی، خبیث و بسیار خونریز بود...

و ما او را سب می‌نمائیم و دوستار او نیستیم و در راه خدا، با او دشمنی می‌ورزیم. سیر اعلام النبلاء ج ۴ ص ۳۴۳. دمیری در حیاة الحیوان ج ۱ ص ۹۶– ۲۴۱ می‌نویسد: زمانی که او از دنیا رفت، در زندانش، ۵۰ هزار مرد و ۳۰ هزار زن وجود داشت که ۱۶ هزار زن، برهنه بودند.

جنایت‌های این فرد پست در کتابهای تاریخ الاسلام حوادث سال ۶۱– ۸۰ و نیز در کتاب حیاة الامام الحسین ج ۲ ص ۳۰۰ آمده است.

– ۵۱: الخطط ج ۲ ص ۳۸۵– که الکنی و الالقاب درج ۱ ص ۴۳۱ از وی نقل نموده است– الحضارة الاسلامیّة ج ۱ ص ۱۳۷، دائرة المعارف بستانی ج ۱۱ ص ۴۴۶

– ۵۲: دائرة المعارف مصاحب ص ۱۶۵۲

– ۵۳: التعجّب ص ۱۱۵

– ۵۴: لطائف المعارف ص ۱۱۱. فتح الباری ج ۴ ص ۲۹۲

– ۵۵: مجلّة الهادی سال هفتم عدد دوم

– ۵۶: در مورد اسم وی اختلاف وجود دارد. تهذیب التهذیب ج ۱۱ ص ۲۱۲

– ۵۷: مصنّف عبد الرزّاق ج ۴: ۲۹۱ ح ۷۸۵۰. این حدیث را بخاری ذکر کرده ولی کلمهٔ عید در آن نیست.

– ۵۸: شاهد بر این مطلب، آن است که بنی امیّه نسبت به کعب الاحبار بخاطر اینکه اخبار پادشاهان را نقل می‌کرد، احترام می‌نمودند ... پس خوب دقت بنما

– ۵۹: مجمع الزوائد ج ۳ ص ۱۸۵

– ۶۰: همان

– ۶۱: الکامل فی الضعفاء ج ۱ ص ۲۱۲

– ۶۲: لطائف المعارف ص ۱۰۲.

– ۶۳: السنن الکبری ج ۴ ص ۴۸۱. المعجم المفهرس ج ۴ ص ۴۲۰. بعضی از عباسیّون همان اعمال بنی امیه را در روز عاشورا انجام می‌دادند. در این زمینه مراجعه شود به: تاریخ الاسلام حوادث سال ۲۴۱ ص ۱۶. طبری ج ۹ ص ۲۱۹. الکامل فی التاریخ ج ۷ ص ۹۳. المختصر فی اخبار البشر ج ۲ ص ۴۱. النجوم الزاهره ج ۲ ص ۳۲۲

– ۶۴: اقبال ج ۳ ص ۵۰- مصباح المتهجّد ج ۲ ص ۷۷۱، بحار الانوار ج ۹۸ ص ۳۴۰ کامل الزیارات ص ۱۹۱. مصباح کفعمی ص ۴۸۲. وسائل الشیعه ج ۱۴ ص ۴۷۸

– ۶۵: اقبال ج ۳ ص ۵۰، بحار ج ۹۸ ص ۱۰۱

– ۶۶: کامل الزیارات ص ۱۹۱. التهذیب ج ۶ ص ۵۱ ح ۱۲۱. وسائل ج ۱۴ ص ۴۷۶ مصباح المتهجّد ص ۷۱۳

– ۶۷: همان

– ۶۸: اقبال ص ۳۸

– ۶۹: کامل الزیارات ص ۱۹۲

روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی، ص: ۲۲۲

– ۷۰: همان

– ۷۱: همان

– ۷۲: مسار الشیعهٔ ص ۶۱ وسائل ج ۱۴ ص ۴۷۷ ب ۵۵ ح ۶ و ۷

– ۷۳: همان

– ۷۴: مصباح المتهجّد ص ۷۱۳، وسائل ج ۱۴ ص ۴۷۷ ب ۵۵ ح ۶ و ۷

– ۷۵: اقبال ج ۳ ص ۵۰

– ۷۶: بحار الانوار ج ۹۵ ص ۳۳۶

– ۷۷: اقبال ج ۳ ص ۸۱

– ۷۸: اقبال ج ۳ ص ۸۲

– ۷۹: اقبال ج ۳ ص ۸۱

– ۸۰: البدایهٔ و النهایهٔ ج ۱۳ ص ۲۰۷، العبر ج ۲ ص ۸۹. تاریخ الاسلام حوادث سال ۳۵۳ ص ۱۱، مستدرک سفینهٔ البحار ج ۷ ص ۲۳۹

– ۸۱: اقبال ج ۳ ص ۸۲

– ۸۲: مصباح المتهجّد ۷۱۳، وسائل نیز از او نقل کرده است ج ۱۴ ص ۵۰۹ ب ۶۶ ح ۲۰

– ۸۳: آل عمران ص ۱۶۹

– ۸۴: اقبال ج ۳ ص ۹۱

– ۸۵: اقبال ج ۳ ص ۶۷

– ۸۶: اقبال ج ۳ ص ۶۷. بحار الانوار ج ۹۸ ص ۲۶۹

– ۸۷: اقبال ج ۳ ص ۶۷

– ۸۸: اقبال ج ۳ ص ۷۳

– ۸۹: ارشاد العباد الی استحباب لبس السواد ص ۵۳. الذریعهٔ ج ۸ ص ۱۹۸

– ۹۰: المحاسن ج ۲ ص ۴۲۰ ب ۲۵. الاطعام فی المأتم ح ۱۵۹. وسائل ج ۳ ص ۲۳۸ الحدائق الناضرهٔ ج ۴ ص ۱۶۰- این روایت را

مجلسی رحمهٔ اللّه علیه، با تغییری نقل نموده است.

- ۹۱: ارشاد العباد ص ۲۹

پایان پاورقی‌ها

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.
از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».